



این آگهی فقط دو بار چاپ می‌شود!

- این صفحه را اختصاص داده‌ایم به طرح‌های گرافیکی شما. اگر فکر می‌کنید طرح‌هایتان عالی است سریع دست به کار شوید. فقط یادتان باشد که:
- اندازه طرح‌هایتان A4 عمودی و ۳۰۰ dpi باشد.
 - سعی کنید کپی‌کاری نکنید و نوآوری داشته باشید!
 - طرح‌هایتان حتما باید با موضوع مجله (مهدویت، انتظار، امام مهدی عج) همخوانی داشته باشد.



«انی امان لاهل الارض»
من مایه آسایش و امنیت اهل زمینم

ویژه امام زمان (عج) / گامی نو در عرصه امامت و مهدویت / اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۹ / جمادی الاول و الثانی ۱۴۳۱

- ۳ سرمقاله
۵ در محضر خوبان
۶ مزه اخلاص
۸ آسمان ترک برمی دارد
۹ تسلیم اراده خدا
۱۰ عرشیان فرش نشین
۱۳ آیه ها و نکته ها
۱۴ مهدی یاوران جوان
۱۶ رمز موفقیت او
۱۸ غرب و مهدویت
۲۰ پیام های حضرت مهدی علیه السلام به دولتمردان
۲۲ عدالت امام مهدی از دیدگاه امام خمینی (ره)
۲۴ روغن فروش
۲۶ چند نشانه باقی مانده؟
۲۹ پرسش و پاسخ
۳۰ سفارش
۳۳ منجی در ادیان
۳۴ شهسوار شیرین کار
۳۸ ستاد مهدی باوران
۴۱ کتابخانه مهدوی
۴۲ به نیت حضرت زهرا
۴۴ ویروس
۴۶ سئوالات آخرالزمان لو رفت
۴۸ شعر
۵۰ علم و صنعت بهار شکوفایی
۵۲ پیامک های مهدوی
۵۴ بابت و بهائیت و عوامل مؤثر شکل گیری
۵۶ دل نوشته
۵۸ با اجازه امام زمان علیه السلام
۵۹ عریضه و گل وازه مهدوی
۶۰ با یاران امان
۶۲ جدول و مسابقه تستی

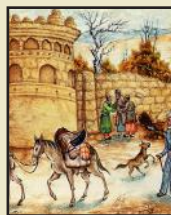
۱۸ غرب و مهدویت



غرب و مهدویت

حمایت های
مسیحیت از
اسرائیل

۲۴ مقاله



روغن فروش

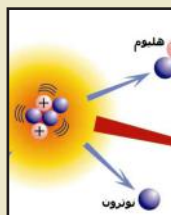
به مناسبت
درگذشت دومین نایب
امام زمان علیه السلام
محمد بن عثمان علیه السلام

۲۶ نقد و نظر



چند نشانه باقی مانده؟

۵۰ مقاله



علم و صنعت بهار شکوفایی

۶ سخنرانی



مزه اخلاص

حجت الاسلام
والمسلمین
ناصر نقویان

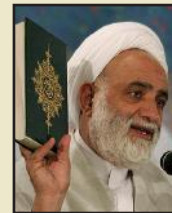
۱۰ عرشیان فرش نشین



عرشیان فرش نشین

آیت الله
شاه آبادی

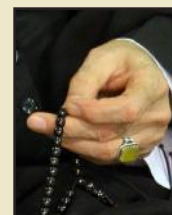
۱۳ سخنرانی



آیه ها و نکته ها

حجت الاسلام
والمسلمین
محسن قرائتی

۱۶ مقاله



رمز موفقیت او

■ امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است.
■ مقاله های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست.
■ می خواهیم نشریه ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ
و...؛ فقط ویژه امام زمان (عج)، آن که سست و بی پایه نباشد.
زیبا و شایسته برای همه علاقه مندان به ساحت مقدس امام
مهربانان؛ پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگرتان
هستیم. با آراء، پیشنهادها، مطالبتان و... ما را در ادای این امر
یاری کنید.

■ مدیرمسئول: مجتبی کلباسی
■ سردبیر: محمدصابر جعفری
■ مدیر علمی: حسن ملاتی
■ مدیر اجرایی: حسین باقری
■ ویراستار: محمد بدیعی
■ امور مخاطبین: محمدجواد کمار
■ برنامه ریزی و امور مشترکین: محمدصادق احمدی
■ امور رایانه: سید علی حسینی
■ طراح و صفحه آرا: علی ناصری، سید مهدی هاشمی

با تشکر از شورای نویسندگان و تمام
مهدی یاورانی که به نوعی یاری گر ما بوده اند.

www.aman.ir

نشانی: قم، خیابان شهیدها (صفائیه)، کوی آمار، بن بست شهید علیان، مرکز تخصصی مهدویت ■ صندوق پستی: ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵ نشریه امان ■ تلفکس: ۷۸۳۲۵۰۰-۰۲۵۱

مراکز بخش: قم، مرکز تخصصی مهدویت ۷۷۳۷۸۰۱-۷۷۳۷۱۶۰-۰۲۵۱)۷۸۳۳۷۷۰ ■ انتشارات مسجد مقدس جمکران (۰۲۵۱)۷۲۵۳۳۴۰ ■ تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) ۸۸۹۱۳۸۹-۰۲۱) (۰۴۴۱)۲۲۵۱۲۱۲ ■ اصفهان ۲۲۵۵۱۱۵-۰۳۱۱)۲۲۳۶۸۱۷ ■ مشهد ۰۵۱۱)۲۲۳۶۹۳۰۰ ■ شیراز ۰۷۱۱)۲۲۳۶۹۳۰۰ ■ تبریز ۲۶۷۲۹۸۷-۵۵۵۵۹۵۱-۰۴۱۱)۵۵۵۵۹۵۱ ■ خرم آباد ۳۲۳۹۸۹۳-۰۶۶۱)۳۲۳۹۸۹۳ ■ آبدان ۲۳۳۰۱۱۱-۰۶۳۱)۲۳۳۰۱۱۱ ■ رشت ۶۶۶۹۵۵۰-۰۱۳۱)۶۶۶۹۵۵۰ ■ کرمانشاه ۷۲۱۷۶۱۶-۰۸۳۱)۷۲۱۷۶۱۶ ■ ساری ۲۲۱۱۸۳۰-۰۱۵۱)۲۲۱۱۸۳۰ ■ اهواز ۲۲۵۹۲۳۴-۰۶۶۱)۲۲۵۹۲۳۴ ■ کرمان ۲۲۲۲۲۲۲-۰۳۴۱)۲۲۲۲۲۲۲



الگو

■ محمد صابر جعفری*

«فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱

حضرت مهدی علیه السلام: الگوی خوب من (رفتار و کردار) دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. گرچه به کنه و عمق این موضوع نمی‌توان رسید و اندیشه و بیان ما قاصر است از ترجمان بیان امام، اما شاید بتوان تا حدی جلوه‌هایی از این ساحت الگویی را دریافت و در پی آن؛ تلاش جامعه منتظر بر این باشد که به پیروی از امام خود به آن اهداف و رفتارها نزدیک گردد.

۱- درک عظمت فقدان نبی و ظلم بر وصی

وقتی ام سلمه - که از همسران خوب پیامبر و چون مادری دلسوز برای فاطمه علیها السلام بود - از حال و احوال او می‌پرسد؛ فاطمه علیها السلام با او چنین درد و دل می‌کند: «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدْ الْتَبَيْتُ وَ ظَلِمَ الْوَصِيُّ هَيْكَلَهُ وَ اللَّهُ حَبَابُهُ؛ بین افسردگی و اندوه صبح نمودم زیرا نبی اسلام از دست رفت و به وصی او ظلم شد»^۲. غم فاطمه از هتک حرمت الهی است و از فقدان پیامبر و ظلم بر وصی او. و چون زنان مدینه حال او را می‌پرسند، فاطمه پس از ذکر فقدان پیامبر و ظلم بر وصی، از آنان شکوه می‌کند؛ از همسرانشان. از رفتار مردانشان و جامعه^۳.

همین اندوه و نیز غم برگشت مردم به جاهلیت را به عنوان شکواییه همه اهل بیت می‌بینیم. همان که قرآن بر آن تاکید کرده بود: «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ»...^۴؛ و محمد صلی الله علیه و آله نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از این جهان در گذشتند، اگر او نیز به مرگ یا شهادت در گذشت باز شما بدین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد. غم فاطمه و ائمه از سوئی فقدان نبی است و از سوئی ظلم بر وصی است و همراهی جامعه ای تماشاگر با ظالمان .

درک عظمت فقدان اشرف مخلوقات که تمام انبیا و اوصیا چشم عنایت به او بسته‌اند. درک جایگاه وحی و اضطراب بشر به رسول خدا و مسیر او. درک تنهایی و غربت و مظلومیت رسول خدا و آزار و اذیت‌هایی که هیچ کسی مانند او متحمل آن نشده «ما أَوْذَى نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أَوْذِيَتُ»^۵. فقدان این شخصیت به مقدار عظمت او بزرگ است. لذا دوری از او برای زهرا علیها السلام هراس انگیز است و ناله و ضجه آور و خبر این که زودتر از همه به رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق می‌شود، شادی آفرین و آرامش بخش. فقدان چنین شخصیت با عظمتی که در عین پدر بودن، برای او رسول الله صلی الله علیه و آله بود و فرستاده با عظمت حبیب او .

از سوئی دیگر؛ درک ظلم بر وصی و این که سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله نادیده گرفته شده و وصی او که تنها راه هدایت بشر است؛ کنار زده شده و



ظالمانه نادیده گرفته شده است؛ خار در چشم و استخوان در گلوئی او را در می‌یابد عدم یآوری و بیعت شکنی .

شکوائی فاطمه (علیها السلام) دو جنبه دارد و شکوائی ائمه اطهار (علیهم السلام) و حضرت مهدی (علیه السلام) نیز همان دو جنبه را داراست؛ همین غم و اندوه و شکواییه را در دعای افتتاح می‌بینیم و ناله و شکواییه که منتظران دارند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتَنَا وَ غَيْبَهُ وَلَيْتَنَا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بَيْنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ؛ بار الهی! به درگاه تو از فقدان پیامبر و غیبت ولی خود و سختی زمانه و وقوع فتنه‌ها و چیرگی دشمنان و کثرت دشمنان و کمی عددمان شکایت می‌کنیم. بار الهی! با فتح عاجل و نصرت عزتمند خود و امام عادل که ظاهر می‌سازی فرج را برسان»^۶.

۲- تلاش خستگی ناپذیر

حضرت زهرا (علیها السلام) با تمام کوشش شبانه و روزانه، پنهان و آشکارا، افراد را به دین خدا و ولی خدا دعوت می‌نمود. چه شبانه که به اتفاق امیرالمؤمنین و حسنین (علیهم السلام) به درب خانه انصار و مهاجر می‌رفت و تک تک با افراد سخن می‌فرمود^۷ و چه به صورت آشکارا در مسجد پیامبر در حضور همه و یا با ناله ها و گریه‌های شبانه و روز خود.

حضرت مهدی (علیه السلام) نیز تلاشگری است خستگی ناپذیر «الجهججاج المجاهد»^۸. عنایات او فقط در حد راه نشان دادن به محروم گمشده‌ای خلاصه نمی‌شود. در طول تاریخ؛ هدایت‌ها، جلوه نمایی‌ها و الطاف او بی حد و اندازه است. امام سجاد در وصف منتظران حضرت مهدی چنین فرمودند: «الدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا»^۹؛ منتظران پنهان و آشکارا، افراد را به دین خدا دعوت می‌کنند.

۳- مبارزه و دفاع از دین

حضرت زهرا (علیها السلام) با همه وجود از دین دفاع نمود، و در عین مظلومیت و غربت بر سختی‌ها استقامت نمود و در آخر، جان خود را فدای ولی خدا و وصی نبی خدا نمود. تحمل و صبر حضرت مهدی (علیه السلام) برای دفاع از دین است. برای جامعه منتظر که الگوی خود را امام خود و حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داده است؛ مبارزه و دفاع از دین، مهمترین وظیفه است .

* . سردبیر.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵۶.

۳. معانی الاخبار، ص ۳۵۴.

۴. آل عمران ۱۱۴.

۵. المناقب، ج ۳، ص ۲۴۷.

۶. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۴.

۷. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۹۱.

۸. مصباح المتهجد، ص ۴۰۹.

۹. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

“

امام
سجاد (علیه السلام)
در وصف
منتظران
حضرت
مهدی (علیه السلام)
چنین
فرمودند:
منتظران
پنهان و
آشکارا، افراد
را به دین
خدا دعوت
می‌کنند.





میزان در اعمال

آنچه مایه نجات انسان‌ها و آرامش قلوب است، وارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود.^۱ پسرم! تو نعمت جوانی داری و قدرت اراده، امید است بتوانی راهی طریق صالحان باشی. آن‌چه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنار کنی و گوشه‌گیر و کل (بار) بر خلق‌الله باشی که این از صفات جاهلان متنسک است، یا درویشان دکان‌دار. سیره انبیای عظام صلی‌الله علی نبینا و علیهم اجمعین و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) که سرآمد عارفان بالله و رستگاران از هر قید و بند، و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قوا علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنج‌ها برده و کوشش‌ها کرده‌اند، به ما درس‌ها می‌دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه‌گشایمان خواهد بود «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».^۲ پسرم! نه گوشه‌گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت، شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه‌های آنهاست.

چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر، با آن‌چه مناسب او است، چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عجب و بزرگ‌بینی و تحقیر خلق‌الله و شرک خفی و امثال آنها، او را از حق دور و به شرک می‌کشاند و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزه الهی به معدن قرب حق نائل می‌شود، چون داود نبی و سلیمان پیامبر (علیهم‌السلام)، و بالاتر و والاتر چون نبی اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و خلیفه بر حقش علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، و چون حضرت مهدی ارواحنا لمقدمه الفداء در عصر حکومت جهانی‌اش. پس میزان عرفان و حرمان، انگیزه است.^۳



۱. اشاره است به مضمون آیه شریفه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ همانا! با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.» رعد/۲۸.

۲. هر کس که صبح را شب نماید اما به امور مربوط به مسلمان‌ها اهتمام و توجهی نداشته باشد، مسلمان نیست.

۳. برگرفته از نقطه عطف (نامه امام خمینی (ره) به فرزند گرامی‌شان حاج سید احمد خمینی (ره)).



مزره اخلاص

■ حجت الاسلام ناصر نقویان

علیکی با طرف داشته باشد، حالا به نظر شما آیا او می تواند حضور قلب داشته باشد؟ در حدیث آمده است: «الصلاة معراج المؤمن» این جا نه تنها نماز معراج و نردبان صعود این شخص نیست بلکه نماز گزار را به درجات پایین تر برمی گرداند. جناب مولوی می گوید:

وین رسن را نیست جرمی ای عنود
چون تو را سودای سربالا نبود

برادران حضرت یوسف با طنابی که همه برای بالا رفتن از آن استفاده می کنند، برادر خود را به چاه انداختند، حال آن که در واقع، خود را پایین بردند نه یوسف را، از این رو است که این دنیا، دنیای خرید و فروش است. حافظ؛ می گوید:

طفیل هستی عشق اندامی و پری
ارادتی بنما تا سعادت بیبری

همین طور جناب سعدی؛ می گوید: «ارادت نداری، سعادت مجوی». لذا کسی که تلاشی نکرده باشد، چیزی نداده باشد و زحمتی نکشیده باشد، نباید توقع زیاد داشته باشد.

همه می دانیم که خدای متعال اولاً خیلی مهربان است، ثانیاً وضع مالی اش فوق العاده خوب است، ثالثاً بخیل هم نیست، اما شیوه کارش این است علاوه بر رحمت عمومی، که باید چیزی از بنده ببیند تا در قبالش چیزی بدهد، هستی را هم بر همین اساس آفریده است.

شما درخت نخل را دیده اید، همان اندازه که بیرون از خاک سر برافراشته، به همان اندازه نیز داخل خاک ریشه دارد. از سر ریشه های آن مایعی مثل شیر ترشح می شود که سنگ های سخت و محکم را نرم می کند و ریشه بیشتر نفوذ می کند. شما می بینید در زلزله های شدید، خانه هایی با آن استحکام و آهن هایی به آن قدرت ویران می شوند، اما درخت نخل ذره ای کج نمی شود؛ لذا بر طبق این حدیث شریف تا زمانی که عمل خالصی برای خدا انجام نداده باشی چیزی هم دریافت نخواهی کرد. به همین راحتی که نمی توان عزیز دردانه خدا شد و پیش خود بگوییم: چون سید هستیم،

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (علیها السلام) در حدیثی نورانی می فرمایند: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عِزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ هر کس عبادت خالصانه خویش را به سوی پروردگار متعال بفرستد، خداوند نیز برترین مصلحت خویش را به سوی او خواهد فرستاد».

در این حدیث شریف نکات فراوانی وجود دارد که از باب تبرک و تبیین به چند مورد از آنها می پردازیم.

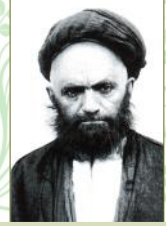
نکته اول این که عالم، عالم داد و ستد می باشد، ضرب المثل قدیمی می گوید: هر قدر پول بدهی، همان قدر آش می خوری، از جمله عبادات ما نماز است و نماز بدون حضور قلب، قبول نمی شود. حضور قلب در نماز و حالت روحانی داشتن و اتصال قلبی با خدا، با موبایل روشن نمی شود. وقتی هنگام نماز موبایل کسی زنگ می زند، او زیر چشمی به

گوشی نگاه می کند و می بیند که یکی از دوستان صمیمی اش تماس گرفته است، در همان موقع تمام خاطرات تلخ و شیرین او هم به یادش می آید، خلاصه بدش نمی آید هنگام نماز، سلام



“
خدای متعال
اولاً خیلی
مهربان
است، ثانیاً
وضع
مالی اش
فوق العاده
خوب است،
ثالثاً بخیل
هم نیست،
اما شیوه
کارش این
است علاوه
بر رحمت
عمومی، که
باید چیزی
از بنده
ببیند تا
در قبالش
چیزی بدهد،
هستی را
هم بر همین
اساس
آفریده است.





می‌بردند، تعدادی طلبه همراه ایشان می‌رفتند، آقا توقف می‌کردند و می‌پرسیدند: شما برای چه دنبال من راه افتاده‌اید؟ چرا همراه من می‌آیید؟ می‌گفتند: داریم به حرم می‌رویم، با شما هم‌مسیر هستیم. آقا می‌فرمودند: یا شما بروید جلوتر، من خودم می‌آیم و یا بایستید تا من بروم و بعداً بیایید. مشخص است که وقتی همراه‌ها، اطراف انسان باشند غرور می‌آورد و نفس انسان، لذت می‌برد.

این‌طور جاها دوربین خدا به دقت ضبط می‌کند، چون درجه اخلاص خیلی بالاست.

خدای فرانکفورت با خدای مکه و مدینه هیچ فرقی نمی‌کند، اما دو رکعت نماز در فرودگاه فرانکفورت سر وقت و از روی اخلاص خواندن غوغا می‌کند.

در یکی از سفرهای حج، یک حاجی فیلیپینی کیف پولی متعلق به یکی از زائرین ایرانی را پیدا کرده بود. او برای این که پول را به صاحبش برساند،



با پرس‌وجو بعثه ایرانی‌ها را پیدا کرده بود. دو سه هزار دلار محتوای کیف بود. جالب اینکه، فرد یابنده کیف، وضع مالی خوبی نداشت؛ وقتی از وی پرسیدند: با چه انگیزه‌ای کیف را به بعثه تحویل دادی؟ گفته بود انگیزه نمی‌خواهد، ما همه برای زیارت خانه خدا به این‌جا آمده‌ایم و حاجی هستیم. از او پرسیدند: شما اگر این کیف پول را در کشور خود پیدا می‌کردی، چه می‌کردی؟ باز هم به دنبال صاحبش می‌گشتی؟ گفت: بله می‌رفتم صاحبش را پیدا می‌کردم و به او می‌دادم، مگر خدای مکه و مدینه با خدای فیلیپین فرق می‌کند.

کسی که مزه اخلاص را چشیده است، برای او فرق ندارد کجا باشد، کی باشد، چطور باشد.

لذا از این حدیث شریف استفاده می‌شود که عبادت فقط نماز و روزه، یا رفتن به مکه و کربلا و مشهد نیست، حتی سکوت‌های خدایی شما هم می‌تواند عبادت باشد. ■

چون روحانی هستیم، چون پولدارم، باید پیش خدا عزیز باشم. روزی رسول خدا ﷺ به حضرت زهرا (س) فرمودند: «دخترم مبدا بگویی من دختر فلانی‌ام، پدرم که بود و مادرم که بود و فخر فروشی کنی! خودت باید زحمت بکشی و تلاش کنی و تقوا پیشه کنی».

نکته دوم در عبارت «خالص عبادته» می‌باشد، خدا از ما چه می‌خواهد؟ عبادت خالص و فقط برای خدای متعال انجام دادن عمل.

در سفر به لبنان، دیدارهایی با برخی از دوستان و نزدیکان آقای سید حسن نصرالله داشتیم، یکی از آنها گفت: «روزی از نصرالله پرسیدم: شما چه کار کرده‌اید که بحمدالله این طور در جهان اسلام مطرح شده‌اید و همه شما را می‌شناسند و برایتان دعا می‌کنند و حتی برادران اهل سنت هم به شما احترام می‌کنند، حتی مسیحیان لبنان هم از شما حمایت می‌کنند و شما را دوست دارند و به شما عشق می‌ورزند؟ شما چه کرده‌اید؟»

سید نصرالله گفت: «استادی داشتیم در قم که به من می‌گفت: سید! اگر می‌خواهی در پیشگاه خدا و خلق خدا عزیز باشی، سعی کن در تمام کارهایت خدا را در نظر بگیری و اخلاص داشته باشی؛ حتی اگر سکوت خواستی بکنی به خاطر خدا سکوت کن».

پیامبر ﷺ روزی به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: علی جان می‌دانی خدای متعال چرا تو را این گونه و به این شدت دوست دارد؟ به خاطر این که با قشر ضعیف و پابرنه‌ها و با کسانی که مردم از آنها دوری می‌جویند و کوچکشان می‌شمرند، نشست و برخاست می‌کنی و دوستشان داری و احوال ایشان را می‌پرسی». به قول سعدی:

ببخشای کانان که مرد حق‌اند *** خریدار دکان بی رونق‌اند

عارف بزرگ مرحوم سید علی آقا قاضی، استاد عرفان علامه طباطبایی و آیت‌الله بهجت را دیدند که در نجف از مغازه میوه‌فروشی کوچکی که نسبت به مغازه‌های دیگر میوه‌هایش پست‌تر بود خرید می‌کند، یکی از طلبه‌ها جلو رفت و گفت: استاد این‌جا میوه‌های خوبی ندارد، بروید از فلان مغازه بخرید که میوه‌هایش بهتر است؛ آقا نگاهی به او انداخت و گفت: شما می‌فهمی این میوه‌ها به درد نمی‌خورد، ولی من نمی‌فهمم؟ اینها را می‌خرم چون می‌دانم کسی بابت اینها پول نمی‌دهد؛ از طرفی این بنده خدا عیال‌وار و تهی‌دست است نمی‌خواهم به او صدقه بدهم، از او خرید می‌کنم تا به او هم کمکی بشود.

امروزه ما در جامعه می‌بینیم که دخترانی با ایمان، محجبه، نجیب و حتی تحصیل کرده و خوش‌سینما هستند که آماده ازدواج‌اند، ولی فقط به خاطر این که پدرشان کارگر ساده کارخانه‌ای بیش نیست یا سر و وضع آنچنانی ندارد و خانواده آنها پول‌دار نیستند، کسی سراغ آنها نمی‌رود. اما دختر پولداری که شاید قیافه هم نداشته باشد، ولی به خاطر پول پدرش خواستگار بیشتری دارد، باید مردی مردانگی کند و جوانی جوانمردی کند و برای خدا به سراغ دختر فقیر برود و با او ازدواج کند.

در میان اعمال انسان‌ها برخی از اعمال هست که نقش کاتالیزر را بازی می‌کند و آن عمل خالص است، کاری که درجه خلوصش زیاد باشد، یک شبه، ره صد ساله را طی می‌کند.

حضرت امام؛ در نجف هر شب از خانه تا حرم که برای زیارت تشریف

آسمان ترک بر دارد

■ راضیه مس فروش

آسمان ترک بر می‌دارد وقتی نامت میان کوچه پس‌کوچه‌های مدینه جاری می‌شود.
 واژه‌ها غروب می‌کنند و انعکاس یادت در میان در و دیوار نیلی می‌شود.
 درد زبانه می‌کشد و تاریخ گواهی می‌دهد که تو بودی و یک هیجده بی‌غیرتی
 جوان بانوی علی، پهلوی شکسته شدی که دست به دیوار گرفته‌ای؟!
 میخ در هم بی‌وفایی می‌کند، شبیه روزگار شده، داغ و سوزان.
 هنوز آتش دامنه دارد، هنوز درد...
 دستان علی بسته شد، لحظه‌ها به سیلی نشست و چادرت...
 آه، می‌روی اما یک بغل دلواپسی میان چشمانت موج می‌زند،
 اکنون که سلام علی بی‌جواب مانده، با علی وداع مکن فاطمه جان!
 آرامش علی! یادگار لحظه‌های دلدادگی زمین! رفتنت خانه خرابم می‌کند، مرو
 می‌روی و رفتنت سرنوشت زمین و زمان را در التهاب بی‌مادری رها می‌کند و مرثیه جانکاه
 ثانیه‌ها قلب موعودمان را می‌لرزاند.
 تا هنگامه فرج، تا طلوع بی‌تاب‌ترین آدینه هستی، تا آمدن حجت منتظر که بیاید...
 بیاید و انتقام این فاطمیه‌های بی‌سر و سامان را بگیرد؛
 ابهام سال‌های بی‌نشانی تربت را بستاند
 و التیام این کهنه زخم به استخوان رسیده زمین باشد.

تسلیم اراده خدا

■ محمد مهدی حائری پور*

تلخی و سختی زودگذر را پذیرا باشیم؛ تا به شیرینی و اجر پایدار و ماندگار الهی دست یابیم. با این نگاه، نه تنها تحمل بلا و مصیبت بسیار آسان تر خواهد بود، بلکه بلا و سختی خود نعمت دیگری است که باید خدا را بر آن سپاس گفت.

۳. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در متن بلا و سختی، سخن از نعمت‌ها و الطاف الهی می‌گوید و زبان به شکر و سپاس خدا باز می‌کند. من و شما نیز باید با مروری بر نعمت‌های بی‌شمار الهی، شاکر الطاف کریمانه او باشیم، نه این‌که به کمبودها و ناداری‌ها فکر کنیم که نتیجه آن شکایت و ناسپاسی خواهد بود؛ به قول معروف سعی کنیم نیمه پر لیوان را ببینیم تا حس تشکر و قدردانی به خود بگیریم، نه نیمه خالی لیوان را که زبان به گله و اعتراض باز کنیم. همه این درس‌ها زمانی در زندگی، عملی می‌شود که انسان از حالت طمع بیرون رود و به حالت بی‌نیازی و غنای نفس برسد، تا بتواند به تقدیر و تقسیم الهی قانع گردد، همان نعمت بزرگی که در دوران ظهور نصیب مردم می‌شود. چرا که پیامبر (علیه السلام) فرمود: «در آن روزگار خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل‌های مردم می‌گذارد». ■

روزی پیامبر اکرم (علیه السلام)، فاطمه زهرا (علیها السلام) را دید که جامه‌ای خشن بر تن دارد و در آن حال با یک دست خود گندم را آسیا می‌کند و دست‌اس می‌گرداند؛ و با دست دیگر، کودک خود را در آغوش گرفته، شیر می‌دهد! اشک از چشمان رسول خدا (علیه السلام) جاری گشت و فرمود: «دخترم! با (تَحْمَل) تلخی دنیا به سوی شیرینی آخرت بشتاب». حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: «یا رسول الله الحمد لله علي نعمائه والشكر لله علي آلائه»^(۱)؛ ای رسول خدا (علیه السلام)؛ خدا را بر نعمت‌هایش می‌ستایم و بر داده‌هایش سپاس می‌گوییم.

فاطمه زهرا (علیها السلام) با این پاسخ زیبا، درس‌هایی بزرگ و انسان‌ساز به ما می‌دهند، از جمله این‌که:

۱. همیشه و در همه حال، تسلیم اراده خدا باشیم و به آن چه او می‌پسندد راضی بوده و یقین داشته باشیم که او جز خیر و خوبی و رستگاری برای ما نمی‌خواهد. البته ممکن است امری به ظاهر خوشایند ما نباشد، ولی در واقع به صلاح و مصلحت ما باشد، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^(۲)؛ و چه بسا از امری کراهت داشته باشید و حال آن‌که خیر شما در آن است.

۲. در هر حال چه در نعمت و چه در بلا، خداوند را شاکر باشیم، زیرا که بلای او هم بی‌حکمت نیست. یادمان باشد، هر رنج و محنتی که در راه خدا و برای خدا باشد، همراه با پاداش‌های فراوان الهی خواهد بود، بنابراین

* استاد و پژوهشگر مباحث مهدوی.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۵.

۲. بقره/۲۱۶.



آیت الله مشایخ آبادی



ایشان پس از ۷۷ سال زندگی پر برکت، در روز پنجشنبه ۳ صفر ۱۳۶۹ قمری بدرود حیات گفت و پیکر مطهرش با تجلیل و تکریم فراوان در زاویه مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) به خاک سپرده شد. آن چه در ذیل می‌آید گوشه‌ای از زندگی پر بار و فرمایش‌های ارزشمند این مرد الهی به نقل از فرزندان و دوستان ایشان است:

به بزرگ‌تربگو بیاید

وقتی رضاخان دستور داد منبر را از مسجد ایشان بردارند، تا مانع سخنرانی ایشان شوند، ایشان دست از سخنرانی برنداشتند و به طور ایستاده سخنرانی می‌کردند. مأمورین شهربانی هم مرتباً به مسجد می‌آمدند و مطالب منبر ایشان را می‌نوشتند و گزارش می‌کردند. یک بار که رییس کلانتری به مسجد آمده بود، چون می‌خواست با کفش وارد مسجد شود، ایشان با صدای بلند فرمود: فاخلع نعلیک! (کفش‌هایت را در بیار)، آن چنان به مأمورین پرخاش نمود که آنها ترسیدند و از مسجد بیرون رفتند. وقتی که آیت‌الله شاه‌آبادی از مسجد خارج شد، مأمورین هم به دنبال ایشان رفتند و از ایشان می‌خواستند که متعهد شود که دیگر به منبر نروند، ولی ایشان با همان لهجه اصفهانی خود به مأمورین فرمودند: «برو به بزرگ‌تربگو بیاید».

روش مناسب برای نهی از منکر

در نزدیکی منزل ایشان در خیابان امیرکبیر، دکتري بود به نام ایوب که برای دخترانش معلم موسیقی آورده بود و هر روز صدای موسیقی بلند بود، به گونه‌ای که از صدای آنها، همسایه‌ها ناراحت بودند. ایشان برای دکتر پیغام فرستاد و از او خواست که از این کار دست بردارد، اما دکتر جواب داده بود که من این کار را ترک نمی‌کنم و شما هر اقدامی که می‌خواهید بکنید. مرحوم شاه‌آبادی تا روز جمعه صبر کرد و آن‌گاه در جلسه روز جمعه که در مسجد شاه سابق تشکیل شده بود، به مردم گفت: خوب است از این به بعد هر کس از این خیابان عبور می‌کند، چون به مطب این دکتر رسید، داخل مطب شده و سلام کند و آن‌گاه با خوش‌رویی از او بخواهد که آن عمل خلاف خود را ترک کند. از آن پس، هر کس از جلو مطب او عبور می‌کرد، برای انجام وظیفه شرعی خود، داخل مطب می‌شد و سلام کرده، موضوع را با زبان خوش در میان می‌گذاشت و خارج می‌شد. چند روز به این منوال گذشت و دکتر هر روز با صداهای مراجعه‌کننده مواجه می‌شد که همگی یک مطلب را به او تذکر می‌دادند. وی دید اگر بخواهد به لجاجت خود ادامه دهد، نه تنها باید مطب خود را تعطیل کند، بلکه مجبور است از آن خیابان هم کوچ کند. از این رو دست از ایجاد مزاحمت برداشته، جلسه آموزش دخترانش را تعطیل کرد.

فقیه مبارز و عارف کامل، حضرت آیت‌الله میرزا محمد علی شاه آبادی (رحمه الله) در سال ۱۲۹۲ قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. از همان ابتدا در محضر پدر بزرگوار خود، مقدمات علوم الهی و دروس حوزه را فرا گرفت و از محضر سایر اساتید وقت و علمای اصفهان کسب فیض نمود. در سال ۱۳۰۴ قمری در سن دوازده سالگی، زمانی که پدر ایشان توسط ناصرالدین شاه به تهران تبعید گردید، به همراه پدر و برادر دیگرشان به تهران مهاجرت نمود و در طول اقامت شانزده ساله در تهران، به ادامه تحصیل علوم دینی پرداخته و در سال ۱۳۱۰ قمری، آن‌گاه که حدود هجده سال داشت، به درجه اجتهاد نایل آمد.

با انتشار کتاب «کفایة الأصول» که مبانی تازه‌ای از اصول فقه توسط آخوند خراسانی (رحمه الله) در آن مطرح گردیده بود، آیت‌الله شاه آبادی تصمیم گرفت که به نجف اشرف عزیمت کرده و با مؤلف این کتاب گرانقدر آشنا شود. ایشان پس از ارتحال آخوند خراسانی، نجف را ترک نموده و رحل اقامت به سامرا افکند، تا از محضر درس آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی استفاده کند و همچنین به تدریس فقه و اصول و فلسفه بپردازد. حوزه درسی ایشان در سامرا از حوزه‌های درسی قوی و پرستقبال طلاب و فضلاء آن دوره گردید، به حدی که میرزای شیرازی، مراجعت ایشان به ایران را موجب خلاء حوزه سامرا دانسته و ایشان را از مراجعت به ایران نهی می‌نمود. اما آیت‌الله شاه‌آبادی در سال ۱۳۳۰ قمری پس از یک سال اقامت در سامرا، به دلیل اصرار فوق‌العاده مادرشان که همراه ایشان بود، تصمیم به مراجعت به ایران می‌گیرد.

ایشان تا سال ۱۳۴۷ قمری (۱۳۰۷ شمسی) در تهران به فعالیت‌های علمی و تبلیغی و نیز مبارزه با نظام جور اشتغال داشت. مرحوم شاه‌آبادی قبل از به قدرت رسیدن رضاخان پهلوی، چهره واقعی او را شناخت و فریب تزویر و تظاهر او به دین‌داری را نخورد و خطر او را به علما گوشزد فرمود و لحظه‌ای از مبارزه با ظلم و ظلمت حاکم غفلت نکرد. از جمله این مبارزات، تحصن یازده ماهه ایشان در حرم حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) در اعتراض به جنایات رضاخان بود. از قول امام خمینی (رحمه الله) نقل شده است: «مرحوم آقای شاه‌آبادی علاوه بر آن که یک فقیه مبارز و عارف کامل بودند، یک مبارز به تمام معنی هم بودند».

آیت‌الله شاه‌آبادی (رحمه الله) در سال ۱۳۴۷ قمری (۱۳۰۷ شمسی) و در سن ۵۵ سالگی به حوزه نوپای قم، عزیمت نمود و به اشتغالات علمی و تربیت طلاب همت گماشت. برجسته‌ترین شخصیتی که از انقباس قدسی این عارف بزرگ بهره برد، امام خمینی (رحمه الله) بود که در تمام مدت هفت سال اقامت مرحوم شاه‌آبادی در قم، در زمینه عرفان از ایشان کسب فیض نمود.

آیت‌الله شاه‌آبادی در سال ۱۳۵۴ قمری در اثر اصرار بیش از حد مردم تهران که به طور دسته جمعی به قم آمدند و از ایشان تقاضای بازگشت به تهران می‌کردند، به تهران مراجعت نمود.

“
امام
زمان
قلب عالم
است و
تقرب به
خدا بدون
اطاعت
از او و
امام
زمان
ممکن
نیست



صلوات حضرت زهرا

در نوافل شب، به مقام شامخ حضرت زهرا توجه کنید و بدانید که استمداد گرفتن از آن حضرت، موجب ترقی و قرب معنوی می شود و خداشناسی انسان را زیاد می کند. همچنین قبل از اذان صبح، صلوات حضرت زهرا را بفرستید.

برای دنیایان هم، سحرها بیدار شوید!

اگر برای نافله شب بیدار شدید، اما برای نافله خواندن آمادگی روحی ندارید، بیدار بمانید. بنشینید، حتی چای بخورید. انسان بر اثر همین بیداری، آمادگی برای عبادت را پیدا می کند. بیداری سحر، هم برای مزاج مادی مفید است و هم برای مزاج معنوی.

سه دستور اخلاقی

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم شاه آبادی بود، نقل می کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی هایشان، با ناراحتی اظهار داشت:

چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه های معنوی نشان نمی دهند؟ می فرمود: آخر مگر شماها نمی خواهید آدم شوید؟ اگر نمی خواهید، من این قدر به زحمت نیفتم! همین فرد می گوید: بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می خواهیم آدم بشویم، چه کنیم؟ ایشان فرمود: من به شما سه دستور می دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت بیایید تا برنامه را ادامه دهیم. سه دستور ایشان چنین بود:

۱. مقید باشید نماز را در اول وقتش اقامه کنید. هر جا باشید، هنگامی که صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

۲. در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، در معاملات، چشم هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید. کمترین منفعت را در نظر بگیرید.

۳. از نظر حقوق الهی (خمس) گرچه می توانید برای ادای آن تا یک سال صبر کنید و امام معصوم (علیه السلام) به شما مهلت داده اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه رجب شنیده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می آمدم که صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و مشغول نماز جماعت شدم. در نماز دیدم که امام جماعت گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند، ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟

نبودید. ایشان متحیر شد. تعجب کرد و فرمود که معذرت می خواهم، من در منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی می رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می شدم و بر می گشتم. در اثر دو ماه و نیم التزام من به این سه دستور، دیدم ما باز شد و برنامه را همچنان ادامه دادم که مشاهدات بعدی من، دیگر قابل بیان نیست.

قوای جوانی

تا قوای جوانی و نشاط آن باقی است، بهتر می توان قیام کرد در مقابل مفاسد اخلاقی، و خوب تر می توان وظایف انسانی را انجام داد. مگذارید این قوا از دست برود و روزگار پیری پیش آید که موفق شدن در آن حال، مشکل است و بر فرض موفق شدن، زحمت اصلاح خیلی زیاد است.

مگر می شود شخصی مثل امام زمان پیش از هزار سال عمر کند؟

یا ما قائل هستیم به این که امور مقدر الهی است یا خیر؟ اگر مقدر الهی است که خوب، خدا عمر یک را ده سال، یکی را صد سال، یکی را هم دو هزار سال و ده هزار سال مقدر می کند؛ هر چه خدا مقدر کند عمر می کند، اما اگر جریان امور روی حساب طبیعی است، در آن صورت هم هر کسی بتواند مزاجش را با طبیعت میزان کند می ماند، خوب اگر یکی به جمیع خصوصیات جسمانی خودش و خواص سایر اشیاء آگاه باشد، این می داند که الآن مثلاً چربی بدن زیاد است و با فلان چیز از بین می رود و یا فلان ویتامین لازم است، و با یک چنین آگاهی این فرد همیشه سالم است. کسی که مقدرات الهی را قبول ندارد این استدلال هم او را در مورد عمر حضرت مجاب نمی کند.

وظایف ما درباره حضرت ولی عصر در عصر غیبت

اطاعت از دستورهای خدا و رسیدن به مقام قرب پروردگار اساسش، اول قلب مبارک امام زمان است. امام زمان قلب عالم است و تقرب به خدا بدون اطاعت از او و امام زمان ممکن نیست.

وقتی حضرت ولی عصر مظهر تام پروردگار است، همه جا حاضر و ناظر می باشند. حضرت هر چند غایب هستند، ولی ما پیش او حاضر هستیم، حضرت به افکار و اعمال و گذشته و آینده ما احاطه دارند، معنای انتظار ظهور هم همین است. باید حافظ مال و کیان (منزلت) حضرت باشیم؛ حفظ مولای ما به دست ماست و حفظ مولویت او بسته به این است که در مقام شریعت کوتاهی نکنیم، واجبات را انجام دهیم و حرام ها را ترک کنیم. ■

آیه‌ها و نکته‌ها



حیات و زندگی

■ حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُهُ تُحْشَرُونَ»^(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات بخش شماست دعوت می‌کند، بپذیرید و بدانید خداوند میان انسان و دل او حایل می‌شود و به سوی او محشور می‌شوید».

* حیات، اقسام مختلفی دارد:

۱. حیات گیاهی. «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^(۲) خداوند زمین را زنده می‌کند.
۲. حیات حیوانی. «لَمْ يُحْيِ الْمَوْتَى»^(۳) خداوند مردگان را زنده می‌کند.
۳. حیات فکری. «مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ»^(۴) آن که مرده بود و زنده‌اش کردیم.
۴. حیات ابدی. «قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»^(۵) کاش برای زندگی جاویدان خود چیزی از پیش فرستاده بودم.

* مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست، چون بدون دعوت انبیا نیز این نوع حیات وجود دارد، بلکه مقصود حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالآخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها می‌باشد. البته ممکن است مراد از دعوت به حیات در این جا (به دلیل آن که آیه مذکور در کنار آیات جنگ بدر آمده است)، دعوت به جهاد باشد.

* حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیا هم مردم را به همان حیات دعوت کرده‌اند. «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» اطاعت از فرامین آنان، رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است، چنان که در جای دیگر می‌خوانیم: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^(۶) و طبق روایات شیعه و سنی، یکی از مصادیق حیات طیبه، پذیرش ندای پیامبر اسلام ﷺ در مسئله ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اهل بیت اوست.^(۷)

۳. فصلت/۳۹.

۲. حدید/۱۷.

۱. انفال/۲۴.

۶. نحل/۹۷.

۵. فجر/۲۴.

۴. انعام/۱۲۲.

۷. تفسیر فرقان.



■ خدامراد سلیمیان*

[خویشتن‌داری و خودسازی]

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت‌های حیات انسانی است که خاطرات و مخاطرات شیرین آن همچون رنگین‌کمانی زیبا و شگفتی‌آفرین از جلوه‌های عشق و معرفت، شور و شیدایی و رشد و شکوفایی در آسمان خاطرات همگان نقش می‌زند. فصلی است برای شکفتن غنچه‌های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت با خویشتن‌داری و خودسازی.

چه تسلط بر خویشتن - خود کنترلی - یکی از عالی‌ترین رهیافت‌های یک نظام تربیتی درست به شمار می‌آید. از این رو، در آموزه‌های مهم اخلاقی سفارش شده که انسان همواره جان خویش را از پلیدی‌ها پاک سازد و روح خود را همواره با یاد پروردگار صفا و جلا دهد و نیز در روبه‌رویی با نافرمانی‌های پروردگار خویش را نگه دارد.

در آیات قرآن و روایات معصومان: این ویژگی از برجسته‌ترین صفات انسان شمرده شده است که با آن می‌توان زندگی سعادت‌مندی را پشت سر نهاد. امام سجاده^۷ فرمود: «مردی با خانواده‌اش مسافرت دریا کرد، کشتی آنها شکست و از کسانی که در کشتی بودند، جز زن آن مرد نجات نیافت، او بر تخته پاره‌ای از الوار کشتی نشست تا به یکی از جزیره‌های آن دریا پناهنده شد، در آن جزیره مردی راهزن بود که همه پرده‌های حرمت خدا را دریده بود، ناگاه دید آن زن بالای سرش ایستاده است، سر به سوی او بلند کرد و گفت: تو انسانی یا جنی؟ گفت: انسانم، بی‌آنکه با او سخنی گوید، آماده گناه با او شد، زن لرزان و پریشان گشت، به او گفت: چرا پریشان گشتی؟ زن گفت: از این می‌ترسم - و با دست اشاره به آسمان کرد - مرد گفت: مگر تا کنون چنین کاری کرده‌ای؟ (گناه) زن گفت: نه، به عزت خدا سوگند. مرد گفت: چرا از خدا چنین می‌ترسی، در صورتی که چنین کاری نکرده‌ای و من تو را

“ جوانی که در راستی و امانت‌داری پای‌بند به دستورات شرع است، در واقع نوعی حس قدسی را در خود پدید آورده که زندگی او را در نهایت آرامش پیش خواهد برد



مجبور می‌کنم، به خدا که من به پریشانی و ترس از تو سزاوارترم، سپس کاری نکرده برخاست و به سوی خانواده‌اش رفت و همواره به فکر توبه و بازگشت بود.

روزی در اثنای راه به راهبی برخورد و آفتاب داغ بر سر آنها می‌تابید، راهب به جوان گفت: دعا کن تا خدا ابری بر سر ما آرد که آفتاب ما را نسوزاند، جوان گفت: من برای خود نزد خدا کار نیکی نمی‌بینم تا جرأت کنم و چیزی از او بخواهم. راهب گفت: پس من دعا می‌کنم و تو آمین بگو. گفت: آری خوب است، راهب دعا می‌کرد و جوان آمین می‌گفت. به زودی ابری بر سر آنها سایه انداخت. هر دو پاره‌ای از روز را زیر ابر راه رفتند تا سر دو راهی رسیدند. جوان از یک راه و راهب از راه دیگر رفت، و ابر همراه جوان شد. راهب گفت: تو بهتر از منی. دعا به خاطر تو مستجاب شد نه به خاطر من، گزارش اعمال خوب خود را به من بگو، جوان داستان آن زن را بیان کرد. راهب گفت: چون ترس از خدا تو را گرفت، گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، اکنون مواظب باش که در آینده چگونه باشی.^(۱)

در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است

ورنه هر گبری به پیری می‌شود پرهیزگار

تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و حفظ طهارت روح و سلامت نفس و ترک گناه، برای همگان بایسته و

لازم است، اما برای جوان

زیبنده و مایه آراستگی

روح و روان است.

ابن عباس از پیامبر نقل

کرده که فرمود: «بهترین‌های امت من، کسانی هستند که چون خداوند آنان را به بلا گرفتار کند، پاک‌دامنی ورزند، گفتند: کدام بلا؟ فرمود: عشق!»^(۲)

جوانی که در راستی و امانت‌داری پای‌بند به دستورات شرع است، در واقع نوعی حس قدسی را در خود پدید آورده که زندگی او را در نهایت آرامش پیش خواهد برد. او با رعایت تقوا خداوند را ناظر و ناصری توانمند بر رفتار خویش دانسته و در کوران حوادث او را مددکار خویش می‌داند. و بی گمان چنین جوانی به نیکوترین صورت با یاری‌های خداوند مدد خواهد شد.

پیامبر اکرم فرمود: «هر گاه قیامت برپا شود، خداوند برای گروهی از امت من، بال‌هایی قرار می‌دهد که با آنها، از قبرها به سوی بهشت پرواز می‌کنند، در آن گردش نمایند و هرگونه خواستند، از نعمت‌ها بهره برند. فرشتگان به آنان می‌گویند: آیا حساسی را دیدید؟ می‌گویند: ما حساسی ندیدیم. می‌پرسند: از صراط، عبور کردید؟ می‌گویند: ما صراطی ندیدیم. می‌پرسند: جهنم را دیدید؟ می‌گویند: چیزی ندیدیم. آن‌گاه فرشتگان می‌گویند: از امت چه کسی هستید؟ می‌گویند: از امت محمدی.

فرشتگان می‌گویند: شما را به خدا سوگند، بگوئید رفتارتان در دنیا چه بود؟ می‌گویند: دو ویژگی در ما بود که خداوند ما را بدین پایه از رحمت خویش رسانید. می‌پرسند: آن دو ویژگی چیست؟ می‌گویند: هرگاه در خلوت بودیم، شرم داشتیم نافرمانی خدا کنیم و به اندکی که روزی ما بود خشنود بودیم. فرشتگان می‌گویند: این جایگاه سزاوار شماست.»^(۳)

... همچنان با شما خواهیم بود.

*. عضویت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰، ج ۸.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷۳، ج ۷۰۱.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵، ج ۳۱.





درس موفقیت او

■ محمد زرین قلم

در هجده سالگی که به خاطر زیارت عتبات عالیات به کربلا و نجف اشرف مسافرت کردی، با فضای نورانی جد و جهد حوزه نجف آشنا شدی و از نزدیک درس خارج علمایی بزرگ چون محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و... را شیرین و دلنشین یافتی، اما موافقت نکردن پدر باعث شد قم را برای ادامه تحصیل انتخاب کنی و حالا پس از هفت سال، در حالی که به اقرار همگان، آینده بسیار درخشان پیش روی داری، دوباره از این دنیای علم و اجتهاد دست شسته‌ای و راهی مشهد شده‌ای تا مریض‌داری کنی و... راستی این چه قسمتی است؟ درس و بحث و پرستاری از پدر، البته بخشی از زندگی است و برای کسی چون تو که از سال ۱۳۳۱ با نواب صفوی و یارانش آشنا شده‌ای و این آشنایی آتش مبارزه را در دلت روشن کرده، هر لحظه می‌تواند مبارزه باشد. مبارزه با آن‌چه در اطراف این مرز و بوم می‌گذرد. ظلم و ستم، نیرنگ و دروغ‌گویی حاکمان وقت برای آدم‌هایی مثل تو قابل تحمل نیست. حالا دیگر نه زندان می‌تواند آرامت کند و نه بازداشتگاه نظامی و نه شرایط سخت شکنجه می‌تواند مانع همراهی تو با نهضتی باشند که امام خمینی جلودار آن است. شهرهایی مثل بیرجند و کرمان مأموریت‌هایی بود که نباید از خاطرت رفته باشد. یک روز سخنرانی و افشاگری و یک روز زندان و بازداشتگاه و باز این چرخه ادامه دارد؛ اما سختی‌هایش به آن‌چه دست یافتنی می‌نماید، می‌ارزد.

رژیم کلاس‌های تفسیرت را نیز برنمی‌تابد. فرقی هم نمی‌کند

کسی انگار در گوش تو زمزمه می‌کرد: پدر جای خود را دارد... اما... اما صلاح نیست در اوج رشد علمی و کسب توفیقات... اصلاً جامعه در آینده به افراد مستعد و با کمالاتی چون تو احتیاج دارد و...

و دیگری می‌گفت: بنده دخالت نمی‌کنم، اما با رفتن شما به مشهد مقدس، از درس و بحث عقب می‌مانید. فرصت استفاده از محضر بزرگانی چون آقایان بروجردی، خمینی، حائری یزدی و طباطبائی، معلوم نیست دوباره میسر شود...

و باز هم انگار می‌شنیدی: اصلاً شما نه دکتر هستید و نه پرستار. دورادور حال پدر را رصد کنید و به درس و بحث در قم ادامه دهید. یقین بدانید پیشرفت چشمگیر شما ایشان را مسرور و سرحال خواهد کرد.

اما خودت جور دیگری می‌اندیشی. همه مقام و مرتبه و فهم و کمالات و رشد و... این جور چیزها را آیا می‌شود با یک لبخند پدر عوض کرد؟ یک لحظه رضایت پدرانه را با یک دنیا اموری که در ظاهر پیشرفت است و در باطن معلوم نیست باشد یا نه عوض کنم. هرگز فراموش نمی‌کنی، همین پدر که اکنون تو برای مواظبت او درس و بحث را رها کرده‌ای، تو را با این دنیای شیرین که عاقبت به خیری نیز رفیق راهش است، آشنا کرد و اولین آموخته‌های دینی و معرفتی را از او که عالمی بزرگ و معلمی دوست‌داشتنی بود، فراگرفتی، حالا که در بیست و پنج سالگی و در اوج قدرت جسمی و فکری از قم راهی مشهد هستی، می‌اندیشی که این چه قسمتی است.

“
تو به این
می‌اندیشی
که آدم
در هر
حال باید
وظیفه‌اش
را انجام
دهد





دریافت پیام رهبر کبیر انقلاب اسلامی عازم تهران می‌شوی. تو به این می‌اندیشی که آدم در هر حال باید وظیفه‌اش را انجام دهد و آن روزها چه خوب وظیفه‌ات را به انجام رساندی و اصلاً همه این چهارده، پانزده سال جز انجام وظیفه مگر کاری هم بوده که انجام دهی؟ چه آن روزهای درس و بحث در قم، چه روزهای ادامه درس و بحث در کنار خانه پدری در مشهد و چه روزهای مبارزه در کنار درس و بحث و چه روزهای تحمل سخت‌ترین شکنجه‌ها و کارهای سختی که آسانی و سختی‌هایش را یکی می‌دانسته و چه امروز که به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب به حکم امام راهی تهران هستی.

روزهای پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ به سرعت برق و باد درگذرند؛ اگرچه سختی‌ها و دشواری‌های خودشان را دارند. از معاونت وزارت دفاع در سال ۱۳۵۸ و سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و امامت جمعه تهران گرفته تا نمایندگی امام در شورای عالی دفاع و نمایندگی مردم تهران در مجلس و ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی و دو دوره رئیس‌جمهوری، همه و همه، اگرچه هر کدام در جای خود سخت و حساس‌اند، اما آنها را توفیق و فرصت مقتنم خدمت، می‌شماری و با تمام وجود در هر مسئولیتی، به انجام درست آن می‌اندیشی. با آن که ضد انقلاب همان روزهای اول، سراغ تو هم آمد و در مسجد ابودر تهران با انفجاری مهیب سعی کرد تو را به شهادت برساند؛ اما انگار تقدیر الهی چیز دیگری بود. حضور جدی و فعال در جنگ تحمیلی و سرکشی منظم از خطوط مقدم جبهه و هدایت‌های هر از گاه در مرکز خطر و آتش و بمب و خمپاره هم انگار نتوانست سرنوشت تو را با دوستان و یاران شهیدت پیوند بزند.

اکنون آوار سنگین مصیبت از دست دادن رهبر کبیر انقلاب و استاد اصلی تو در درس و زندگی و خدمت از یک سو و تدبیری که مجموعه بزرگان انقلاب و نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری برای انتخاب تو به عنوان رهبر اندیشیده‌اند از سویی دیگر، چنگ به جان و ذهنت انداخته است. سعی می‌کنی اعضای شورا را از چنین تصمیمی برحذر بداری، اما هر چه اصرار می‌کنی، انگار نتیجه‌ای در کار نیست. حالا تنها خدا می‌داند که در دلت چه می‌گذرد، نه بنای تعارف است و نه چیز دیگر، اما آدم‌هایی که می‌دانی حرف آنها حرف است و از روی هوی و هوس چیزی نمی‌گویند، با استفاده از عبارات «این واجب در شما متعین شده است» آب پاکی را روی دستت می‌ریزند.

حالا که اصرار تو برای نپذیرفتن مسئولیت رهبری مسلمین، بی‌نتیجه است، با خودت می‌اندیشی «باری است که زمین مانده و اگر من بر ندارم، زمین می‌ماند» و بعد دوباره می‌اندیشی «پروردگارا! توکل بر تو». و مگر خدایی که تاکنون در سخت‌ترین شرایط گذشته همواره لحظه‌ای تو را به حال خود رها نکرده، اکنون تو را تنها می‌گذارد؟*

* ویژه‌نامه جام جم بمناسبت بیستمین سالگرد رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری، مرداد ۱۳۸۷، با تلخیص.

که این کلاس‌ها در تهران باشد یا در مشهد؛ همه در دو موضوع اشتراک دارند: یکی استقبال جوانان پرشور و دیگری حساسیت رژیم به این کلاس‌ها که انگار یک جور دیگرند. در این کلاس‌ها انگار درس و بحث را برای درس و بحث نمی‌خواهند. درس و بحث انگار معانی دیگری دارند و همین، مأموران رژیم را عصبانی می‌کند و دوباره و چند باره تعقیب و گریز و دست آخر هم زندگی مخفیانه.

درس‌های تفسیر و ایدئولوژی در سه مسجد شهر مشهد، کرامت، امام حسن (علیه السلام) و میرزا جعفر راه‌اندازی می‌شود. حالا تو هستی و هزاران مشتاق. بیشترشان جوان هستند و جویای آگاهی و آشنایی با تفکرات اصیل اسلامی. درس نهج‌البلاغه است، اما شور و حالی خاص دارد. جزوه‌های این درس که با عنوان پرتویی از نهج‌البلاغه تکثیر می‌شد و دست به دست می‌گشت، جوان‌ها را با درس حقیقت و مبارزه آشنا می‌کرد و زمینه برای انقلاب بزرگ و باشکوه آماده می‌شد. جوان‌ها می‌موختند و دانا می‌شدند و این موضوع ساواک را به محض اطلاع از ماجرا بیش از هر زمانی عصبانی کرد.

تازه سرمای دی ماه خودش را برای بروز و اظهار وجود آماده می‌کرد که زمستان دیگری از راه رسید، زمستان بیداد و نامردی، سرمای این زمستان از هر زمستانی طاقت فرساتر بود و اولین نشانه‌اش هجوم بیرحمانه مأموران ساواک به منزل توست. روزهای ششمین بازداشت تو، سخت‌ترین روزهای زندگی است. تا کسی پا به کمیته مشترک شهرداری نگذاشته باشد و در شرایط خاصی که برای امثال تو در آن‌جا فراهم شده بود، قرار نگیرد، نمی‌داند چه بر تو می‌گذشت. روزهای سخت و تنهایی و شکنجه و تحقیر و توهین، اما انگار جسم و جان برای چنین روزهایی آمادگی‌های لازم را دارد. نه خم به ابرو می‌آوری و نه کمر خم می‌کنی و نه حتی درخواست و خواهشی داری و مأموران شکنجه بیشتر از هر چیزی از این قدرت تحمل بالا و صبر مثال‌زدنی‌ات عصبانی‌اند.

روزهای آزادی برای آدم‌های همیشه در بند هوا و هوس و بی‌خبری همیشگی است. اما برای آنهایی که آزادی واقعی را طلب می‌کنند، رهایی از حصر همواره کوتاه و زودگذر است و تو این را خوب می‌دانی. این بار دو سال پس از حصر ظاهری، آزادی و اواخر سال ۱۳۵۶ دوباره مأموران رژیم که از ترس و بیمی که به دلشان وارد شده، ذره‌بین به دست گرفته‌اند تا تو و امثال تو دست از پا خطا نکنید، سراغت را می‌گیرند. سه سال تبعید به ایرانشهر، خلاصه حکمی است که به دستت داده‌اند. غافل از آن که عمر حکومت آنهایی که چنین احکامی را صادر می‌کنند، به سر آمده است.

این بار نوبت توست که حکم آزادی‌ات را خود صادر کنی. مجاهدت‌های تو و دوستان و حضور همیشگی آدم‌های این مرزوبوم سرانجام به نقطه اوج خود می‌رسد و سال ۱۳۵۷ را به سالی تاریخ‌ساز با روزهایی پر از خبر و حضور تبدیل می‌کند.

حکومت پهلوی با خفت تمام سقوط می‌کند. پهلوی در می‌رود، مردم همه برای بازگشت رهبر این انقلاب باشکوه به وطن، لحظه‌شماری می‌کنند و شورای انقلاب اسلامی تشکیل می‌شود. آقایان مطهری، بهشتی، هاشمی و تو با حکم مستقیم حضرت امام به عضویت شورای انقلاب اسلامی درمی‌آیید. آقای مطهری این حکم را در مشهد تحویل می‌دهد و تو با



صهیونیسم مسیحی

■ واحد ترجمه معاونت انفورماتیک مرکز تخصصی مهدویت

L حمایت‌های مسیحیت از اسرائیل، سیاست‌ها و الهیات آرماگدون (نبرد آخرالزمان)

اغلب مسیحیان در دوران مختلف تاریخی، علیه یهودیان تبعیض قائل شده؛ اما برخی دیگر از صهیونیسم به معنای سرزمینی در کشور اسرائیل که همه یهودیان بتوانند به آنجا باز گردند، حمایت کرده اند. موضوعاتی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، عبارت است از:

- حمایت‌های مسیحیان محافظه کار از اسرائیل در آمریکا
- مبنای این حمایت‌ها در پیشگویی‌های انجیل در رابطه با آخرالزمان
- اشاره‌هایی به موقعیت یهود در آینده

L جنبش صهیونیسم مسیحی

مسیحیان محافظه کاری که حامی صهیونیسم هستند، اغلب مسیحیان صهیونیست بنیادگرا نامیده می‌شوند. این اصطلاح به طور خاص دقیق نیست، زیرا مسیحیان ایوانجلیکال محافظه کار بسیاری نیز وجود دارند که حامی اسرائیل اند، ولی بنیادگرا نیستند. برخی اعضای فرقه‌های اصلی مسیحی و حتی گروه‌های آزاد اندیش مذهبی از عقیده صهیونیسم حمایت می‌کنند.

به گفته گریس هال سل صهیونیست‌های مسیحی معتقدند که هر عملی که اسرائیل انجام می‌دهد، خدا آن را رهبری می‌کند و باید از آن چشم پوشی کنیم، حمایت کنیم و حتی باید آن را تحسین کنیم.

L برخی تحولات مهم جنبش صهیونیسم مسیحی عبارتند از:

سال ۱۸۹۱: پدر ویلیام. ای. بلک استون، دادخواستی به رییس جمهور آمریکا بنیامین هریسون ارائه داد که طی آن ابقای یهودیان در اسرائیل را خواسته بود. در میان امضا کنندگان دادخواست نام‌هایی چون: کاردینال گبینز، جان دی راکفلر، جی پی مورگان و بیش از چهل شخصیت برجسته آمریکایی دیگر نیز به چشم می‌خورد. این دادخواست منجر به واکنشی از سوی دولت آمریکا نشد.

سال ۱۹۰۹: سی آی اسکوفیلد یک محافظه کار پروتستان است که انجیل چاپ کینگ جیمز را ویرایش کرد. او حاشیه‌های طولانی بر انجیل افزود که بیش از هر چیز دیگر بر نقش حال و آینده اسرائیل در تاریخ جهان تاکید می‌ورزد. گریس هال

سل می‌نویسد: به گفته اسکوفیلد عیسی نمی‌تواند به زمین بازگردد مگر اینکه حوادث خاصی رخ دهد: باید یهودیان به فلسطین بازگردند، کنترل بیت المقدس را بدست گرفته و معبد را بازسازی کنند و سپس همگی ما باید در نبرد عظیم پایانی درگیر شویم. تخمین‌ها متفاوتند اما اغلب کارشناسان الهیات آرماگدون برسر این موضوع توافق دارند که در نتیجه این تفاسیر نسبتاً جدید از متون کتاب انجیل، ده تا چهل میلیون آمریکایی معتقدند فلسطین سرزمین برگزیده خدا برای یهودیان است. انجیل اسکوفیلد مشهورترین مرجع انجیل در آمریکاست. سال ۱۹۱۷: دولت بریتانیا در زمان دیوید لیهود جرج بیانیه بالفور را که حاوی حمایت دولتش از استقرار یک کشور برای یهودیان در فلسطین بود، منتشر کرد.

سال ۱۹۴۸: کشور اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ پایه گذاری شد. بسیاری از بنیادگرایان و سایر رهبران ایوانجلیست‌ها به این نتیجه رسیدند که این اتفاق نشانه قریب الوقوع آخرالزمان و بازگشت عیسی است.

سال ۱۹۶۷: طی جنگ شش روزه در ۷ ژوئن یهودیان قدرت را در اورشلیم (بیت المقدس) به دست گرفتند. اورشلیم قبلاً تحت کنترل اردن بود.

سال ۱۹۷۸: طرحی از سوی حزب لیکود برای تشویق کلیساهای بنیادگرا در جهت جلب حمایت آنها از اسرائیل منتشر شد. لیکود یک حزب محافظه کار در اسرائیل است که اکنون (سال ۲۰۰۲) حزب اصلی دولت ائتلافی است. کتاب راهنما را یونا مالاچی با عنوان "بنیادگرایی و اسرائیل": نسبت کلیسای بنیادگرا با صهیونیسم و کشور اسرائیل، نوشته است. این کتاب را

“
گروهی
متشکل از
۳۷۱ نفر از
یهودیان
آمریکا در
۹ جولای
به اسرائیل
مهاجرت
کردند.
اغلب افراد
این گروه
از طرف
مسیحیان
ایوانجلیست
حمایت مالی
قرار گرفته
بودند.





آلنوزو شورت عضو کمیته (محافظان عهد)، مایکل لیتل رییس شبکه سخن پراکنی مسیحیان، جری فالول و پت رابرت سون از حاضرین در مراسم بودند.

جولای ۲۰۰۲: گروهی متشکل از ۳۷۱ نفر از یهودیان آمریکا در ۹ جولای به اسرائیل مهاجرت کردند. اغلب افراد این گروه از طرف مسیحیان ایوانجلیست مورد حمایت مالی قرار گرفته بودند. آنها (ایوانجلیست ها) بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس را بخشی از پیشگویی آخرالزمان انجیل قلمداد می کنند.

رویکرد واحد دو رییس جمهور جمهوری خواه و دمکرات درباره اسرائیل

جملات زیر بخش هایی از سخنرانی های روسای جمهور سابق و کنونی آمریکا درباره زمان به رسمیت شناختن اسرائیل توسط دولت آمریکا است. هردو به اینکه آمریکا بلافاصله اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ به رسمیت شناخت به شدت مفتخرند.

بوش در شصتمین سالگرد تشکیل اسرائیل در پارلمان اسرائیل گفت: ۱۱ دقیقه پس از اینکه دیوید بن گورین استقلال اسرائیل را اعلام کرد، به دستور هری ترومن، آمریکا افتخار داشت اولین کشوری باشد که اسرائیل را به رسمیت می شناسد.

اوباما در پیامی به مناسبت شصت و یکمین سالگرد پایه گذاری اسرائیل گفت: آمریکا اولین کشوری است که اسرائیل را دقیقاً پس از اعلام استقلال به رسمیت شناخت و مثل همیشه روابط عمیق اسرائیل و آمریکا مستحکم و استوار باقی خواهد ماند.^۱

بنیاد معاصر یهود در دانشگاه عبری اورشلیم به چاپ رسانده است. سال ۱۹۸۰: سفارت بین المللی مسیحیان در سال ۱۹۸۰ در اورشلیم (بیت المقدس) پایه گذاری شد. این سفارت به شدت جنبش صهیونیسم مسیحی را در اسرائیل و واشنگتن توسعه بخشیده است.

سال ۱۹۸۵: در ۶ فوریه ۱۹۸۵ در گردهمایی دعا و صبحانه ملی (نشنال پرایر بیریک فست) به افتخار اسرائیل، بنیامین نتانیاهو راجع به اینکه چطور طبع تاریخ و شعر و اخلاق مملو از آثار مسیحیان صهیونیستی باشد، که بیش از یک قرن پیش شروع به نگارش و طراحی و ساماندهی با هدف بازگشت به اسرائیل کرده اند، صحبت کرد.

سال ۱۹۸۵: سفارت بین المللی مسیحیان اورشلیم میزبان اولین کنگره بین المللی صهیونیسم مسیحی در بال سوئیس بود.

سال ۱۹۸۶: ائتلاف یکپارچه ملی اسرائیل پایه گذاری شد، که یک گروه لابی مرتبط با کنگره و گروه کارشناسان نو محافظه کارها در واشنگتن است. این ائتلاف آنقدر توسعه یافته که مشتمل بر بیش از ۲۰۰ سازمان یهودی و مسیحی می باشد.

سال ۱۹۸۸: سفارت بین المللی مسیحیان اورشلیم میزبان دومین کنگره مسیحیان صهیونیست در اورشلیم بود.

سال ۱۹۹۶: سفارت بین المللی مسیحیان اورشلیم حمایت مالی سومین کنگره بین المللی مسیحیان صهیونیست را که از ۲۵ تا ۲۹ فوریه برگزار شد، بر عهده داشت. در این کنگره نمایندگان به طور یکپارچه بیانیه ای با مضامین زیر به تصویب رساندند:

– عیسی همان ماشیح است و به اورشلیم باز خواهد گشت.
– خدا سرزمین اسرائیل را به قوم یهود ارزانی داشته است، که شامل: غزه، بلندی های جولان و سامره است.

– اورشلیم نباید تقسیم شود. مردم فلسطین باید از داشتن سرزمین برای زندگی محروم باشند.

– و سرانجام خداوند به (در) یهودیان که ماهیت اصیل آیین ابراهیمی اند، تجلی خواهد کرد. آنها اسلام را وا گذاشته و به مسیحیت می گردند.

سال ۲۰۰۲: در مه سال ۲۰۰۲، سفارت اسرائیل در واشنگتن سیتی، مراسم دعای صبحانه ملی برای مسیحیان صهیونیست برگزار کرد. افرادی مانند

۱. <http://www.jewishvirtuallibrary.org/about/index.shtml>

۲. تی آی ای: مساعدت مالی که در راستای محقق شدن اهداف طرح آموزش ملی تکنولوژی آمریکا پیش بینی شده است.

۳. <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsources/states/TX.htm>

۴. www.haaretz.com/hasen/spages/۹۲۷۸۳۰.html

۵. <http://www.jewishvirtuallibrary.org/about/index.shtml>

قسمت دوازدهم

مهمردان

پیام‌های حضرت مهدی

علی اصغر رضوانی*

اشاره:

در قسمت‌های پیشین، ویژگی‌های دولت‌مردان و کارگزاران حضرت مهدی عج به عنوان الگو و نمونه برای کارگزاران حکومت اسلامی بیان شد؛ در این قسمت نیز صفات دیگری از دولتمردان مهدوی ذکر می‌شود:

۷۶. همکاری با مصلحان جهان

هر گاه درصدد اقدامی بزرگ و در سطح جهانی هستیم، باید از مصلحان جهان کمک گرفته و با آن‌ها در این امر بزرگ شریک شویم، همان‌گونه که حضرت مهدی عج با حضرت مسیح علیه السلام در برپایی حکومت عدل توحیدی همکاری خواهند کرد، گرچه رهبری آن با امام زمان عج است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»^(۱) شما را چگونه است اگر فرزند مریم بر شما وارد شود، ولی امام شما از بین شماست».

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «والذی بعثنی بالحق بشیراً لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی، فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»^(۲) قسم به کسی که مرا به حق به عنوان بشارت دهنده مبعوث کرد، اگر از دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا در آن فرزندم مهدی خروج کند و عیسی فرود آید و پشت سرش نماز گزارد».

مسئولان
نظام
اسلامی
برای
کارهایی
که انجام
داده یا
قرار است
انجام دهند
باید مردم
را توجیه
نمایند.





۷۷. امانت‌داری

حاکمان اسلامی و عموم مردم باید امانت‌دار باشند، همان‌گونه که حضرت مهدی علیه السلام چنین خواهد بود. درباره آن حضرت آمده است: «القائد العادل الحافظ لما استودع»^(۳) رهبری عادل که نگه دار آن چیزی است که نزد او به امانت گذاشته شده است».

۷۸. خداشناسی و دین‌دار

مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی باید خداشناس و دین‌دار و اهل انس با قرآن باشند. درباره اصحاب و کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام از امام علی علیه السلام چنین روایت شده است: «و هم الذین وحدوا الله حق توحیده»^(۴) و آنان کسانی هستند که حقیقتاً به توحید و یگانگی رسیده‌اند». و نیز از امام علی علیه السلام نقل شده که در مورد یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «ویحاً للطالقان؛ فان الله تعالى بها كنوزاً لیست من ذهب و لا فضة و لكن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدي علیه السلام في آخر الزمان»^(۵) آه از طالقان! زیرا در آن‌جا برای خدای متعال گنج‌هایی نهفته که از جنس طلا و نقره نیست، بلکه در آن‌جا مردان مؤمنی هستند که به طور حقیقی خدا را شناخته‌اند و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می‌باشند». همچنین از ایشان درباره کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام نقل شده که فرمود: «تُجَلَّى بالتَنْزِيلِ ابصارهم و يُرْمَى بالتفسير في مسمعهم، و يُعْقَبُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبُوحِ»^(۶) دیده‌هاشان به قرآن روشن شود و تفسیر آن در گوشه‌هایشان افکنده گردد و با مدادان جام‌های حکمت نوشند».

۷۹. حرکت برای پیاده کردن دین

برای تبلیغ دین اسلام باید حرکت کرد و دین را در تمام جاهایی که امکان دارد پیاده نمود. درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «لایبقی موضع قدم الاً وطنه و اقام فيه الدين الواجب لله»^(۷) هیچ جا نیست جز آن که قدم می‌گذارد و دین ثابت خدا را بر پا می‌نماید».

۸۰. اقامه دلیل و برهان

مسئولان نظام اسلامی برای کارهایی که انجام داده یا قرار است انجام دهند و یا ادعایی که دارند، باید برای مردم اقامه دلیل و برهان نموده و آنان را توجیه نمایند. درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «مِلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا و قِسْطًا و نُورًا و برهاناً یدین له عرض البلاد و طولها، لا یبقی کافر الاً آمناً و لا طالع الاً صلح»^(۸) او زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان خواهد کرد، به گونه‌ای که همه جهان پیرو او خواهند شد، و هر کافری ایمان آورده و هر انسان پستی صالح خواهد شد».

* نویسنده و کارشناس مهدویت.

۱. صحیح بخاری، باب نزول عیسی بن مریم، ج ۲، ص ۱۵۸؛ بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۴.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، باب ۲۴؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

۴. بشارة الاسلام، ص ۲۵۹.

۵. البیان، گنجی شافعی، ص ۱۰۶؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۷.

۷. يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۳۶.

۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.





عدالت امام مهدی (عج) از دیدگاه امام خمینی (ره)

■ امیر محسن عرفان *

در نگرشی کوتاه به زندگی انسان‌ها، آنها را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود: گروهی که در محدوده لحظه‌ها زندگی می‌کنند و حاصل عمرشان جز همان زمان بیش نیست. برخی در گذشته زندگی می‌کنند و گویی فردایی ندارند. عده‌ای هم همواره چشم انتظار فردایند، غافل از آن که امروز همان فردایی است که دیروز در انتظارش بوده‌اند. مردمان غالباً اسیر زمانه‌اند. در این میان انسان‌هایی هستند که مالک زمانند، چون زمان را می‌سازند و زمانه را اسیر وجود خود می‌نمایند. اینان فرزند زمان خویشند و در هر لحظه تولدی تازه دارند. چنین انسان‌هایی زمان و مکان را نمی‌شناسند، بلکه تاریخ، زمان خویشان را با آنان آراسته است.

بهترین نمونه آنها در عصر ما شخصیت کم نظیر امام خمینی رحمه‌الله مرد تاریخ ساز جهان اسلام است که در دورانی تاریک و ظلمانی، همانند خورشید تابناک در افق آسمان تمدن اسلامی ظاهر گردید و خوش درخشیده.

بررسی دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله درباره حکومت مهدوی، از دو سو حائز اهمیت است: از یک سو جامعیت شخصیت امام خمینی رحمه‌الله صحیح‌ترین نگرش به اسلام را در معرض دید صاحب نظران می‌گذارد، زیرا او از محدود اندیشمندانی است که از پایگاه فکر و اندیشه ناب اسلامی پا به عرصه اجتماع گذاشت و تلاش کرد تا آن چه را که آموخته بود، در جامعه پیاده کند. و از سوی دیگر، حکومت اسلامی به یادگار مانده از ایشان که بر اساس حکومت مهدوی تأسیس شده را قابل ارزیابی می‌نماید.

عدالت در جامعه.

در نگاه ایشان حکومت، وسیله‌ای برای تحقق عدالت در جامعه و جلوگیری از انحراف و پرورش نفوس آدمیان و تهذیب آنها می‌باشد. و عدالت در این معنا با اخلاق و معنویت پیوند تام و تمام دارد و اصولاً عدالت بدون انگیزه و قصد الهی معنا نخواهد داشت. امام خمینی رحمه‌الله تعلق حکمت الهی به زندگانی عادلانه برای بشر را سنت لایتغیر خداوند متعال می‌داند و می‌فرماید: «حکمت آفریدگار بر این تعلق گرفته که مردم به طریقه عادلانه زندگی کنند و در حدود احکام الهی قدم بردارند. این حکمت، همیشگی و از سنت‌های خداوند متعال، و تغییر ناپذیر است»^(۱).

ایشان تلاش برای برپایی عدالت را، سنت و قانونی پایدار در نظام آفرینش می‌داند و آن را امری نمی‌داند که با مرور زمان

جایگاه عدالت در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله

در اسلام حکومت به خودی خود دارای شأن و ارزش نیست تا پیشوایان دینی به دنبال کسب آن باشند، اما از آن جاکه تحقق پاره‌ای از اهداف والا نیازمند شرایط مساعد و فقدان موانع است و حکومت به سبب برخورداری از قدرت و امکانات می‌تواند شرایط را فراهم ساخته و موانع را بر طرف کند، از این رو، به دست گرفتن حکومت، مورد توجه قرار می‌گیرد. اساساً علت سپردن حکومت به انسان‌های وارسته نیز همین است تا از قدرت حکومت برای تحقق ارزش‌ها استفاده شود.

از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله انسان سازی و اصلاح جامعه بشری و رسیدن به معرفت از دو راه حاصل می‌شود: راه یکم، زدودن موانع پیشرفت و کمال. و راه دوم، ایجاد بستر مناسب برای تکامل، که اولی با ظلم ستیزی حاصل می‌شود و دومی با ایجاد

“ آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدل که مردم عادی می‌فهمند - که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت را



گذاشت تا ابلاغ و القای عدالت، تنها تئوریک و مفهومی و یا نظری نباشد، بلکه مردم عدالت را در قول و فعل فردی و اجتماعی حضرت مهدی علیه السلام دیده و به تفسیر آن بنشینند.

حضرت امام معتقد است که عدالت حضرت مهدی علیه السلام صرفاً به معنای زندگی در رفاه نمی‌باشد، زیرا که حضرت مهدی علیه السلام تمام کجی‌ها و انحرافات را اصلاح می‌کند و در این زمینه می‌فرماید: «آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدل که مردم عادی می‌فهمند - که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت را، انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی، انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش، این ایجاد عدالت است، در انسان اگر اخلاقی انحراف منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال بر گردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است، اگر در عقاید یک انحرافاتی و کجی‌هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان».^(۶)

۳. عدالت حضرت مهدی علیه السلام عدالت در سرتاسر گیتی
اگر عدالت از مقدمات زندگی انسانی است که بدون آن معنای زندگی درک نمی‌شود و جامعه نیز جز با اجرای عدالت قوام نمی‌یابد، طبیعی است که عدالت به مفهوم واقعی آن، بایستی تمام انسان‌ها - از هر قوم و قبیله‌ای - را در برگیرد و امتیاز خواهی برای عده‌ای خاص صرفاً در منطقه‌ای محدود معنا ندارد. اجرای عدالت در عرصه جهانی از آرمان‌های حکومت مهدوی است و دستاورد بزرگ عدالت مهدی موعود علیه السلام این است که تمامی انسان‌ها از این حق بهره ببرند.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می‌فرماید: «فقط برای حضرت مهدی موعود علیه السلام بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد».^(۷) لذا ایشان، از آن جهت که عدالت حضرت مهدی علیه السلام تمام بشر را از کجی‌ها می‌رهاند، سالروز میلاد آن حضرت را، عید برای تمامی بشر می‌داند: «عید تولد حضرت مهدی علیه السلام بزرگ‌ترین عید است برای تمام بشر - تمام بشر را - وقتی که ایشان ظهور کنند ان شاء الله تمام بشر را از انحطاط بیرون می‌آورد».^(۸)

* دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۰۵.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۵.

۳. حدید/۳۵.

۴. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۴۳.

۵. همان.

۶. همان، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

۷. همان.

کهنه و فرسوده و یا دچار تغییر و انحطاط شود و در این زمینه می‌فرماید: «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی... و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خود کفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود».^(۹)

عدالت مهدوی در اندیشه امام خمینی (ره)

۱. عدالت حضرت مهدی علیه السلام تحقق بخش بعثت انبیا

یکی از اهداف پیامبران الهی در زمینه سازی محیط برای اصلاح انسان‌ها که در قالب حکومت اسلامی تأمین می‌گردد و پیامبر اسلام نیز با ایجاد حکومت برای آن تلاش کرد، ایجاد قسط و عدل در جامعه است. قرآن کریم هدف از بعثت پیامبران را اجرای عدالت می‌داند و خداوند می‌فرماید: «و لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^(۱۰)؛ «ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند».

حضرت امام رحمه الله در این زمینه می‌فرماید: «اساساً انبیای خدا - صلوات الله و سلامه علیه - مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل و عدل فردی، و اجتماعی».^(۱۱)

از دیدگاه امام خمینی رحمه الله پیامبران الهی عصاره اصلاح گرانی هستند که از یک سو در سلسله مصلحان و حکیمان تاریخ قرار دارند و از دیگر سو، پرورش یافته مکتبی هستند که خدای متعال جعل کرده است، پیامبران که برای رهایی انسان از چهل و جور قیام کرده‌اند، امیدها و آرزوهای بلندی داشتند؛ آرزوی تبدیل شمشیرها به قلم، آرزوی ریشه کن شدن ظلم و ستم و آرزوی تحقق قسط و عدالت و حاکمیت ارزش‌های انسان. امام خمینی رحمه الله معتقد است وجود موانع به خصوص دشمنی منافقین و زورگویان، پیامبران الهی را در اجرای عدل کامل الهی ناکام گذاشت. اما خدای متعال حضرت مهدی علیه السلام را ذخیره کرده است تا آرزوی انبیا در آخر الزمان متحقق شود، ایشان می‌فرماید: «خدای تبارک و تعالی، ایشان را ذخیره کرده است که همان معنایی که هم انبیا آرزو داشتند، لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیا آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود».^(۱۲)

۲. عدالت حضرت مهدی علیه السلام عدالت در تمام مراتب انسانیت

امام خمینی رحمه الله بر این باور است که حضرت مهدی علیه السلام تنها اجرا کننده عدالت به معنای واقعی است و حضرت با تفسیر درست عدالت که - قرار دادن هر چیزی در جای خود و دادن حق به هر صاحب حقی است - به الگو سازی عدالت اهتمام می‌ورزد و خود که مظهر تام عدل و عدالت است، عدالت را در تفکر و اندیشه و نیز رفتار و افعال خویش به نمایش خواهد



روغن فروش!

(به مناسبت درگذشت دومین نایب امام زمان علیه السلام محمد بن عثمان علیه السلام)
 ■ علی اصغر رضایی *

این نوشتار به طور اختصار به شناساندن نایب دوم ویژه امام زمان علیه السلام خواهیم پرداخت.

محمد بن عثمان، دومین نایب از نواب چهارگانه امام زمان علیه السلام و فرزند نایب نخست، یعنی عثمان بن سعید عمری بود، کنیه وی، ابوجعفر و القابی چون عمری، عسکری، زیات، سمان و کوفی را داشت.

محمد بن عثمان نیز همچون پدرش از بزرگان شیعه به شمار می‌رفت و از نظر تقوا، عدالت و بزرگواری مورد قبول و احترام شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود. امام حسن عسکری علیه السلام در زندگی خویش به نیابت و وکالت محمد بن عثمان از طرف امام مهدی علیه السلام تصریح کرده بود. هنگامی که گروهی از شیعیان یمن در شهر سامرا به حضور آن حضرت راه یافتند، حضرت، عثمان بن سعید، پدر محمد بن عثمان را فراخواند و بر وکالت و وثاقت او تصریح نمود و در ادامه فرمود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری (نایب نخست) وکیل من است و فرزندش، محمد بن عثمان (نایب دوم) نیز وکیل فرزند من، مهدی شما است»^(۱).

امام حسن عسکری علیه السلام در جای دیگر آشکارا، وثاقت و امانت او را تأیید می‌کند و در پاسخ پرسش احمد بن اسحاق می‌فرماید: «عمری (عثمان بن سعید) و پسرش (محمد بن عثمان) هر دو مورد اطمینان هستند، از آنها حرف شنوی داشته باش و هر چه می‌گویند، اطاعت کن که هر دو موثق هستند»^(۲).

همچنین حضرت مهدی علیه السلام در نامه‌های گوناگونی به بزرگان

پنج سال بعد از تولد حضرت مهدی علیه السلام و پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار ایشان، مأموران دستگاه عباسی در جست‌وجوی وی به خانه امام علیه السلام هجوم بردند، اما برای محفوظ ماندن آخرین ذخیره الهی، عصاره امامت، سلاله نبوت و مصلح بزرگ بشریت، تقدیر خداوند بر آن شد تا آن بزرگوار از نظرها پنهان باشد. همان گونه که در احادیث گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین از پیش خبر داده شده بود، این غیبت در دو مرحله به وقوع پیوست.

در مرحله نخست - که غیبت صغرا نام دارد - از زمان امامت امام زمان علیه السلام آغاز شد و حدود هفتاد سال طول کشید، امام در این مدت، به وسیله چهار نایب خود - که از اصحاب با سابقه امامان پیشین و از دانشمندان بزرگ و پارسای شیعه بودند - با شیعیان ارتباط داشتند و آنها پرسش‌ها و نامه‌های مردم را خدمت امام علیه السلام برده، پاسخ آنها را می‌گرفتند. آنان معروف به «نواب اربعه» می‌باشند که عبارتند از عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمی.

این سفیران ویژه امام، افزون بر داشتن ایمان، تقوا و بندگی خداوند سبحان، دارای ویژگی‌هایی بودند که عبارت بود از: تقیه و رازداری بسیار بالا، صبر و مقاومت فراوان، فهمیدگی، عقل و درایت. علاوه بر آن، امام علیه السلام در گزینش نایبان ویژه خود، از افرادی استفاده کردند که دستگاه ستمگر عباسی، نسبت به آنان حساسیتی نداشته باشد؛ چون نیابت، امری مهم و محرمانه بود. در آن دوران، شیعیان با نواب اربعه به دو شکل مستقیم و نیز با واسطه ارتباط داشتند. در

محمد بن عثمان، علی‌رغم مخالفت‌هایی که از سوی مدعیان دروغین نیابت با وی صورت می‌گرفت و نیز با وجود فشارهایی که از سوی حکام و خلفای آن دوران اعمال می‌شد، توانست منصب نیابت حضرت ولی عصر علیه السلام را به بهترین صورت انجام دهد





۳. سامان‌دهی و سرپرستی سازمان وکالت

به وسیله سازمان وکالت، شیعیان پرسش‌ها و شبهه‌های دینی خود را با وکلا در میان می‌گذاشتند و آنان به وسیله محمد بن عثمان از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام پاسخ را به شیعیان می‌رساندند. همچنین شیعیان، وجوهات شرعی را به وکلا داده و آنها به نایب امام می‌سپردند.

۴. پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی

یکی دیگر از وظایف نواب اربعه، این بود که پرسش‌های فقهی و مسائل جدید را به عرض امام مهدی علیه السلام رسانده، پاسخ آنها را به شیعیان می‌گفتند، محمد بن عثمان علیه السلام از آن‌جا که مدت بسیاری در این سمت بود، توفیق پیدا کرد، پاسخ مسائل فقهی، کلامی و اجتماعی بسیاری را در اختیار مردم قرار دهد.

۵. مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و بایت

عده‌ای با سوء استفاده از غیبت امام زمان علیه السلام تلاش کردند تا به ویژه در زمان نایب دوم، خود را نایب امام معرفی نموده، به این وسیله به شهرت و منصب اجتماعی برسند؛ به همین دلیل یکی از وظایف نواب اربعه، مبارزه با مدعیان دروغین نیابت بود. با توقیعاتی که از ناحیه مقدسه صادر می‌شد، ماهیت این افراد روشن می‌گشت. همچنین محمد بن عثمان، علی‌رغم مخالفت‌هایی که از سوی مدعیان دروغین نیابت با وی صورت می‌گرفت و نیز با وجود فشارهایی که از سوی حاکم و خلفای آن دوران اعمال می‌شد، توانست از عهده منصب نیابت حضرت ولی عصر علیه السلام بهترین صورت درآید و نگذارد، غالبان با ترفندهای دروغین، شیعیان را منحرف نمایند؛ ایشان به وسیله توقیعاتی که از سوی امام زمان علیه السلام می‌رسید، از امور غیبی و پنهانی خبر می‌داد و بدین وسیله، اعتماد شیعیان را به خود جلب می‌کرد و تردید درباره امام علیه السلام را برطرف می‌نمود.

محمد بن عثمان علیه السلام به وسیله امام مهدی علیه السلام از زمان مرگ خود اطلاع داشته و از دو ماه پیش برای خود قبری آماده کرده بود و خود را برای سفر مهیا می‌نمود و سرانجام در همان زمانی که به او گفته شده بود، یعنی در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ ه‍.ق پس از پنجاه سال نیابت موفق، از دنیا رفت. بدن مطهرش را در سمت غربی بغداد، بر سر راه کوفه و در جایی که خانه‌اش آن‌جا قرار داشت، دفن نمودند.

* . دانش‌پژوه مرکز تخصصی مهدویت.

۱. الغیبة شیخ طوسی، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۳۶۰.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۷۰.

شیعه، به همگان اطلاع داد که محمد بن عثمان را در جایگاه نایب دوم برگزیده است، امام در نامه‌هایی، محمد بن عثمان و پدرش را ستوده است.

از میان نایبان ویژه امام علیه السلام محمد بن عثمان، بیشترین مدت سمت نمایندگی امام زمان علیه السلام را به خود اختصاص داد و حدود چهل سال نایب و رابط میان امام علیه السلام و شیعیان بود و توانست پاسخ مسائل فقهی، کلامی، اجتماعی و ... بیشتری را از سوی امام زمان علیه السلام بگیرد و در اختیار مردم قرار دهد. او کتاب‌هایی در زمینه فقهی نوشته است و همه را یا مستقیماً از امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام و یا به واسطه پدرش، عثمان بن سعید از امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است، از جمله آن کتاب‌ها کتاب الأشربة می‌باشد که بعدها به نایب سوم و چهارم رسید.

وظایف و مسئولیت‌های محمد بن عثمان در دوران نیابت

۱. زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام

مهم‌ترین وظیفه نواب اربعه، این بود که وجود امام را برای شیعیان به اثبات برسانند. از این رو نایب دوم، احادیث گوناگونی از دیدارهایی که با امام زمان علیه السلام داشته، برای شیعیان بیان می‌نمود و دیدارهای خود را حتی در دوران کودکی آن حضرت و در دوران امامت آن حضرت برای مردم بازگو می‌کرد، ایشان این احادیث را برای اثبات وجود امام علیه السلام حضور ایشان در جامعه، جانشینی امام عسکری علیه السلام و جلوگیری از انحراف و تردید بیان می‌نمود.

۲. حفظ جان امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و جای آن حضرت

امام مهدی علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن عثمان بن سعید عمری بیان داشت که از آوردن نام و نشان آن حضرت خودداری کند و در پنهان داشتن نام و جای آن حضرت بکوشد. (۳) محمد بن عثمان نیز به وکلای خود سفارش می‌کرد تا کسی نامی از حضرت به میان نیاورد و راه تقیه را پیش گیرند؛ او مانند پدرش، عثمان بن سعید عمری خود را به شکل روغن فروش درآورده و در میان مردم لقب «سَمَان» گرفته بود. (۴)



چند نشانه باقی مانده؟

تأملی بر سخنرانی

«تنها پنج نشانی باقی مانده است»^(۱)

■ مهدی یوسفیان*

چندی پیش جناب آقای دکتر اسماعیل شفیعی سروسناری، مطالبی را در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی؛ ایراد نمود که با توجه به نکات بیان شده در این جلسه، نقد و ارزیابی آن خالی از فایده نیست. البته ایشان با ارسال نامه‌ای در فروردین ۸۹ به مرکز تخصصی مهدویت قم و درست قبل از انتشار این شماره امان بیان داشتند که خبرنگاران حاضر در جلسه با سرعت و گزینش سلیقه‌ای و بدون توضیحات روشن کننده، گزارش ناقصی از سخنرانی کامل و مستند وی را در سایت شبستان منتشر کرده‌اند در هر حال ضمن قدردانی و با در نظر گرفتن جوابیه ایشان، انتشار نقد مطالبی اینگونه را که از برخی دیگر از فعالان عرصه مهدویت نیز مطرح شده شایسته می‌دانیم و به دغدغه‌های ایشان پیرامون موضوع مهدویت ارج می‌نهیم. لازم به ذکر است که این سخنرانی در سایت رسمی موعود که متعلق به خودشان است منعکس شده است.

ابتدا مناسب است اهم مطالب ایشان در چند نکته ذکر شود:

۱. هیچ سؤالی جدی‌تر از این نیست که آیا آخرالزمانی که همه ملل در هر گروه و مذهبی از آن سخن می‌گویند، مصداقش امروز است؟
۲. آخرالزمان به معنای بحران، جنگ و آفت نیست. آخرالزمان
۳. تعداد هفت هزار روایت راجع به این موضوع (آخرالزمان و قسمت واپسین از دورانی است که به قیامت پیوندد و از نظر ما آخرالزمان از زمان مبعوث شدن پیامبر آغاز و به ظهور موعود و سپس قیامت می‌انجامد.
۴. تعداد هفت هزار روایت راجع به این موضوع (آخرالزمان و

“
تعیین
وقت برای
ظهور،
هر چند به
صورت
تخمین،
طبق
روایات
معصومین،
امری
غیر قابل
قبول و
مردود
است





چند توضیح کوتاه:

اگر به این سخنان دقت شود، ایرادهای فراوانی، از جمله تناقض و بی‌سند بودن برخی از مطالب به راحتی قابل فهم است. قبل از طرح ایرادات، ذکر چند مطلب لازم است: الف. دوران آخرالزمان و ویژگی‌های آن امری است، و ظهور و نشانه‌های آن حقیقتی دیگر. این که ظهور در بستر آخرالزمان رخ می‌دهد، به این معنا نیست که نشانه‌های آخرالزمان، نشانه‌های ظهور هم باشد.

ب. علایم به دو دسته تقسیم می‌شوند: حتمی و غیر حتمی. علایم غیر حتمی، علایمی هستند که ممکن است رخ ندهند و حتی برخی از صاحب‌نظران، مانند سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب جزیره خضرا در ترازوی نقد قائل به بداء و امکان محقق نشدن علایم حتمی نیز هستند؛ برخی مانند علامه مجلسی؛ بدا و تغییر در جزئیات را قبول دارند.

ج. تعیین وقت برای ظهور، هرچند به صورت تخمین، طبق روایات معصومین، امری غیرقابل قبول و مردود است و چیزی جز ایجاد جو التهاب و توقع نابه‌جا در بین مردم و حالت سرخوردگی به همراه ندارد. بزرگان و علما بر اساس روایات، به ما تذکر می‌دهند که به گونه‌ای بحث مهدویت را برای مردم بگوئید و عقاید آنها را محکم کنید که حتی اگر ظهور تا هزاران سال دیگر اتفاق نیفتاد در باور مردم و حرکت انتظار گونه آنان خللی واقع نشود.

د. آخرالزمان یک واژه دینی بوده و در کتب مقدس و روایات پیشوایان دین از آن سخن به میان آمده است. بنابر برای تعریف آن لازم است روایات و متون دینی ملاحظه شود. با مراجعه به روایات می‌توان دریافت که برای آخرالزمان سه دوره قابل طرح است: اول. دوره پیامبر آخرالزمان که از بعثت پیامبر اسلام ﷺ تا آخر عمر دنیا را شامل می‌شود. دوم. دوره غیبت که از غیبت امام مهدی ۴ تا ظهور را در برمی‌گیرد. سوم. دوران ظهور که دوران تشکیل آخرین دولت در جامعه انسانی بوده و از عصر ظهور تا آخر عمر دنیا را شامل می‌شود.

ه. رجعت هر چند امری مسلم بوده و شیعه بر اساس قرآن و روایات، آن را باور دارد، ولی بسیاری از جزئیات آن، مانند کیفیت رجعت ائمه، حکومت بعد از امام زمان ﷺ و... برای ما روشن نیست. لذا بر اساس برخی روایات که از نظر سند و متن محل بررسی است، نمی‌توان در مورد جزئیات آن سخن گفت. به علاوه که رجعت هنگام ظهور است نه قبل از آن.

و. تطبیق علایم ظهور بر حوادث خارجی و ادعای تحقق علایم به صورت قطعی، امری غیر قابل پذیرش است، مگر با قرائن قطعی و یقینی. در این زمینه لازم به تذکر است: اولاً. تعدادی از

نشانه‌های ظهور وجود دارد که حتی در خصوص نماز و روزه این تعداد روایت نداریم.

۴. بخش عمده‌ای از روایات آخرالزمان توسط پیامبر اکرم ﷺ و در نخستین روزهای بعثت بیان شده است.

۵. این نشانه‌ها و علایم، موقعیت بشر را در تاریخ معین می‌کند تا مردم بدانند که در چه فاصله‌ای از ظهور قیامت قرار گرفته‌اند. ۶. پیامبر فرموده‌اند: به ناگزیر فتنه‌ای پدید خواهد آمد که هرگاه در نقطه‌ای آرامش پیدا کند، در نقطه‌ای دیگر ناآرامی شروع می‌شود.

۷. بیش از ۱۲۰۰ نشانه آخرالزمان که در روایات از آن سخن گفته شده، طبق گفته اکثر محققان تمام نشانه‌ها رخ داده و فقط ۵ نشانه باقی مانده که اولین آن فتنه سفیانی است.

۸. سفیانی با حمایت صهیونیست‌ها و غربی‌ها در سوریه کودتا می‌کند، سپس یک گروه در سوریه به نام بنی کلب از او حمایت می‌نمایند. امروزه بنی کلب جماعتی هستند که بخشی از آنها در ارتش اسرائیل، بخشی در سوریه و بخشی در لبنان زندگی می‌کنند.

۹. زمانی که درگیری شام به کوفه می‌رسد، از کنار قزوین لشکر سید خراسانی حرکت می‌کند و از منطقه مرکزی ایران عبور کرده و به کوفه می‌رود. در روایات آمده که اگر لشکر خراسانی را یافتید با او همراه شوید. از یمن نیز سید یمانی به سوی کوفه می‌آید.

۱۰. فرمانده اصلی سپاه خراسانی شعیب بن صالح است و امروز در طالقان قبری به این نام است که مردم برای زیارت او می‌روند. وزیران، مشاوران و سرداران اصلی امام زمان ﷺ همه ایرانی هستند و در روز اول یک میلیون ایرانی به امام می‌پیوندند.

۱۱. طبق آنچه که به ما رسیده، ظهور در سال‌های پر از جنگ رخ می‌دهد و در قرن بیستم، صد میلیون نفر در جنگ‌های مختلف کشته شدند.

۱۲. موساد و سیا اعلام کردند: به دنبال امام زمان هستند و نیز اعلام کرده بودند: شاید سید خراسانی آیت‌الله خامنه‌ای باشد، زیرا ایشان در جوانی در خراسان بوده است و نیز احتمالاً سید یمانی سید حسن نصرالله باشد، زیرا در کودکی در یمن بوده است.

۱۳. ما باید برای رهایی از فتنه‌ها معرفت خود را افزایش داده و هوشیار باشیم تا امام زمان ﷺ حکومت خود را در زمین برپا دارد و در آن زمان امام حسین (علیه السلام) اصحاب کهف و سلمان فارسی به این امام خواهند پیوست. فقط امام حسین (علیه السلام) سیصد سال بر روی زمین خلافت خواهد کرد.

۱۴. با تشکیل حکومت مهدوی، سلمان فارسی در ایران حاکم خواهد شد.



اهل کجایند و چه موقع به عربستان می‌روند؟ در مقابل آن، روایاتی که سیزده نفر را از نقاط مختلف جهان می‌داند چیست؟ (به روایت امام جواد علیه السلام در کتاب کمال الدین، باب ۳۷ مراجعه شود.)

۱۰. رجعت امام حسین علیه السلام چه زمانی است و به استناد کدام روایت معتبر، آن حضرت سیصد سال حکومت می‌کنند؟ و نیز طبق چه ملاکی در آن زمان سلمان فارسی حاکم ایران معرفی شده است؟

با توجه به این که ائمه معصومین علیهم السلام به شدت توقیت و اعلام زمان ظهور را نهی نموده‌اند، تنظیم مطالبی که شنونده و خواننده از آن، به گونه‌ای توقیت را برداشت می‌کند؛ با سفارش معصومین: سازگار نیست؟

* استاد و پژوهشگر مباحث مهدویت.

۱. سایت موعود، www.mouood.org . مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۶.

روایات که در باب علایم آمده ضعیف هستند. مرحوم علامه مجلسی؛ در جلد ۵۲ کتاب بحارالانوار، صفحه ۲۹۰، ذیل حدیث نودم، پس از ذکر روایتی از علایم ظهور، تصریح به عدم اعتبار می‌کند، این در حالی است که همین روایت منبع برخی از علایم شده و در کتب از آنها سخن به میان آمده است. ثانیاً، علم ما محدود است شاید این حادثه ربطی به علامت ظهور نداشته باشد. ثالثاً، در برخی از روایات سخن از یک گشایش در امر مسلمین است و ربطی به ظهور امام ندارد. رابعاً، برخی علایم بسیار مبهم و گنگ است و قابل تطبیق بر مصداق معین خارجی نمی‌باشد. خامساً، برخی روایات از حوادث دوران غیبت سخن می‌گویند، نه علامت ظهور. با توجه به این احتمالات و احتمالات دیگر، چگونه می‌توان سخن از تطبیق قطعی و تحقق علایم گفت؟

L چند اشکال مهم

۱. در کجا سخن از ۱۲۰۰ علامت آمده تا بخواهیم از تحقق آن صحبت کنیم. مراد از اکثر محققان و یا تمام محققان که قائل به تحقق علایم هستند چه کسانی می‌باشند؟
۲. آیا دوره آخرالزمان همه دوران غیبت است نه فقط امروز؟
۳. نکته شماره ۲ با شماره ۶ و ۱۱ ایشان را اگر کنار هم بگذارید، متناقض بودن آنها را روشن می‌کند.
۴. اصولاً روایات مربوط به امام زمان علیه السلام بر اساس تحقیقات صاحب‌نظران که در مجموعه نفیسی به نام معجم احادیث امام مهدی علیه السلام جمع‌آوری شده، حدود دو هزار حدیث است. آن وقت چگونه فقط موضوع ظهور و علایم آن هفت هزار روایت دارد؟
۵. بر چه اساسی عمده روایات مهدویت را از پیامبر صلی الله علیه و آله، آن هم مربوط به اول بعثت می‌گویید؟
۶. آیا به راستی علایم ظهور بیانگر فاصله زمانی تا ظهورند؟ در کدام علایم غیر از علایم پنجگانه سخن از زمان آمده است (بر فرض که زمان‌های مطرح شده در مورد این علایم خاص، قابل اثبات بوده و روایات مربوط به زمان علایم معتبر باشد)؟
۷. بر اساس کدام مستندات معتبر، خروج سفیانی با حمایت غرب و صهیونیست‌ها قابل تبیین است و این جماعت بنی‌کلب از کجا بدین گونه به تصویر درآمد است؟
۸. اصولاً چرا حرکت سید خراسانی از قزوین اعلام شده و چه ربطی به منطقه مرکزی ایران دارد؟
۹. آیا بنا هست شعیب بن صالح همین شخص مدفون باشد و قبل از ظهور رجعت کند؟ بر چه اساسی؟ در کجا آمده همه وزیران و مشاوران آن حضرت ایرانی هستند و این که در روز اول ظهور، یک میلیون نفر ایرانی به امام می‌پیوندند؟ این‌ها

“با توجه به این که ائمه معصومین علیهم السلام به شدت توقیت و اعلام زمان ظهور را نهی نموده‌اند، تنظیم مطالبی که شنونده و خواننده از آن، به گونه‌ای توقیت را برداشت می‌کند؛ با سفارش معصومین سازگار نیست؟



پرسش‌های پانزدهم مه‌ادوی

زنان در انقلاب حضرت مهدی (عج) چه نقشی دارند؟

بدون تردید، نقش زنان در تاریخ اسلام، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و هست. در صدر اسلام، زنانی چون نسیبه را مشاهده می‌کنیم که در جنگ احد از رسول خدا (ص) دفاع می‌کرد و در این راه زخمی شد. نیز در جنگ احد، بدن امام علی (ع) پر از زخم شده بود، به طوری که بدن آن حضرت شصت چراحت سخت برداشت. پیامبر اکرم (ص) دو زن را به نام سلیم و ام‌عطیه مأمور مداوای حضرت علی (ع) نمود، و آنها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند. همچنین نقش پر اهمیت زهرای اطهر (ع) در دفاع از حریم ولایت، امری است روشن و معلوم که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است.

از این رو زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) نیز دارای نقش مهمی هستند. امام باقر (ع) فرمود: «سوگند به خدا سید و اندی مرد می‌آیند که میان‌شان پنجاه نفر زن هستند. در مکه اجتماع می‌کنند، بی‌آن‌که قبلا وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است»^(۱).

با توجه به این مقدمه می‌توان گفت:

الف. در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی، یک مسئله پذیرفته شده است و می‌توان برای آن، مؤیدیهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا (ع) و زینب کبری (ع) در امور اجتماعی و سیاسی.
۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر (ص) که وظایفی همچون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند.
- چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر (ع) نیز می‌توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می‌کرد.
- ب. از آن‌جا که سیره امام زمان (عج) ادامه سیره پیامبر (ص) و امام

علی (ع) است، قطعاً در دولت امام زمان (عج) نیز زنان از یاری آن حضرت محروم نخواهند بود. چنان که امام صادق (ع) در مورد فعالیت آنها فرمود: «زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر (ص) انجام می‌دادند، در زمان حضرت قائم (عج) نیز انجام خواهند داد»^(۲). در برخی روایات فقط به گونه اجمال به حضور زن تأکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است. در برخی روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) با ایشان خواهند بود.^(۳) البته این روایت، تعداد زنان رجعت‌کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می‌کند. همچنین برخی روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت، پنجاه نفر بیان کرده‌اند؛ در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است.^(۴) البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر (عج) و میان یاران آن حضرت، امری مسلم است، ولی باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آنچه به ذهن متبادر است) به جبهه جنگ منحصر نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلفی چون حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز در برمی‌گیرد. حوزه‌هایی که در آنها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت آنها، باز است و زنان در حکومت حضرت می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند.^(۵)

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.
۲. اثبات‌الهدایة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۴۸، ص ۵۷۵، ح ۷۲۵.
۳. همان.
۴. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۸۳.
۵. برای مطالعه بیشتر، رک: سیماي آفتاب، حبیب الله طاهری؛ نشانه‌هایی از دولت موعود (عج)، نجم الدین طوسی.



سفارش

تابع نظرات امام باشید، زیرا که برای ما سخن رهبر و ولی فقیه حجت است.
سخن امام، کلام حجت بن الحسن علیه السلام و راهش، راه آقا امام حسین علیه السلام است.^(۱)

شهید حسین خرازی

می خواهند
القا کنند
که بعد از
امام باید
ولایت فقیه
را بوسید
و کنار
گذاشت.
امام استثنای
است و
ولی فقیه
بعد از او
معنا ندارد.
این ها به
اسلام و
انقلاب
خیانت
می کنند.



تا آخرین نفس

امروز تکلیف است با عراق و فردا با هر کسی که بخواهد به حریم مقدس اسلام تجاوز کند، مبارزه کنیم و اگر در داخل به اسلام تجاوز شود یا فساد کند و یا توهین به مقدسات شود، ما حاضریم تا آخرین نفس استقامت کنیم. مسئولین مملکت بدانند این ملت حاضرند خون خود را فدای اسلام و قرآن و استقلال و آزادی کنند، این ملت مسئول غیر اسلامی نمی‌خواهد، مادامی که شما در خط ولایت فقیه هستید، مردم پشتیبان شما هستند.^(۲)

شهید فریدون بختیاری

اطاعت پذیری

یادم نمی‌رود در زمان فوت امام همه ناراحت بودند، ولی ایشان بی‌هوش شد. در زمان حیات امام فقط می‌گفت: هر چیزی که امام بگوید. طبق گفته‌های امام عمل می‌کرد و بعد هم که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی شدند، خیلی به ایشان عشق می‌ورزید و خوشحال شد. با آن که حرف ایشان در بین عشایر و بچه‌ها لازم الاجرا بود، اما اطاعت پذیری خاصی از فرمان رهبر داشت و خودش را ملزم می‌دانست که در تصمیم‌گیری‌ها هر چند صحیح و حساب شده بود، فرمان رهبری را دخالت دهد.^(۳)

شهید علی‌معمار حسن‌آبادی

تاب دوری او را ندارم

سال ۱۳۶۵ بود و تازه به پادگان کرخه اعزام شده بودیم. یک شب همه در چادر، دور هم جمع بودیم و فقط شهید رضا روشنایی و عبدالعظیم ندافپور گوشه‌ای نشسته بودند و مشغول نوشتن بودند. چند لحظه بعد، عارف شهید «عبدالعظیم ندافپور» آمد داخل حلقه ما گفت: «بچه‌ها شاید فردا شب عملیات باشد. من الآن وصیت‌نامه‌ام را نوشته‌ام و می‌خواهم همین حالا برایتان بخوانم، چون می‌دانم این بار برگشتنی نیستیم». و شروع کرد به خواندن وصیت‌نامه‌اش، همان‌طور که می‌خواند، قطرات اشک از چشم‌هایش سرازیر بود. حال و هوای چادر عوض شد، وقتی به نام امام خمینی رهبر رسید، دیگر طاقت نیاورد و گفت: «خدا می‌داند که فقط دوری امام خمینی؛ را نمی‌توانم تحمل کنم».^(۴)

شهید عبدالعظیم ندافپور

دوستت دارم خمینی!

نوجوان شهید محمد تقی قرن‌زاده، از بچه‌های مخلص گردان عمار، از لشکر هفت ولی عصر علیه‌السلام بود که علاقه عجیبی به امام خمینی رهبر داشت. وقتی پیام امام از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد، سراپا گوش می‌شد و به آن سخنان دل می‌سپرد. او روی پیراهن بسیجی‌اش نوشته بود: «دوستت دارم، خمینی». در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: «روی سنگ

مزارم بنویسید: هر که باشد بر خمینی بد گمان، حق ندارد پا نهد در این مکان».

شهید محمدتقی قرن‌زاده

چه یارانی

شب عملیات که رزمندگان برای عملیات آماده شده و خود را معطر کرده بودند؛ برادر کارگر، فرمانده گروهان را دیدم. او لباس فرم سپاه پوشیده و محاسن بلند خود را شانه زده و شاد و بشاش در میان جمع رزمندگان ایستاده بود.

به او گفتم: شما که برای عملیات آمده می‌شوی، چرا لباس فرم سپاه را بیرون نمی‌آوری؟ اگر عراقی‌ها با این وضع تو را اسیر کنند می‌دانی چه می‌کنند؟ گفت: چه می‌کنند؟ گفتم: موهای ریش‌ت را یکی یکی می‌کشند. گفت: بله، دوست دارم اگر شهید شدم با این لباس مرا داخل قبر بگذارند و اگر اسیر شدم با این لباس اسیر بشوم و عراقی‌ها هر بلایی که می‌خواهند به سر من بیاورند، بیاورند و ببینند که خمینی چه یارانی دارد».^(۵)

شهید کارگر

صدها جان فدای امام

شهید مهدی زین‌الدین می‌گفت: ما چشم و گوشمان به رهبر است. چشم و گوش ما باید متوجه باشد که از آن کانون و مرکز فرماندهی چه دستوری می‌رسد. یک جان که سهل است، ای کاش صدها جان داشتیم و در راه امام فدا می‌کردیم.^(۶)

شهید مهدی زین‌الدین

عکسی که سوخت

روز اولی که رفتم جماران، خیلی دوست داشتم با دوربین خودم یک عکس از امام بگیرم، تا اون رو یادگاری داشته باشم. چند بار خواستم این موضوع رو به امام بگم، ولی هیبت‌شون مانع شد. یک روز بالآخره کار خودم رو کردم، بدون این که به امام بگم، از ایشون عکس گرفتم. گفت: «محسن شاید باورت نشه، توی تمام عکس‌های اون دوربین، فقط همون عکس بود که سیاه شد و سوخت! همون جا بود که فهمیدم نباید به فکر عکس گرفتن از امام باشم، باید به فکر استفاده بردن از باطن و معنویت امام باشم».

شهید ابراهیم امیرعباسی

با دست چپ

قرار بود تیپ سیدالشهدا علیه‌السلام در غرب مستقر شود. وقتی صحبت رفتن به غرب پیش آمد، خانواده علی تصمیم گرفتند از امام رهبر برای خواندن خطبه عقد، وقت بگیرند. روزی که امام رهبر او و همسرش را عقد



۱. صنوبرهای سرخ، ص ۴۹.
۲. حرف‌هایش به دل می‌نشست، ص ۴۳.
۳. شقایق کویر، ص ۱۲۹-۱۲۸.
۴. زخم‌های خورشید، ص ۲۶۸-۲۶۷.
۵. نور سبز، ص ۴۰-۳۹.
۶. صنوبرهای سرخ، ص ۷۸.
۷. من و علی و جنگ، ص ۱۴۳.
۸. بحر بی‌ساحل، ص ۹۹.
۹. افلاکیان، ص ۱۴۷-۱۴۶.
۱۰. قربانگاه عشق، ص ۹۰.



کرد، علی با دست چپش دست امام رحمه‌الله را گرفت و بوسید. وقتی از حضور امام رحمه‌الله بیرون آمدند، همسرش پرسید: چرا با دست راست، دست امام رحمه‌الله را نگرفتی؟ علی گفت: ترسیدم امام رحمه‌الله متوجه دست مصنوعی‌ام شود و غصه‌دار شود.^(۷)

شهید علیرضا موحد دانش

چرا گریه؟

وقتی صدای امام رحمه‌الله را از رادیو می‌شنید، اشک از چشمانش سرازیر می‌شد. می‌پرسیدم: برای چه گریه می‌کنید؟ در جوابان می‌گفت: من امام رحمه‌الله را خیلی دوست دارم، از این می‌ترسم که نتوانم پیام‌هایش را به نحو احسن انجام دهم. اطاعت از رهبر برایم مهم است، من برای اسلام به جبهه آمده‌ام. اسلامی که ما الآن داریم، امام رحمه‌الله برای ما آورده است. می‌ترسم که نتوانم ندای رهبر را لیبیک بگویم.^(۸)

شهید آلهیار جابری

چرا اعتراض نکردید؟

احمد یک روز در جلسه محرمانه‌ای گفت: شنیده‌ام که در بیرجند سخنرانی از تهران آمده و گفته امام قاعده نیست، استثنا است. نمی‌دانم این قضیه صحت دارد یا نه؟ سرم را به حالت تأیید تکان دادم و گفتم: بله احمد آقا، من در آن سخنرانی حضور داشتم. اتفاقاً جمعیت زیادی هم آمده بودند. سخنران عین همین سخنان را گفته بود.

احمد از روی تعجب نگاهی به من انداخت و گفت: واقعاً جای تأسف دارد. شما بودید و این جمله را شنیدید؟ چرا بلند نشدید و در مقابل این حرفش اعتراض نکردید؟ این یعنی زیر سؤال بردن اصل ولایت فقیه. امام که نیامده‌اند تنها خود را مطرح کنند. خدا نکند روزی بیاید که ما باشیم و امام نباشد. این‌ها می‌خواهند القا کنند که بعد از امام باید ولایت فقیه را بوسید و کنار گذاشت. امام استثنا است و ولی فقیه بعد از او معنا ندارد. این‌ها به اسلام و انقلاب خیانت می‌کنند.^(۹)

شهید دکتر سید احمد رحیمی

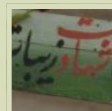
م تفاوت

پدر شهید می‌گوید: من به ایشان گفتم: شما دوبار به جبهه رفته‌ای، این بار من بروم. شما در خانه بمان؛ اما شهید گفت: «شما نظامی هستید. رفتن شما به جبهه جزء ضروریات شغلی شماست. اما من می‌خواهم در پاسخ به فرمان امام رحمه‌الله به جبهه بروم و این دو با هم تفاوت دارند.»^(۱۰)

شهید علیرضا رضویان

“

هزار سال
بر زمین
حکومت
میکند و
در این
هزار سال،
رحمت،
محبت،
عدالت،
راستی،
صلح و
سلامتی
به سراسر
جهان
گسترده
خواهند
شد.



منجی در ادیان

(قسمت هشتم)
ماشیح منجی یهود
 ■ دکتر روح الله شاکری زواردهی*

اشاره:

در شماره‌های پیشین به دنبال بحث از منجی در ادیان، درباره ماشیح‌گری در آیین یهود سخن به میان آمد و نکاتی از ماشیح به عنوان منجی دین یهود، با توجه به دیدگاه رهبران کنونی این آیین، بیان شد و اینک ادامه مطلب.

دکتر پیوئیان، یکی دیگر از شرکت کنندگان در میزگرد همایش موعود ادیان، در سخنان خود اظهار داشت: «مسئله موعود یا بازگشت مسیح، علاوه بر نقل قول‌هایی که در اناجیل اربعه و در کتاب ۲۱ رساله بعد از آن و نیز کتاب اعمال رسولان وجود دارد، به صورت مشروح و تفصیلی در کتاب مکاشفه‌های یوحنا پیامبر در ۲۲ فصل آمده است.

او نویسنده انجیل چهارم است و در قسمت رساله‌ها نیز سه رساله دارد. یوحنا این رساله را در تبعید نوشته است، رومیان او را بازداشت کرده و به جزیره پتاموس یونان تبعید کردند. یوحنا در آن جزیره به عبادت پرداخت و تمام ماجرای بازگشت مسیح را مکاشفه نمود و در ۲۲ فصل نوشت. او میگوید: فرشته خدا آمد و گفت بیا و ببین و من دیدم! سپس داستان را نوشته است.

ظهور مسیح در هفت مرحله ذکر شده است.

در مرحله اول، سه صدا به گوش میرسد: صدای فریاد، صدای رییس فرشتگان آسمان و صدای بلند شیپور که هر سه در تمام عالم شنیده میشود. در این مرحله، مسیح در آسمان و ابرها پدیدار میشود. نخست، ایمان‌دارانی که وفات یافته‌اند، قیام خواهند کرد و جسمشان با روحشان متحد شده و به حضور مسیح خواهند رسید و ایمانداران زنده نیز انتخاب خواهند شد و به نزد مسیح صعود خواهند کرد و درباره آنها داوری شده و مقدار پاداش هر کدام معین خواهد شد و سپس در بزم و سرور نکاح بره شرکت میکنند که منظور از بره، مسیح است! چون قبلاً برای آمرزش گناهان، بره قربانی میشد و از آن‌جا که مسیح هم برای نجات گناهکاران فدا شد، از این‌رو از او به بره یاد شده است! این نکاح زمینی نیست، بلکه نکاح خداوند با کلیساست؛ یعنی با مجامع ایمان داران. به عبارت دیگر کلیسا به اصل خدایی پیوند میخورد.

مرحله دوم، ظهور ضد مسیح با مسیح دروغین است. او از شیطان قدرت میگیرد و تخت خود را از شیطان دریافت خواهد کرد، او در حکومت دچار کفرگویی وحشتناکی خواهد شد و خود را خدا اعلام خواهد کرد و معجزاتی دارد که مردم را غافل میکند. با مقدسات خواهد جنگید و بر کشورها مسلط میشود؛ رمز و علامت و عدد او ۶۶۴ است. ایمان‌داران را خواهد کشت و نبی کاذب در خدمت اوست و مردم را به پرستش تصویر خود وادار میکند. او مردی شریر و گناهکار است و شیطان از طریق او پرستش خواهد شد.

همدست دیگر او روسپس اعظم است که بر حیوانی قرمز سوار شده و هفت سر و دو شاخ دارد که ظاهراً استعاره از روم است. احدی نمیتواند جنسی را خرید و فروش کند، مگر آن‌که علامت او، یعنی ۶۶۶ بر کالا نصب شده باشد.

مرحله سوم، دوره مشکلات و مصایب است که عبارت است از جنگ و شورش ملتی بر علیه ملت دیگر، زمین لرزه‌ها، کشتارها و خیانتها و طاعون، نابودی گیاهان، مسموم شدن آب، آسیب دیدن آسمان، مرگ دریا، ملخ‌های وحشتناک، مرگ به وسیله دیوها، دمل‌های زشت، مرگ موجودات آبی، گرمای غیر قابل تحمل و... است.

مرحله چهارم، بازگشت مسیح به زمین است که مسیح با تمام ایمان‌داران بر میگردد. ضد مسیح لشکری میانگیزد که مانع آمدن مسیح شود، اما خداوند از آسمان آتشی فرو ریزد که تمام لشکریان ضد مسیح نابود خواهند شد. در مرحله پنجم، مسیح هزار سال بر زمین حکومت میکند و در این هزار سال، رحمت، محبت، عدالت، راستی، صلح و سلامتی به سراسر جهان گسترده خواهند شد.

در مرحله ششم پس از هزار سال سلطنت شیطان از بندها رها میشود و به سرعت بیایمانان را جمع‌آوری و قصد جنگ میکند، ولی در این نبرد موفق نخواهد شد و به دریای آتش افکنده میشود.

در مرحله هفتم دنیای جدیدی آفریده خواهد شد و از شیطان و گناهکاران اثری باقی نماند و زیرا جهان شرارت‌ها فرو ریخته و نوبت به آغازی دیگر رسیده است»^(۱).

* استاد حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی دانشگاه.

۱. همایش موعود در ادیان، نقل از افق حوزه، سال سوم، شماره ۲۳، آذر ۱۳۸۳، ص ۸.

شهسوار شیرین کار

■ دکتر محمود رفیعی*

حماسه عاشقانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد
غبار از خاطر آینه افلاک برخیزد
اگر در جلوه آری گوهر پاک وجودت را
صدف از دامن صحرا گریبان چاک برخیزد
گل شوق تو را در دیده کارم، مگر امشب
دل از خواب گران آرزو، چالاک برخیزد
اگر پا در رکاب آری، به پابوس سمند تو
هزاران لاله خونین جگر، از خاک برخیزد
ببار ای دیده امشب، قطره قطره، اشک بر دامن
که از دل شعله شعله آه آشناک برخیزد
مگر حرف تو را تکرار سازد ای گل نرگس
سخن با کوه می گویم کز او پژواک برخیزد
به شوق نرگس مست تو ای مهر جهان آرا
بسی گل نغمه مستی ز نای تاک برخیزد
جواد جهان آرای

در شماره گذشته، بیان شد که در زیارت عاشورا،
از دو مصیبت سخن به میان آمده است: مصیبت
عظیم و مصیبت اعظم.

امامان
معصوم، از
جمله امام
حسین علیه السلام و
امام زمان علیه السلام
دارای وجود
ملکوتی
هستند که
رؤیت و
مشاهده
ساحت
ملکوتی آنان،
فقط برای
ملکوتیان
میسور و
ممکن است و
بسیگان تن و
دنیا از دیدن
آن محروم و
ناتوانند.



مصیبت اعظم

برای آن که بدانیم مصیبت اعظم چیست و این مصیبت چگونه وارد آمد و بر سر چه کسانی فرو ریخت و وظیفه ما در قبال مصیبت اعظم چیست و این وظیفه اعظم، بر دوش چه کسانی نهاده شده است، ابتدا باید با ساحت امام حسین (علیه السلام) آشنا شویم و سپس از رهگذر آشنایی با وجود مقدس سالار نیکان و خوبان عالم، حضرت حسین بن علی (علیه السلام) به پرسش‌های مطرح شده، پاسخ دهیم. حضرت حسین بن علی (علیه السلام) انسان کامل است. آن وجود مقدس دارای چهار ساحت وجودی است و آن چهار ساحت وجودی حضرت عبارتند از:

۱. وجود عنصری: وجود عنصری حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در عالم طبیعت است و جامعه و مردم، این ساحت از وجود امام حسین را مشاهده کردند. اگرچه وجود عنصری امام معصوم هم دارای مراتبی است و هر کسی به اندازه پاکدلی و پاک نهادی خود، می‌تواند مراتبی از مراتب عنصری امام معصوم را مشاهده کند. حضرت مهدی (عج) هم این گونه است و آنهایی که در عصر غیبت کبری و غیبت صغری و نیز در عصر ظهور موفق به دیدار امام زمان (عج) می‌شوند، فضل خداوند شامل حالشان می‌گردد و مرتبه‌ای از مراتب وجود عنصری امام عصر (عج) را به عیان می‌بینند.^(۱)

۲. وجود ملکوتی: امامان معصوم، از جمله امام حسین (علیه السلام) و امام زمان (عج) دارای وجود ملکوتی هستند که رؤیت و مشاهده ساحت ملکوتی آنان، فقط برای ملکوتیان میسر و ممکن است و بستگان تن و دنیا از دیدن آن محروم و ناتوانند.

ملکوت، باطن عالم ملک و یکی از عوالم وجود است که از دید و نظر اهل دنیا پنهان است. ملکوت هم دارای مراتب مختلف است و دیدن این عالم، از آن کسانی است که چشم جان بین داشته باشند و چشم جان بینشان نیز بسته نباشد. در عالم ملکوت، موجوداتی زندگی می‌کنند که از چشم این و آن، نهان و پنهانند. بخشی از ساکنان عالم ملکوت را مرتبه‌ای از مراتب فرشتگان و ارواح پاکان مؤمنان تشکیل می‌دهد. اینان هستند که چشم‌هایشان به ساحت ملکوتی امام معصوم باز است و در مشهد و محضر حضرت حسین بن علی (علیه السلام) هستند.

۳. مولای عالمیان حضرت حسین بن علی (علیه السلام) دارای ساحت وجودی جبروتی نیز می‌باشد. جبروت، فوق عالم ملکوت است و ساکنان این عالم، عقول عالیه هستند که همواره در محضر و در خدمت امام حسین بن علی (علیه السلام) هستند.^(۲)

۴. وجود مبارک انسان کامل، دارای ساحت وجودی خلافت مطلق است. به تمامی این ساحت وجودی در مشهد و محضر حضرت رب العالمین است و این ساحت شگفت از دید و نظر همه کائنات و موجودات هستی مستور و غایب است.^(۳)

مصیبت عظیم

مصیبت عظیم آن گاه بر جامعه شیعی و محبان امام حسین (علیه السلام) وارد آمد، که سالار خوبان عالم، به همراه باوفا‌ترین یاران و عاشق‌ترین دوستانش در کربلای پر بلا، به دست شقی‌ترین انسان‌نماها به درجه رفیع شهادت نایل آمدند و میزبانان بی‌رحم بر مهمانان مهربان خود، هیچ ترحمی نکردند و با نهایت شقاوت و پلیدی، آنان را از دم تیغ گذراندند و در این رهگذر، حتی بر زنان و کودکان و سالخورده‌گان نیز، روی خوش نشان ندادند.

یادآوری کردیم که وظیفه ما در قبال مصیبت عظیم، برپایی مراسم سوگواری و اقامه مجالس عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) و یاران شهید اوست تا به این وسیله، نهضت و فرهنگ حسینی در تاریخ ماندگار گردد و قیام عالمانه و عاشقانه امام حسین (علیه السلام) فراموش نشود و همواره جان و فکرمان را از دریای عطش کربلا سیراب گردانیم تا در حرکتی که به سوی افق روزگار داریم در دام سراب‌های فریبنده، در نیفتیم.

فراموش کردن عاشورا و قیام امام حسین (علیه السلام) یعنی فراموش کردن عشق و محبت. وقتی عشق فراموش گردد، شیرازه زندگی از هم می‌پاشد و دنیا در سرمای بی‌رحم نامهربانی و تاریکی شقاوت می‌غلطد و همه کس و همه چیز را وحشت در کام خود فرو می‌برد.

از هر طرف که رفته‌م جز وحشتم نیفزود
زنهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت
حافظ

اگر وجود مقدس امام معصوم را به شهادت برسانند، درهای شناخت و بندگی و عبادت خداوند برای همیشه و برای همه بسته می ماند و هیچ انسانی به مقام شامخ بندگی و عبودیت دست نمی یابد و هیچ سری بر آستان کبریایی حضرت باری تعالی فرو نمی آید



ل جایگاه امام حسین (علیه السلام) به عنوان انسان کامل در عالم کائنات

سخن گفتن از جایگاه امام حسین (علیه السلام) به عنوان انسان کامل در نظام هستی، یکی از موضوعات عرفان اسلامی و معارف عالیه شیعه است و طرح آن در این نوشته، بسیار به اختصار خواهد آمد.^(۴)

انسان کامل، محل مشیت الهی

از منظر عرفای بزرگ شیعه، امام حسین (علیه السلام) دارای مقام مشیت الله است. مشیت الهی یعنی آن که هیچ قدرت قاهره ای فوق او نیست تا او را از انجام کار و تصرف مطلق در عالم هستی باز دارد. عارفان شیعه معتقد هستند که انسان کامل، مظهر این مقام الهی است و خود، محل مشیت الله می باشد.

علامه حسن زاده آملی در این باره می نویسد: «انسان کامل، دارای مقام مشیت الله است و اصلاً مقام او، مقام مشیت الله و محل مشیت الله است. این مظهر مشیت و اختیار الهی، صاحب ولایت کلیه است که بر خوردار از رقایق صفات حق تعالی هست و محل ظهور و تجلی جمیع اوصاف کمالیه الهی است. پس وجود انسان کامل، ظرف همه حقایق و خزاین الهی است و این اسماء، اعیان حقایق نوریه دار هستی است، نه اسمای لفظی. لاجرم این مقام، دارای ولایت تکوینی است که می تواند با اذن و مشیت الهی در کائنات تصرف کند، بلکه خود را در خارج از بدن خود ایجاد نماید و موجودات خارجی به منزله اعضای انسان کامل و او به مثابه جان آنهاست. لذا معجزات و کرامات و هرگونه خارق عادت انسان های کامل از این جهت است.^(۵) از سخنان عرفای شیعه در این زمینه این گونه برداشت می شود که انسان کامل جان جهان بوده و کل جهان، بدن او به حساب می آید. پس می توان گفت: امام حسین (علیه السلام) جان این عالم است و می تواند به اذن و اراده خداوند، در هستی تصرف کند که عرفا از این تصرف ولایی یاد می کنند. امام حسین (علیه السلام) دارای دو نوع رحمت می باشد: رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه.

رحمت رحمانیه

رحمت رحمانیه امام حسین (علیه السلام) به عنوان مشیت الله، شامل تمام موجودات عالم کائنات می شود. همه هستی با تمام موجوداتش از رحمت رحمانیه امام حسین (علیه السلام) برخوردار هستند. رحمت رحمانیه دارای ابعاد گوناگون است که در این جا به سه بُعد آن بسنده می شود:

الف. هدایت موجودات به سوی حضرت باری تعالی.

ب. جان بخشی به تمامی کائنات به اذن حضرت رب العالمین.

ج. روزی رساندن به همه موجودات. به قول جناب سعدی:

چنان پهن خوان کرم گسترده
که سیمرغ در قاف قسمت خورد
وجود مقدس امام حسین (علیه السلام) برای دوستان و محبان و پیروانش سفره خاصی گسترده است که از انواع نعمات گوناگون در آن چیده شده است. این سفره مخصوص است و آنهایی که دل درگرو آقای عالمیان حضرت حسین بن علی (علیه السلام) ندارند، از این سفره محروم هستند و از عنایات ویژه سالار خوبان جهان بی بهره اند. هدایت خاصی در عالم ملک و شفاعت در جهان آخرت از عنایت های ویژه امام حسین (علیه السلام) برای دوستان و پیروان خود می باشد.

امام حسین (علیه السلام) آئینه تمام نمای حضرت باری تعالی

به یقین همه شما خوانندگان عزیز این روایت را از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) شنیده اید که فرمود: «المؤمن مرآة المؤمن»^(۶) مؤمن آئینه مؤمن است». این حدیث وقتی توسط علمای اخلاق شرح داده می شود، یک معنای خاصی دارد؛ اما وقتی یک عارف صاحب بصیرت، این حدیث را معنا می کند، مفهوم بلندی از آن استخراج می شود. یکی از نام های بلند و زیبای حضرت باری تعالی مؤمن است. در سورة حشر، خداوند پرده از نام های زیبایش برمی دارد و به ما می فرماید: یکی از نام های من مؤمن است. در سورة توبه آیه ۱۰۵، می فرماید: «اعملوا فسیرى رسولُهُ و المؤمنون». هر کاری را که می خواهید انجام دهید؛ به زودی خداوند و رسول خدا و مؤمنین آن عمل را می بینند.

بر اساس آموزه های دینی، مراد از مؤمنون در این آیه، ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند. حال وقتی می فرماید: مؤمن آئینه مؤمن است، یک معنایش این است که امام معصوم آئینه تمام نمای خداوند است؛ یعنی تنها کسی که به طور کامل محل تجلی خداوند است و خداوند

را با اسم‌های حسنايش و با اسمای جلالیه و جمالیه‌اش به زیبایی و خوبی نشان می‌دهد، وجود مقدس امام حسین (علیه السلام) است.

معنای دیگر این سخن آن است که برای شناختن خداوند و رسیدن به او، اول باید امام را شناخت و از طریق امام به خداوند رسید. نتیجه آن که وجود مقدس و مبارک امام حسین (علیه السلام) هم نماینده خداوند است و هم نماینده خداوند.^(۷)

اینک می‌پردازیم به واقعه مصیبت اعظم. مصیبت اعظم یعنی تلاش برای از بین بردن انسان کامل از صحنه نظام هستی. اگر عالم کائنات از وجود انسان کامل، محروم گردد، نظام هستی از هم می‌پاشد؛ تمامی کائنات و موجودات نظام آفرینش می‌میرند؛ تاریکی و سیاهی، زشتی و پستی، تمام هستی را در بر می‌گیرد؛ با فرض آن که نظام هستی از هم نپاشد؛ اما چراغ هدایت که خاموش گردد، هیچ موجودی، راه به سوی خداوند نمی‌یابد؛ جهل و مجهالت، با تمامی قوا در جهان بشریت چنگ می‌اندازد. فرهنگ، علم و اخلاق، عرفان، از صحنه جهان رخت برمی‌کند.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «بنا عبد الله و بنا عرف الله و بنا وحد الله تبارک و تعالی»^(۸) خدای تبارک و تعالی به واسطه ما بندگی می‌شود و به واسطه ما شناخته شده است و به خاطر ما، در یکتاپرستی به یکتایی، پرستش می‌شود».

معنای سخن امام صادق (علیه السلام) این است که اگر وجود مقدس امام معصوم را به شهادت برسانند، درهای شناخت و بندگی و عبادت خداوند برای همیشه و برای همه بسته می‌ماند و هیچ انسانی به مقام شامخ بندگی و عبودیت دست نمی‌یابد و هیچ سری بر آستان کبرایی حضرت باری تعالی فرو نمی‌آید.

وجود مقدس آقایمان امام زمان (علیه السلام) در مرتبه جانسوزش برای مولای شهیدان

امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید: «لقد قتلوا بقتلک الإسلام و عطلوا الصلاة و الصیام و نقضوا السنن و الاحکام و هدموا قواعد الايمان و حرفوا آیات القرآن»^(۹) ای حسین! وقتی تو را کشتند، در حقیقت با قتل تو اسلام را کشتند و نماز و روزه - حقیقی - را تعطیل و نابود کردند، سنت‌های (الهی) و احکام (دین) را از بین بردند و پایه‌های ایمان را نابود کردند و آیات قرآن را تحریف نمودند.

اینک سؤال ما این است که آیا می‌توان در قبال چنین جنایت اعظمی - کشتن انسان کامل - فقط به گریه و اقامه عزای بسنده کرد؟ خیر، وظیفه ما در قبال مصیبت اعظم، گرفتن انتقام از قاتلان انسان کامل است. حال چند سؤال در این باره، مطرح می‌شود:

۱. وظیفه چه کسانی است که انتقام بگیرند؟
۲. رهبری و هدایت این وظیفه اعظم به عهده کیست؟
۳. از چه کسی و یا چه کسانی باید انتقام گرفت؟
۴. چگونه و به چه کیفیتی باید انتقام گرفت؟
۵. معنا و مفهوم واقعی انتقام چیست؟
۶. مگر مختار ثقفی، از دشمنان امام حسین (علیه السلام) انتقام نگرفت؟
۷. عملیات انتقام در یک مرحله انجام می‌پذیرد یا مراحل مختلف دارد؟

ادامه دارد...

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

۱. درباره ساحت وجود چهارگانه امام معصوم، اسراری وجود دارد که می‌توان در این باره به آثار عرفای شیعه مراجعه کرد.
۲. بیان عالم جبروت و جبروتیان و چگونگی خدمت آنان به امام معصوم در توان این قلم نیست و باید به سراغ آثار ارزشمند عارفان شیعه رفت و از آنان این اسرار را شنید.
۳. در این باره مراجعه شود به آثار عرفای اسلام و از جمله کتاب امام مهدی (علیه السلام) موجود موعود، نوشته آیت‌الله عبدالله جوادی آملی.
۴. لازم و واجب است دوستان و محبان امام زمان (علیه السلام) این موضوع را در کتب عرفای اسلامی دنبال کنند، تا ان شاء الله بیشتر امام زمان (علیه السلام) و آنچه دیگر را بشناسند.
۵. حسن‌زاده آملی، انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۲۲۰.
۶. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۰.
۷. من از ذکر دیگر مقامات امام در نظام هستی چشم پوشی می‌کنم و شما خوانندگان را دعوت می‌کنم به مطالعه آثار بزرگانی چون: امام خمینی، ابن عربی، سید حیدر آملی، علامه حسن‌زاده آملی، علامه طباطبائی و آیت‌الله جوادی آملی.
۸. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.
۹. زیارت ناحیه مقدسه.

ستاد مهدی باوران در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

اشاره:

در سراسر کشور، تشکلهایی هستند که با وجود مشکلات فراوان، به عشق امام زمان (عج) و برای ترویج معارف مهدوی، تلاش می‌کنند. آن چه که در ذیل می‌آید، معرفی نمونه‌ای از این فعالیت‌ها در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز است که در گفت‌وگو با دو تن از مسئولین این ستاد، خانم‌ها اسماعیلی و رضایی‌زاده، مطرح شده است.

تاریخچه و هدف از تأسیس این ستاد در دانشگاه چه بوده است؟

ستاد مهدی باوران، همزمان با جشن آغاز ولایت حضرت مهدی (عج) در تاریخ ۸۷/۱۲/۱۳ شروع به کار نموده و تاکنون چندین برنامه داشته است. این ستاد، قبلاً با دو عنوان متفاوت کار می‌کرد: یکی کانون مهدویت نهاد مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و دیگری کانون مهدویت دفتر فنی که بعد با ادغام آن دو کانون، ستاد دانشجویی مهدی باوران که از نظر پشتیبانی مالی و فرهنگی زیر نظر این دو نهاد محترم بود، تشکیل شد. خلاهای روشنی در دانشگاه وجود داشته و این که می‌دیدیم، دشمنان حضرت ولی عصر (عج) مثل وهابی‌ها و زرتشتی‌ها، علیه حضرت فعالیت می‌کنند. شکل گیری ستاد، برای مقابله با این هجوم و تبلیغات و تجهیز معرفتی شیعیان و دوستداران امام زمان (عج) بوده است.

آیا اقلیت‌هایی که ذکر نمودید، فعالیت‌های واضحی در دانشگاه دارند؟

بله، البته فعالیت‌های رسمی ندارند و تبلیغاتشان بیشتر غیر رسمی است، به این صورت که می‌نشینند و با دانشجویان صحبت می‌کنند و به آنها کتاب‌هایی که عقایدشان را بیان می‌کند، می‌دهند. مخصوصاً زرتشتی‌ها، که افراد را اول شناسایی می‌کنند و بعد از طرح دوستی، در بیرون از دانشگاه با آنها صحبت می‌کنند.

درباره فعالیت فرهنگی این ستاد در سال جدید تحصیلی بفرمایید.

با شروع ترم جدید، پروژه‌های فرهنگی به مدت یک هفته در

دانشگاه اجرا شد. جلسه پرسش و پاسخ در داخل حیاط و مسجد دانشگاه و همایشی نیز در سالن آمفی تئاتر دانشگاه با موضوعات مختلف درباره هفته مهدویت، برگزار بود. در کنار اینها نمایشگاهی هم از چندین غرفه برگزار شد، از جمله غرفه کتاب، غرفه مشاوره، غرفه نقاشی، غرفه سؤال و جواب به همراه جوایز و نیز غرفه آرزوها که در آن صندوقی گذاشته شده بود تا کمک‌های مالی دوستان و علاقمندان را جمع کند. در مورد نحوه صرف این کمک‌ها نیز قرار بود پس از جمع‌آوری، به مناطق فقیر نشین شهر اهواز رفته و از آرزوهای بچه‌های زیر دوازده سال پرس و جو کنند تا در حد توانمان، آنها برآورده کنیم. طوماری تهیه کردیم که افراد در آن وفاداری و همیاری با حضرت مهدی (عج) را اعلان نمایند.

نوشته‌هایی با عنوان «یا مهدی» در دانشگاه پخش کردیم که توزیع آنها با استقبال زیادی روبه‌رو شد. کنار درب ساختمان اصلی دانشگاه هم یک ماکت کعبه درست کردیم که ابعادش چهار متر بود و لحظه‌ای که حضرت مهدی (عج) ظهور می‌نماید و ندای «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ» سرمی‌دهد را نشان می‌دهد. قبل از شروع برنامه‌ها و همزمان با شروع سال تحصیلی، حدود سه هزار فرم نظرسنجی بین بچه‌ها توزیع کردیم که متن نظر سنجی این بود: شما درباره امام زمان (عج) چه سؤالی دارید؟ دوست دارید چه چیزی درباره ایشان بدانید؟ چه وقت‌هایی امام زمان را یاد می‌کنید؟ اگر امام زمان را قبول دارید و دوست دارید برایش فعالیت کنید، در چه زمینه‌هایی علاقه‌مند به فعالیت هستید؟ از این فرم نظرسنجی و سؤالاتی که در آنها نوشته شد، توانستیم سطح آگاهی دانشجویان را بسنجیم که بر اساس آن، برایشان برنامه‌ریزی کنیم.

“ زمانی که اسپری را دست گرفتند ما احساس کردیم و دیدیم که چیز چندانی راجع به امام زمان (عج) نمی‌دانیم. واقعاً این صحنه‌ها برایمان تکان دهنده بود





برای ماکت کعبه هزینه کرده بودند، اما از ما سیصد هزار تومان بیشتر نگرفتند. ما آنجا واقعاً عنایت آقا را احساس کردیم. متوجه شدیم که آن شخص، به صورت تصادفی به سمت ما نیامده؛ ما واقعاً معطل مانده بودیم و نمی‌دانستیم چه کنیم. چون قرار بود فردایش برنامه شروع شود و ما دستان خالی بود، اما به لطف امام زمان (عج) مشکل حل شد.

یک بار هم به مناسبت سالروز ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام علی (علیه السلام) می‌خواستیم ایستگاه صلواتی برپا کنیم که ابتدا به ما مجوز ندادند؛ اما همین که از پله‌ها پایین می‌آمدیم، مسئول فرهنگی کل استان را دیدیم که از کار ما حمایت کرد و این‌جا واقعاً احساس کردیم که عنایات حضرت ولی عصر (عج) بود که مشکلات را برطرف کرد.

ما نیز در مقابل، تمام تلاش‌مان را انجام دادیم. در این شش روز، خواب و بیداری‌مان، دانشگاه رفتن و به خانه برگشتن‌مان معلوم نبود. از بس حجم کاری زیاد بود، گاهی وقت‌ها تا ساعت دوازده شب هم زحمت می‌کشیدیم، حتی شب آخر، ساعت دو بود که به خانه رفتیم.

باز هم این کارها را انجام می‌دهید؟

صد در صد. با تمام مشکلاتی که دارد ولی باز هم انجام می‌دهیم. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: من شب و روز را برای امام زمان می‌گذارم، ما که وظیفه‌مان هست و ادعا می‌کنیم مهدی باوریم، باید کاری انجام بدهیم.

یکی از مهم‌ترین بخش‌ها، الگودهی به جامعه است. چقدر توانستید در این بخش موفق باشید؟

یکی از کارهایی که ما انجام دادیم این بود که در دانشگاه جا بیندازیم که امام زمان (عج) مختص بچه‌های مذهبی نیست؛ ایشان متعلق به همه است؛ حتی برای زرتشتی‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها. یک وجه مشترکی بین همه با هر منطق و فکر سیاسی و با هر نظر و دیدگاه وجود دارد. یکی از ایرادهایی که از ما می‌گرفتند این بود که چرا بچه‌های غیر مذهبی در کانون دارند کار می‌کنند؟ چرا این آقا یا خانمی که تیپ آن چنانی دارد مسئول غرفه شده؟ اما ما نظرم‌ان این بود که اگر فقط مذهبی‌ها جذب کانون شوند هنر نیست. این که افراد یا اقلیت‌هایی مثل

حدوداً بالای هشتاد درصد سؤالات این بود که ایشان کی می‌آید؟ کجاست؟ چرا می‌گویند وجود دارد؟ ما هم اولین برنامه را گذاشتیم بر بیان دلایل عقلی وجود امام زمان (عج) که اصلاً آیا امام زمانی هست؟ دومین برنامه درباره این بود که اگر امام زمانی وجود دارد چرا نمی‌آید؟ برنامه بعدی راجع به این بود که چه کار کنیم امام زمان (عج) بیاید؟

اگر درباره برگزاری این فعالیت فرهنگی، خاطره‌ای هم دارید، خوشحال می‌شویم که بشنویم؟

روز اول که پارچه سفید زده بودیم و قرار بود با اسپری روی آنها درباره امام زمان (عج) بنویسیم، اکثر بچه‌های کادر، اولین تجربه کار فرهنگی‌شان بود؛ زمانی که اسپری را دست گرفتند ما احساس کردیم و دیدیم که چیز چندانی راجع به امام زمان (عج) نمی‌دانیم. واقعاً این صحنه‌ها برایمان تکان دهنده بود.

خاطره دوم این بود که بچه‌های به اصطلاح غیر مذهبی در مدتی که نمایشگاه برگزار بود، موقع نماز در صف اول می‌ایستادند، پوشش لباس‌هایشان نیز عوض شده بود و خلاصه این که روی آنها تأثیر گذاشته بود. برای ما این بهترین خاطره و یادداشت بود و احساس خوبی داشتیم.

تلخ‌ترین خاطره هم این بود که عده‌ای برای برگزاری این فعالیت‌ها، قول‌هایی داده بودند، اما زمانی که ما بر روی قول آنها برنامه‌ریزی کردیم، در دقیقه آخر گفتند ما دیگر نیستیم. این امر، تلخ‌ترین تجربه برای همه ما بود. البته ما قبلاً پیش‌بینی این روزها را می‌کردیم، ولی توکل ما به خدای متعال بود و به خودمان می‌گفتیم هر قدر هم که پشتمان را خالی کنند، اما امام زمان (عج) هست و دست ما را می‌گیرد و به همین انگیزه با شور و شوق بیشتر به جلو حرکت می‌کردیم.

در برنامه‌هایتان چقدر عنایات امام زمان (عج) را حس کردید؟

خیلی زیاد. ما پول نداشتیم تا بنر بزنیم، به طور اتفاقی سری به شرکت نفت زدیم، شخصی‌ای ما پرسید که آیا برنامه‌ای دارید؟ وقتی از کار ما مطلع شد، حدود سه میلیون تومان بنر به صورت امانت به ما داد، به علاوه ماکت کعبه و یک مقدار دیگر هم هزینه داد، آنها تقریباً چند میلیون تومان



نشریه امان چقدر در فعالیت مهدوی دانشگاه مفید است؛ تا حالا این نشریه را دیده بودید؟

بله. امان نشریه خوبی است، ولی برای دانشجویهایی که تازه شروع کرده‌اند و راجع به مباحث مهدویت اطلاعات زیادی ندارند، کمی سنگین است. سطح معارف مهدوی دانشگاه ما، کمی پایین است. البته این نشریه برای دانشجویان می‌تواند خیلی مفید واقع شود، چون مرکز تخصصی مهدویت این را تهیه می‌کند و آنها می‌توانند با خیال راحت از مطالبش استفاده کنند و خاطر جمع هم هستند.

از بنیاد فرهنگی یا مرکز تخصصی مهدویت چه انتظاری دارید؟

تنها توقع ما این است که این مجموعه را هدایت و مدیریت کنند. ما به عنوان یک دانشجو به بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت اعتماد داریم و مطمئن هستیم که اگر به ما گفتند این کار را نکنید، یا فلان کار را انجام دهید، حتماً فکری پشت آن هست، اگر بنیاد ما را پشتیبانی کند و راه را به ما نشان دهد مطمئن هستیم که این راه را درست خواهیم رفت.

حرف آخر...

و امروز، همان زمانی است که همه باید تلاش کنیم تا حضرت مهدی عج بیاید و ما شاهد اتحاد ملت‌ها باشیم، ان شاء الله.



اینجا بیایند، سؤال برای آنها پیش بیاید که امام زمان عج چه کسی هست و به ما بگویند برای ما کلاس آموزشی برگزار کنید این برای ما ملاک بود.

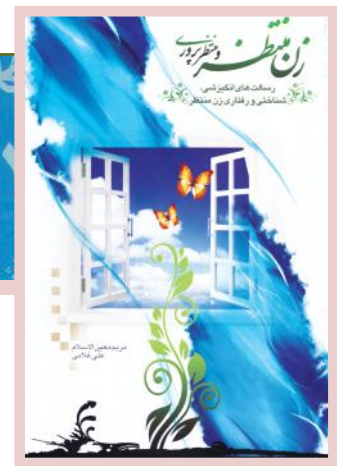


درباره طوماری که تهیه کردید، توضیح بدهید که چطور به فکر تان آمد چنین کاری را انجام دهید و متن آن چه بود؟

راستش را بخواهید، برای ما مشکل زیادی ایجاد شد، خیلی‌ها گفتند که این برنامه‌ها را کنار بگذارید؛ چون استقبال، زیاد بود و می‌گفتند این همه استقبال را ما نمی‌توانیم جواب‌گو باشیم. می‌خواستیم بدانیم که بچه‌ها می‌خواهند فعالیت‌های مهدوی ادامه پیدا کند یا نه؟ چون یک شور و هیجان جوانی افراد زیادی را ابتدای سال هنگام ورود به دانشگاه احساس می‌کردیم. بعد از بحث و گفت‌وگو به این نتیجه رسیدیم یک طومار بنویسیم و قرار بود که آن را روز عرفه در جمکران بگذاریم که نشد. چند جمله در طومار نوشته بودیم؛ یکی از آنها این عبارت بود: «پس من می‌نویسم تا بیایی...» یعنی که من دوست دارم تو بیایی؛ من فعالیت می‌کنم تا بیایی، چون ما برای آمدن ایشان کاری انجام نداده‌ایم نمی‌آید. اکثر بچه‌هایی که امضا کردند، گفتند ما حاضریم برای امام زمان عج فعالیت کنیم. البته از آنها خواستیم که زیر امضاهایشان شماره دانشجویی‌شان را هم بنویسند. امضاکنندگان فقط دانشجویها نبودند. حاج آقا موسی، اساتید دانشگاه، کارمندان دانشگاه با شماره پرسنلی، رئیس دفتر فرهنگ و رئیس دفتر نهاد هم امضا کردند؛ امضا کردن فقط مخصوص دانشجویها نبود. اکثراً امضا کردند.

“ما که وظیفه‌مان هست و ادعا می‌کنیم مهدی باوریم، باید کاری انجام بدهیم.”





کتابخانه مهدوی

■ تنظیم: فرشته اربابی

نام کتاب: زن منتظر و منتظر پروری

نویسندگان: مریم معین الاسلام - علی غلامی

این قلم، نگاهی به پیرامون خویش انداخته است. ظلمات و تاریکی شب، وصلتی ناخوشایند با صدای زوزه گرگان یافته. طاعون بی‌دینی و غفلت، همه جا را فرا گرفته. بد اوضاعی است؛ آخرالزمان می‌خوانندش. جنود جهل و ظلمت در تلاشند تا یگانه پنجره‌ای که مأمن انوار خورشید است و آسمان زلال و آبی را به بشریت هدیه می‌دهد، ببندند. نردبان را از کف سیاه چاله بردارند. نه نوری؛ نه راهی؛ نه امیدی، نه ... قلم، رعب و وحشت و اضطراب خویش را نمی‌تواند کتمان کند. ایستایی و آرامش خود را از دست داده است. لرزه بر اندامش افتاده و ...

اما پنجره باز است، خورشید در جریان است، نردبان نیز استوار ایستاده است و حتی دستی ملتمسانه و نگاهی مهربانانه، قهرنشینان ظلمت و تاریکی را به زلال پاکی و روشنائی فرامی‌خواند. صدایی سرشار از مهر و صفا، ولی نگران و مضطرب دارد. مدام می‌گوید: بوی تعفن، تاریکی و ظلمت، سرمای سوزان و استخوان سوز، نمناکی سنگ فرش‌ها، نزدیک شدن هر لحظه صدای گرگ‌ها و کفتارها و ... بس است! همتی باید، فقط یک قدم؛ فقط یک پله؛ دست بیش از این توان کشیده شدن برای دستگیری ندارد. سستی و رخوت بس است. همتی باید...

اظهار ارادت به محضر مقدس قطب عالم امکان، مهدی فاطمه (علیها السلام) از یک سو نیازمند شناخت آن وجود مقدس و جایگاه ایشان در عالم هستی است. و از دیگر سوی مستلزم شناخت خویش و مسئولیت‌ها و وظایفی است که در قبال آن یگانه هستی برعهده داریم. تنها شناخت و آگاهی صرف نیاز کافی نیست، بلکه اقدام عملی در پاسخ به انتظارات خالق هستی، در طرح‌ریزی رابطه محب و محبوب لازم است. اقدام عملی نیز به تنهایی رساننده به مقصد نیست، بلکه انگیزش و نیت والا نیاز است.

این سطور، به این امید گردهم آمده‌اند تا به منظور تبیین رسالت‌هایی که یک زن منتظر برای حضور در اردوگاه یاوران حضرت مهدی (علیه السلام) و ایفای نقش در جامعه مهدوی برعهده دارد، تلاشی نماید. بدین منظور در قالب چشم‌اندازهایی، ساخت‌های مربوط به کسب انگیزه، شناخت و انجام رفتار را مورد بررسی قرار داده است. صاحب قلم بر این باور است که بدون ایجاد انگیزش‌های لازم، پیمودن مسیر حرکت به سمت تحقق جامعه مهدوی، برای پوینده مسیر دشوار جلوه می‌کند. پس از ایجاد رغبت و انگیزه، می‌بایست رسالت‌ها و وظایف شناختی و بینشی، تبیین گردد، تا شیرینی پیمودن مسیر دو چندان گردد. در پایان نیز، شوقی که در این مسیر حاصل شده، می‌باید با رفتار و عمل گره بخورد تا به صرف لغله زبانی باقی نماند.

در هر یک از این ساحت‌ها، مراحل می‌باید طی شود. با الهام‌گیری از این کلام شیوای امام صادق (علیه السلام) که «ایمان مانند نردبانی ده پله است که مؤمن، پله‌ها را یکی پس از دیگری بالا می‌رود»، صعود از ده پله‌ای که به نظر نگارنده برای ایمان حقیقی و مملو از انگیزه و آگاهی و عمل زن منتظر به انتظار و رفع غربت از حضرت صاحب (علیه السلام) لازم است، تصویر شده است.

مطالب این کتاب در سه چشم‌انداز سامان یافته و فصل‌ها (پله‌هایی) را به خود اختصاص داده که عبارتند از: جایگاه شناسی؛ ضرورت شناسی؛ وظیفه شناسی؛ رسالت‌های شناختی زن منتظر. در عرصه فردی و خانوادگی و نیز در عرصه اجتماع؛ رفتار شناسی، شاخص شناسی، آزمون شناسی سنجش تکالیف عمومی و اختصاصی زن منتظر. هر یک از این پله‌ها نیز، شامل چندین اقدام (گفتار) می‌باشند.

مطالعه این اثر مفید را به همه مهدی پژوهان، به ویژه بانوان مهدوی توصیه می‌نماییم.





به نیت حضرت زهرا علیها السلام

■ فریده صادقی

L بمب گذاری حسینیّه سید الشهدا علیه السلام شیراز توسط ایادی استکبار جهانی در فروردین ۱۳۸۷ خبری بود که به گوش همه رسید. در این بمب گذاری، تعداد بسیاری از افراد مؤمن شهید شدند که شرح حال بسیاری از آنها خواندنی و درس آموز است. یکی از این شهیدان، خانم راضیه کشاورز است. وی تحصیلات ابتدایی خود را در مرودشت و تحصیلات راهنمایی و دبیرستان را در شیراز با کسب مقام های ممتاز گذارنده و ضمن فعالیت در بسیج، دارای مقام حجاب برتر در آموزشگاه و کسب مقام های برتر و ممتاز در مسابقات قرآنی و ورزشی نیز بوده است. آنچه در ذیل می آید گوشه ای که از زندگی سراسر معنوی این شهیده از زبان خانواده و آشنایان ایشان می باشد.

L زندگی معنوی

نماز اول وقت، احترام به پدر و مادر، ادای امانت، دوری از غیبت، تلاوت هر روزه قرآن، تلاش تحصیلی، کنترل نگاه و ارشاد و راهنمایی زهرا گونه به فامیل و دوستان، از ویژگی های ایشان بود. مطالعه مستمر در زندگی شهدا، وصایای شهدا و کتاب های حماسی و سرداران شهید را در دستور زندگی خود داشت. ایشان همواره در مجالس سوگواری اهل بیت علیهم السلام شرکت می کرد و با سوز و عشق زیاد برای امام حسین علیه السلام اشک می ریخت. برای شهید شدن خود خیلی دعا می کرد و با اشک طالب شهادت بود. بسیار خوش اخلاق بود و با حضور وی خانه از خنده و شادی پر می شد. سعی می کرد به همه کمک کند. علاوه بر خانواده و فامیل، نگران دوستان و همکلاسی های خود هم بود، برای آنها دعا می کرد و اشک می ریخت.

از کودکی به چادر علاقه داشت، بزرگ تر که شد به چادرش افتخار می کرد و به نیت حضرت زهرا علیها السلام می پوشید. با بغض می گفت: «خانمی که بد حجاب مثل اینه که به صورت خانم حضرت زهرا علیها السلام سیلی می زنه». وقتی این مدل ضد ارزش ها را می دید حجابش محکم تر می شد.

“خانمی که بد حجاب مثل اینه که به صورت خانم حضرت زهرا علیها السلام سیلی می زنه





عهدنامه

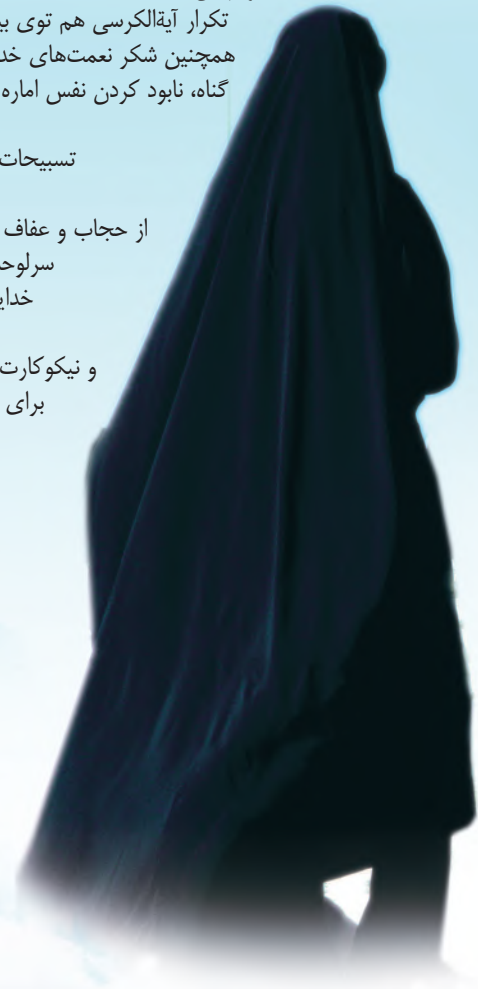
دوست دارم چهل روز تمام کارها رو خالصانه انجام بدم تا خدای مهربون از سرتقصیرات من بگذره و گناهامو ببخشه. دوست دارم تو این چهل روز که از ۱۳۸۵/۳/۵ شروع میشه، هر روز صبح به یاد آقا امام زمان علیه السلام و زیارت آقا امام رضا علیه السلام و پابوسی ایشان و دیدار چهره دلگشای آقا و ناز قدمهای ایشون، روز رو شروع می‌کنم. بعدش هم اول نمازمو بخونم، هر روز زیارت امین‌الله رو خالصانه برای آقا امام رضا علیه السلام که قربون صفاش برم می‌خونم و بعد هم خالصانه با آقا امام زمان صحبت می‌کنم ... خلاصه می‌خوام هر روز صبح تا چهل روز و ان شاء الله تا مادام العمر دعای عهد و زیارت امین‌الله بخونم و گریه کنم. آقا تو رو خدا توفیق اشک ریختن تو این دعاها به من بده. هر شب هم به یاد خانم فاطمه زهرا علیها السلام شبی پنج صفحه قرآن بخونم، ان شاء الله.

تکرار آیه‌الکرسی هم توی بیشتر اوقات نصیبم بشه، همچنین شکر نعمت‌های خدا، توفیق آلوده نشدن به گناه، ناپود کردن نفس اماره و تقویت نفس لواحه رو داشته باشم. تسبیحات خانم فاطمه زهرا علیها السلام را همراه با الگو برداری از حجاب و عفاف و ادب و اخلاق ایشون، سرلوحه زندگی خود قرار دهم. خدایا امیدوارم هر چی گفتم نصیب بنده‌های صالح و نیکوکاره هم بشه، بعدهم توفیق برای گمراهان و برگشت آنها به راه راست و معنویت.

راضیه کشاورز
۸۵/۴/۱۱ راهی مشهد

نامه او
به محضر امام زمان علیه السلام در
سیزده سالگی

سلام من به یوسف گم گشته
زهرا و گل خوشبوی گلستان
انتظار. ای دریای بی‌کران، ای
آفتاب روشنی بخش زندگی من،
تالو چشمانت، همانند خورشید
صبح‌دم، از درون پنجره‌های دلم
عبور می‌کند و دل سیاه و تاریک
مرا نورانی می‌کند. تو کلید در
تنهایی منی، و من تو را محتاجم.
بیا ای انتظار شب‌های بی‌پایان،
که از نبودن تو هیچ و پوچم. بیا
و قدم‌های مبارکت را به روی
چشمانم گذار، چشمان انتظار
کشیده من هر جمعه به یادت
اشک می‌ریزد.



ویروس حساسیت زوکی بهلای

■ جواد اسحاقیان*

❖ نمی‌دانم باید بگویم یا نه؟ اما خوب به هر حال گفتنی را بیاید گفت! مسئولیتش هم بر عهده کسانی است که قبلاً همین‌ها را گفته‌اند! خیلی حساس نشوید، مسأله مهمی نیست! گاه‌گاهی می‌شنویم که نسیم بهاری که می‌وزد، حالت خواب آلودگی و خلاصه خواب نوشین با مداد رحیل، هم از راه می‌رسد. و القصه جماعت اداری و محصل و دیگر اقشار از پرتو این موقعیت پیش آمده، بهره‌ای از استراحت صبحگاهی در کلاس و اداره می‌برند.

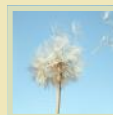
و یا مثلاً گرده گیاهان، به‌جای حس بویایی می‌افتد و حالا عطسه کن و کی عطسه نکن! خوب حالا دیدید که حرف خطرناک و سیاسی و... نمی‌خواستم بزنم، مسئولیت این مطالب را گفتم که به عهده کارشناسان مسائل بهداشتی و پزشکی باشد، اگر هم نپذیرفتند، چکار کنم دیگر، خودم می‌پذیرم!! اما ماجرا به همین‌ها ختم نمی‌شود.

در مسیر زندگی، بهار جوانی و طراوت هم برای خودش برو بیایی دارد، مثلاً بر شما خوانندگان گرامی مخفی نیست که گاهی دور بازو را اندازه می‌گیرند و قد و بالای خود را برانداز می‌کنند و اندازه می‌گیرند تا کم نیاید! و شاید گروهی نه چندان قابل توجه، وقتی از آنها در مورد قهرمان و پهلوانشان سؤال کنید، فلان آدم! را مطرح می‌کنند که آن قدر شجاع بوده که چند کلیسا را سوزانده و کلیسای شیطنانی ساخته‌اند و با همه کج افتاده‌اند.^(۱)

اگر حافظه تاریخیمان هم یاری کند، در خاطر داریم که اوائل انقلاب که تنور کمونیست‌ها و جامعه بی‌طبقه و دین جهادی و جنگی، داغ بود، گروهی به تور اینها افتادند و کار به جایی رسید که کسانی چون معلم بزرگ و فداکار و اسوه طهارت و مطهر بودن را به عنوان عامل ضد پیشرفت و ... به خون خود غلطاندند^(۲) و از این دست کارها کم نبوده و نیست!

واقعاً چرا این‌طور است که ما از بهار و آن همه ظرفیتش، فقط چرت و خواب آلودگی را درست گرفته‌ایم و پیاده هم نمی‌شویم! خوب همین بهار، بیداری و زندگی دوباره و طراوت هم دارد. چه بسیار کسانی که تمام طراوت خود را پژمرده کردند تا نسلی و نسل‌هایی شاداب باشند. چرا بهار هجده ساله‌ای که از کودکی تا شهادت در خدمت جامعه و دین و اخلاق مردم بود، ما را بیدار نکند؟ همو که از همان هنگامی که بزرگ و کوچک در خواب قتل و غارت و آدم کشی و تب زدگی بودند، یار و

“
باید باور کرد
که مأموریت
اصلی بهار،
سر از خاک
برآوردن و بالا
رفتن است،
نه به خاک
چسبیدن و
خوابیدن!!!”





یاور و حتی مادر پدرش بود پشتوانه خانه
وحی شد تا زمانی که با وجود همه صدماتی
که در راه ولایت دید، دعاگوی همان همسایگان
و اطرافیان خواب زده بود و بدون جهت نیست که
فرزندی دارد که او هم کل زمین و زمان را بهاری و احیا می‌کند.^(۳)
و الگوی خود را همان مادر هجده ساله می‌داند.^(۴)

فرزندی که از پنج سالگی تمام غربت‌ها و بی‌احترامی‌ها و فراموشی‌های
دیگران را به جان می‌خورد تا بتواند از پرده پنهان، شبانه روز در
خدمت موجودات عالم باشد و وامدار کسی نباشد^(۵) تا هنگام
ظهور بدون هیچ دغدغه و مصلحت اندیشی بی‌جا، حق را به
حق‌دار برساند.

و شاگردی از شاگردان آن بهار ابدی، که در عصر ما جامعه دجال
زده و وارونه شده را بهاری کرد و به جای فکر کردن به آرامش و امنیت
و حتی مقام علمی و اجتهاد و مرجعیت شخصی خود، فقط و فقط به خدا فکر کرد و
از اوج محبوبیت گرفته تا تنهایی‌های شکننده، خادم واقعی مردم و جهان بود و قیام
لله برایش مهم بود و چه خوش زاد روزی که روز تولد مادر بهاری هجده ساله‌اش
روی داد.^(۶)

اینها همگی هنگامی که در کمال قدرت بودند، یا دود غذا پختن از خانه آنها بلند
نمی‌شد^(۷) یا در موقعی که تمام جهان پر از نعمت و رفاه و آسایش است، غذایشان از
نان جوین و لباسشان، سخت و ساده است^(۸) یا در کمال قدرت و امکانات حکومت،
اجازه فراهم شدن امکانات و تعمیر حسینیّه خود را هم نمی‌دهند.^(۹) و یا خلف صالح
او که همواره یار فقرا و مصیبت‌زدگان بوده و هست.^(۱۰)

آری این جماعت پیشرو بیشتر و بیشتر از دیگران نسیم بهار را حس کردند و به
خود و دیگران طراوت بخشیدند، آنها دانستند که راه رشد و پیشرفت جدا شدن از
دنیا در همین دنیا داری است.^(۱۱) اما جماعت خواب زده فکری کنند برای بشریت و
قدرت و محبوبیت. باید هرچه بیشتر از دنیا کام گرفت و به خود و دیگران خسارت
زد، حال آن‌که در نظام و ساختار معنوی جهان اینها را بر روی کانال و موج دیگری
تنظیم کرده است.

راستی کدام عاقلی است که در بیابان گرم و سوزان، به دنبال آتش و تاریکی و
خاک باشد و به سایه درخت سر به فلک کشیده و آب جوشان با طراوت که از زمین
می‌جوشد و بیرون می‌زند فکر نکند، پس چرا ما با تمام عقلمان که به آن می‌نازیم و
با آن می‌تازیم، باز هم برای عیش و نوش و آرامش و آسایش به سراغ افراد و ایده‌ها
و مکاتبی می‌رویم که ما را زیر زمینی می‌کند و چشمان ما را از تاریکی بی‌رمق
می‌نماید، آیا منطقی است که انسان به دنبال هر رنگ و بو و صدای تازه برود و فکر
کند مترقی شده است و هر چند رنگ خوش خط و خال افعی و بوی به ظاهر خوش
بمب شیمیایی و صدای ریزش بهمن باشد؟؟!!

حساسیت سکه، دو رو است، حساس باشیم که بشناسیم و ببینیم یک حرف است و
حساس باشیم که کور بشویم و بچسبیم حرف دیگر است. باید باور کرد که مأموریت
اصلی بهار، سر از خاک برآوردن و بالا رفتن است، نه به خاک چسبیدن و خوابیدن!!!

*. کارشناس ارشد مهدویت

۱. مراجعه شود به منابع مربوط به شیطان پرستی جدید،
از جمله بخشی از کتاب «جهان تاریک» مهدی کریمی،
بوستان کتاب.
۲. اشاره است به شهادت استاد مطهری توسط گروهک
فرقان در اول انقلاب.
۳. اشاره است به آیه «یحیی الارض بعد موتها» که در
تفسیر، زنده شدن زمین پس از مرگ آن را به دوران ظهور
امام زمان هم تأویل برده‌اند.
۴. اشاره است به روایت «ان لی فی ابنة رسول الله اسوة
حسنة؛ برای من دختر رسول خدا، الگوی نیکو است».
۵. اشاره است به یکی از علل غیبت امام زمان که در
روایتی از امام رضا آمده است: ... برای این‌که آن زمان که
قیام می‌کند، کسی برعهده او بیعتی نداشته باشد. کمال
الدین، ج ۲، باب ۴۴، ص ۲۳۲.
۶. تولد امام راحل در ۲۰ جمادی الثانی، مطابق با سالروز
تولد حضرت زهرا سلام الله علیها بود.
۷. اشاره است به زندگی ساده حضرت زهرا پس از ازدواج
در فقر و ساده زیستی تمام.
۸. اشاره است به نوع زندگی ساده حضرت امام زمان که
غذای ایشان از نان جو است و لباس غیر راحت دارند.
۹. اشاره است به سادگی و بی‌آلایشی زندگی امام راحل
در تمام مراحل، خصوصاً پس از انقلاب و در زمان رهبری
ایشان.
۱۰. اشاره است به گوشه‌ای از سادگی و ساده زیستی
مقام معظم رهبری و همراهی او با دردمندان، از جمله
حضور ساده ایشان در بم پس از زلزله و ... که در کتاب‌ها
و منابع متعدد به نوع زندگی ایشان به صورت مستند
اشاره شده است.
۱۱. اشاره است به ابتدای دعای ندبه که علت پذیرش
اعمال و شهر و مقبولیت اولیای الهی را عمل به شرط
زهد و دوری از دنیا زدگی معرفی نموده است، «و فی
اولیائک الذین استخلصتم لنفسک و دینک ... بعد ان
شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدینة و زخرفها
و زبرجها فشرطوا لک ذالک و علمت منهم الوفاء به
فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذکر العلی والثناء الجلی».

سؤال‌های امتحانی آخر

ل اول از همه باید از خدا و امام زمان عج معذرت بخوام. قراره به امتحان از همه بگیرن که من می‌خوام سؤال‌ها رو لو بدم! به شرطی که کسی نامردی نکنه و...
ما همین الان داریم آزمایش می‌شیم. می‌دونم از بس کلمه آزمایش و امتحان به گوشمون خورده، دیگه برامون عادی شده، ولی جدا ما الان داریم انتخاب می‌شیم، برای به عاشورا و نبرد دیگه. امام زمان عج داره ما رو تو لحظات زندگی مون، سبک

۹. اگه بگن همین الان می‌خواهیم شهادت رو نصیبت کنیم، چی می‌گی؟
الف. خدایا من زندگی دارم، به فکر زن و بچه و مادر و ... هستم ☐
ج. من از خدایم ولی خوب کمی حق الناس گردنم هست، بهشون برگردونم و حلالیت بطلبم، بعدش می‌آم ☐
د. شهادت؟ وای خدا جون، این دیگه چه سؤالیه؟ به عمر دنبال این لحظه بودم؛ بریم، که اومدم ☐

۱۰. اگه بگن دوست داری مرگت چطوری باشه، چی جواب می‌دی؟
الف. باز حرف مرگ رو پیش کشیدی. چرا هی دم از نا امید می‌زنی؟ به چوری می‌میرم دریگه ☐
ب. دوست دارم مسلمان از دنیا برم و وقت مرگ، شیطان گولم نزنه ☐
د. دوست دارم در رکاب امام زمان عج شهید بشم. قطعه قطعه بشم، تازه دردش هم شیرینه ☐

۱۱. اگه اون دنیا تقاضا کنی به فرصت بهت بدن و دوباره زنده بشی، این طرف چی کار می‌کنی؟
الف. خوب می‌آم و دوباره زندگی می‌کنم و آرزوی عمر هزار ساله دارم ☐ ب. حق مردم رو بر می‌گردونم و از کسانی که بهشون ظلم کردم حلالیت می‌طلبم ☐
ج. دیگه به بنده صالح خدا می‌شم، از هر جهت ☐ د. به بار؟ اگه هزار بارم بگن می‌تونی بر گردی، آرزو دارم هزار بار برای امام زمان عج شهید بشم ☐

۱۲. سؤال اختیاری؛ اگه بگن اینا شرط‌های پذیرفتن یاران امام زمانه، فکر می‌کنی قبول می‌شی؟
الف. نه بابا، من اگه این‌طوری بودم که الان شهید می‌شدم ☐
ج. بعضی‌ها خیلی سختن، فکر نکنم امام زمان عج این قدر سختگیر باشه، احتمالاً تک و توکی رو ندارم؟ ☐
د. قبول می‌شم و نمره کامل می‌گیرم. مطمئن مطمئن، خودمو برای اینا آماده کردم. بس به عمر برای چی زندگی کردم؟ ☐

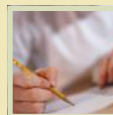
موفق باشید

تذکر:

هر کس بتونه امتیاز لازم رو از این آزمون بگیره، باید خودش رو برای یاری و ان‌شاءالله شهادت در رکاب امامش در آخرالزمان آماده کنه. هر کس هم نمی‌تونه، به فکری به حال خودش کنه که چا نمونه! جواب رو هم پیش خودتون نگه دارید.
خوش به حال اون‌هایی که از غریال آزمایش خدا رد می‌شن و به سعادت می‌رسن؛ و بدا به حال اون‌هایی که باقی می‌مونند و حسرت می‌خورن خدایا ما از کدوم دسته‌ایم؟ ما را برای امتحانات سخت آماده و موفق گردان.

* فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت.
۱. بقره/ ۱۵۵.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

“
بنده‌های
ای
خوب
من! در
آخر الزمان
حقیقتاً و
بی‌شک
و بدون
تردید ما
شمارو
به جلسه
امتحان
خواهیم
کشاند؛



سرالزمان لورفت!

■ حسن ملایی*

به هدف آفرینش هستند، اینو خوب می‌دونند؛ گاهی لازمه روی شیطان کم بشه! اونایی هم که الکی ادعای بندگی خدا رو می‌کنند که خودشون بهتر از بقیه می‌دونند چرا؟ امتحان باعث می‌شه آدم هی امتیاز بیاره و بالاتر بره.

آیه آخرالزمانی از جزء سی و یکم!

ای بنده‌های خوب من! در آخرالزمان حقیقتا و بی‌شک و بدون تردید ما شما رو به جلسه امتحان خواهیم کشاند؛ در اون جلسه، سؤال‌هایی رو به شما می‌دیم تا خلشون نکنین؛ اگر قبول شدین که از سربازان مهدی فاطمه (عج) می‌شین و اگر کم آوردین...

سنگین می‌کنه و می‌خواد ببینه چقدر تحمل داریم؟ چقدر محکمیم؟ چقدر وفا داریم؟ هر چند خودمون نمی‌دونیم؛ ولی بذارید به این آیه نگاهی کنیم: «وَلْتَبْلُواْ نَفْسَكُمْ بِشَىْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ قطعاً شما را با اموری مثل ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و به استقامت‌کنندگان بشارت ده.

امام صادق (ع) فرمود: «منظور (و مصداق کامل) این آیه، انسان‌های آخرالزمانند، اون هم موقع ظهور امام زمان (عج)». ^۱
خدا می‌مهربان ما، چون دوستمون داره و می‌خواد مارو به قله‌های افتخار و سربلندی برسونه، به هر بهانه‌ای ما رو امتحان می‌کنه، اون‌هایی که آشنا

نام:
نام خانوادگی:

سؤال‌های امتحانی آخر الزمان

تاریخ: عصر غیبت امام زمان
مدت امتحان: تمام عصر
مقطع: تمامی انسان‌ها

۱. تو انتخاب‌های زندگیت، نظر چه کسی برات از همه مهمتره؟
الف. خودم ☐
ب. خانواده‌ام ☐
۲. معمولاً چه موقع صبرت تنوم می‌شه؟
الف. وقتی که برای کارهای شخصی خودت، عصبانی می‌شی ☐
ج. وقتی که یکی رو که خیلی دوستش داری می‌بیره ☐
۳. چقدر امام زمان رو دوست داری؟
الف. راستش تا حالا بهش فکر نکردم ☐
ج. آگه دیدم به جایی بهش توهین می‌شه، حس غیرتم به جوش می‌یاد ☐
۴. وظیفه درباره امام زمان چیست؟
الف. هر روز بعد از نمازها بهش سلام می‌دم و دعای فرج می‌خونم ☐
ج. باید تو عصر غیبت به حرف‌های علمای ربانی، گوش بدم ☐
۵. فکر کن الان مشغول انجام گناه هستی، وضعیت نسبت به امام زمانت چطوره؟
الف. سعی می‌کنم بهش فکر نکنم و گناه رو انجام بدم ☐
ج. خاکستر می‌شم تو خودم، گناه کنم و امام زمان (عج) منو ببینه؟ نه نمی‌شه ☐
۶. آگه داشتی کاری برای امام زمان (عج) انجام می‌دادی و اون وقت یکی تو رو دید:
الف. خوشحال می‌شی و قند توی دلت آب می‌شه ☐
ج. کمی خوشحال می‌شی، اما می‌گی: هدف اصلی من رضای خدا بوده ☐
۷. دوست داری بیشتر چه قیافه و تیپی بزنی؟
الف. تیپ روز(هرچی باشه) ☐
ب. تیپ ابرونی ☐
۸. بهت میگن فقط به آرزو کن تا برآورده بشه و تو میگی:
الف. آرزوای موفقی داشته باشم ☐
ج. به سفر به همه جاهای زیارتی برم ☐

- ج. دوستای صمیمیم ☐
د. امام زمان (عج) ☐
- ب. وقتی که تیم مورد علاقت، شکست بخوره ☐
د. وقتی کسی با انجام گناه فردی و اجتماعی، دل امام زمان (عج) رو می‌رنجونه ☐
- ب. تو نماز برات دعا می‌کنم تا ظهور کنه ☐
د. اون قدر زیاد که برای تعجیل در ظهور هر کاری که لازمه، حاضرم انجام بدم ☐
- ب. باید مثل همه امامان که نیاز به یار داشتند، برای یاری آقا خودمو آماده کنم ☐
د. همه موارد ☐
- ب. گناه رو انجام می‌دم، بعد می‌آم از آقا معذرت می‌خوام، حتماً منو می‌بخشه ☐
د. اصلاً به فکر گناه کوچک هم نیستیم؛ بابا من پیام با تیر بزوم تو دل امام زمان؟ ☐
- ب. بی تفاوت هستی و محل نمی‌ذاری ☐
د. عصبانی می‌شی و می‌گی: خدایا اومدم به کار رو خالص انجام بدم، باز منشد ☐
- ج. تیپی که قشنگ‌تر باشه ☐
د. تیپی که مورد پسند امام زمانه ☐
- ب. توی دانشگاه قبول بشم و به کار خوب گیرم بیاد ☐
د. طوری زندگی کنم و بعیرم که امام زمان (عج) از من راضی باشه ☐



■ محمد جواد محبت

حیف است به دوستی، زبانی باشیم
در عالم حرف، یار جانی باشیم

آقای و صاحب الزمانی، ماهم
ای کاش که صاحب الزمانی باشیم

تو خوبتر از هر آنچه دانند تو را
به اشک و دعای ندبه خوانند تو را

نه صورت آرزو، نه امید محال
یک روز آخر، به ما رسانند تو را



■ مرحوم قیصر امین پور

صبح بی تو، رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی
عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما
خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

خواستیم از رنجش دوری بگویم یادم آمد
عشق با آزار، خویشاوندی دیرینه دارد

روی آنم نیست تا در آرزو دستی برآرم
ای خوش آن دستی که رنگ آبرو از پینه دارد

در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری
آن کبوتر چاهی، زخمی که او در سینه دارد

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید
آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد



■ محمد شهرتی

دل به خلوتگه صاحب خبران کی ببریم
ما که از مرحله مهر تو دوریم هنوز

صاحب مهر و وفا، چشم امیدی داریم
به دل و دست تو گر، مست غروریم هنوز

دست بالا کرده و هر دم دعا کردیم ولیک
پیرو شیطان ملعون و شروریم هنوز

زاده شمس و قمر، نور تو روشن گر راه
گرچه کوریم ولی طالب نوریم هنوز

صاحب جاه و جلال ار نظری ننمایی
غرق در ظلمت و تاریکی گوریم هنوز

ساقی بزم خدا در ملکوت اعلی
به امید فرجت غرق سروریم هنوز

■ سیده شریفه کریمی نژاد

زان یار دلنوازم شکری است با شکایت
غمها به جان اثر کرد پس گو به جان حکایت

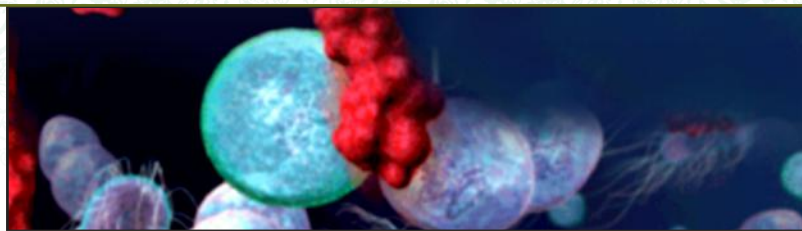
شب رفت و روز آمد، اما تو برگشتی
مهدی ببخش ما را زین جرم و این خیانت

گفتم چو باز گردی غمها برت سرایم
غم از دلم برون کن ای کوکب هدایت

تأخیر وصل رویت از این دل غریب است
دل را تو رام بنما از لطف و از عنایت

شام و سحر بگیریم چون رفتنت ز ما بود
بخشا تو جرم ما را ای شاخه ولایت

عشقت رسد به فریاد مهدی اگر تو خواهی
گو از برای این دل از لطف بی‌نهایت



بهار شکوفایی علم و صنعت

■ محمدرضا زارع دزفولی*

ل بر خلاف گمان باطل افرادی که تشکیل حکومت مهدوی را مایه عقب‌گرد بشر به شیوه‌های زندگی اولیه معرفی می‌کنند، عصر حکومت جهانی امام زمان، دوران شکوفایی بشر در ابعاد مختلف از قبیل صنعت، تکنولوژی و توسعه همه‌جانبه است؛ به گونه‌ای در پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی، تحولی بسیار عظیم رخ خواهد داد که با توجه به روایات، می‌توان آن را بی‌نظیرترین ایام بشری در زمینه‌های مختلف نام برد. در این مقاله بر آن هستیم تا مختصری از زوایای گوناگون پیشرفت بشر را بر مبنای روایات به تصویر کشیم.

■ الف: دانش و حکمت

۱. امام عصر (عج)

آن امام همام، خود عالمی است که کسی دانشمندتر و حکیم‌تر از او نیست، زیرا در روایتی آمده است: «همانا علم به احکام خدا و سنت پیغمبر در دل حضرت مهدی (عج) می‌روید؛ همان طور که در زمین زراعت، بهترین رویدنی‌ها می‌روید»^۱.
راهبی از امام کاظم (عج) درباره هشت حرفی که از آسمان نازل شد و چهار حرف آن در زمین ظاهر شد و چهار حرف دیگر در هوا معلق ماند، پرسید: آنها بر چه کسی فرود آید و چگونه تفسیر خواهد کرد؟ امام در پاسخ فرمود: «بر قائم ما که خداوند آنها را بر او نازل می‌نماید و او تفسیر خواهد کرد و نیز چیزی را بر او فرو فرستد که بر هیچ یک از صدیقان و رسولان و هدایت‌شوندگان نازل نکرده است»^۲.

۲. بندگان و مؤمنان

امیر مؤمنان (عج) فرمود: «علم و دانش بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیامبران الهی آورده‌اند، دو حرف (شعبه) بیشتر نبوده و در طول تاریخ مردم تاکنون جز دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌کند، سپس دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند، تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر شود»^۳. با توجه به این حدیث و احادیث دیگر، پیشرفت سریع علم در عصر ظهور امام بیش از دوازده برابر خواهد بود.

در حدیث دیگر از امام باقر (عج) سؤال شد، معنای این حدیث که امام زمان (عج) بیست و هفت حرف را کامل می‌کند چیست؟ ایشان می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و خداوند عقول آنها را کامل و افکارشان را پرورش داده، تکمیل می‌کند»^۴. در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و با عنایت او مغزا در مسیر کمال به حرکت در می‌آیند و اندیشه‌ها شکوفا می‌شوند و تمام

کوته‌بینی‌ها و تنگ‌نظری‌ها و افکار پست برطرف می‌گردد و مردمی دوراندیش، بلند نظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می‌یابند.

در روایتی آمده است که در زمان آن حضرت آن قدر به مردم حکمت داده خواهد شد که زن در خانه خود با استفاده از کتاب خدا و سنت رسول‌الله قضاوت می‌کند»^۵.

■ ب. صنعت و تکنولوژی

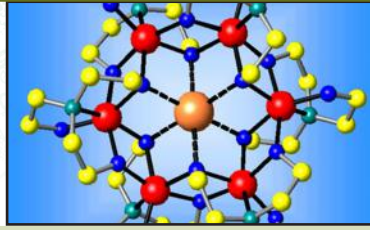
از روایات بسیاری چنین برداشت می‌شود که با عنایت امام مهدی (عج) علاوه بر علم و آگاهی افراد و تکامل عقول بشری، در زمینه اختراعات، اکتشافات و صنایع، گسترده‌ای بسیار ایجاد خواهد شد، به گونه‌ای که تا به آن روز هیچ انسانی چنین پیشرفتی را به چشم ندیده است و به طور کلی دانش و صنعت در آن روزگار، با علم و صنعت کنونی فرسنگ‌ها فاصله خواهد داشت. در ذیل به برخی از وجوه این پیشرفت‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ساخت وسایل پیشرفته حمل و نقل

امام باقر (عج) می‌فرماید: «برای صاحب و سرور شما مهدی (عج) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی گوید: گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است، او بر این وسیله سوار می‌شود، آگاه باشید او به زودی به وسیله ابرها به آسمان‌ها و زمین‌های هفت گانه صعود می‌کند»^۶. مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست، زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد، آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله‌چندانی ندارند و نمی‌توانند از آن بالاتر روند، بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع‌السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرضی همانند رعد، قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد و به هنگام

علم و دانش
بیست و هفت
حرف است،
تمام آنچه
پیامبران الهی
آورده‌اند، دو
حرف (شعبه)
بیشتر نبوده
و در طول
تاریخ مردم
تاکنون جز
دو حرف را
نشناخته‌اند.
اما هنگامی که
قائم ما قیام
کند، بیست
و پنج حرف
دیگر را آشکار
می‌سازد





پیشرفت فوق العاده علم و صنعت در عصر ظهور، واقعیت یا تخیل؟

برخی ناباوران بر آن هستند که بگویند چگونه امکان دارد با آمدن منجی زمان، حضرت مهدی علیه السلام، چنین پیشرفت‌هایی به سرعت صورت بگیرد، در حالی که در هیچ زمانی چنین چیزی نبوده است؟ آنها طعنه می‌زنند که این نگاه مسلمانان به آخرالزمان خیال و توهمی بیش نیست. در پاسخ به این سؤال چند جواب می‌توان ارائه داد که به اختصار به برخی از آنها می‌پردازیم: اولاً، علم انبیای الهی و امامان معصوم از جانب خداوند متعال است. در قرآن شریف آمده است که هر دانشی در عالم از خدای متعال است و تا او نخواهد به کسی افاضه نمی‌شود: «وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ».^۱

خداوندی که عالم مطلق بوده و به همه چیز آگاهی دارد و هیچ چیز در جهان آفرینش از او پنهان و پوشیده نیست و به آنچه در نهاد مخلوقات است و از حرکات دقیق چشم‌ها و اسرار و رموز نهانی سینه‌ها باخبر است، اراده نموده است که این علم را در اختیار برخی از بندگان مقرب خود، از جمله پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام قرار دهد: «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ».^۲ و خداوند کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت. بنابراین، چنین امری از نظر نقل و عقل بعید نیست. ثانیاً، گرچه علوم تجربی جامعه بشری، تاکنون موفق به چنین پیشرفت‌هایی که در عصر ظهور بیان شده نرسیده است، اما دلیلی نداریم که در آینده نتواند به چنین توفیقی دست یابد، چنان که پیشرفت‌های علمی امروز، در خیال گذشتگان نیز نمی‌آمد، در حالی که امروزه شاهد پیشرفت‌های بسیاری هستیم، به علاوه این که همان گونه که مشاهده می‌شود، علم روز به روز به رشد خود ادامه می‌دهد و سرانجام در این مسیر تکاملی با آمدن حضرت ولی عصر علیه السلام به کمال خویش خواهد رسید.

حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود می‌شکافد، همچنان به پیش می‌رود و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند. به هر حال، آنچه از این حدیث و امثال آن استفاده می‌شود، این است که نه تنها موضوع عقب گرد صنعتی در عصر ظهور در کار نیست؛ بلکه به عکس سخن از پیشرفت خارق العاده و تحول علمی در میان است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها صورت گیرد.^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره چگونگی حمل و نقل در آن روزگار می‌فرماید: «پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پایشان پیموده می‌شود... و درهای جهان به رویشان باز می‌گردد... زمین در کمتر از یک چشم به هم زدن طی می‌شود به گونه‌ای که اگر کسی از آنان بخواهد شرق تا غرب زمین را در لحظه‌ای بپیماید، این کار را انجام می‌دهند».^۴

۲. پیشرفت فن‌آوری در ارتباطات

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم علیه السلام ما قیام کند، خداوند آنچنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم نامه‌رسان نخواهد بود، با آنها سخن می‌گوید و سخنش را در همان لحظه می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خویش است».^۵ بر اساس این روایت، وسایل انتقالی صدا و تصویر به طور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان امام قرار می‌گیرد، آنچنان که چیزی به نام اداره پست، امری زاید محسوب می‌گردد و همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم شهود و حضور ابلاغ و اجرا می‌شود.

امام صادق علیه السلام پیرامون چگونگی ارتباط در روزگار امام عصر علیه السلام می‌فرماید: «در روزگار حضرت قائم علیه السلام مؤمن در شرق زمین، برادرش را که در غرب زمین است می‌بیند، همچنین مؤمنی که در غرب است، برادرش را که در مشرق است مشاهده می‌کند».^۶ این روایت و روایات مشابه با توجه به اختراع تلفن تصویری، بیشتر قابل درک است. البته روشن نیست آیا همین روش ارتباطی به گونه‌ای گسترش می‌یابد که در همه جهان، مردم بتوانند از آن استفاده کنند، یا این که سیستم پیشرفته‌تری جای آن را می‌گیرد و یا این که مطلب دیگری فوق اینهاست.^۷

بنابراین ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت، بلکه در سطح جهانی، عملی می‌شود و پیوندهای ظاهری و جسمانی و ارتباط‌های معنوی دل‌ها را استحکام می‌بخشد، آن گونه که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده خواهند بود.

البته نباید تصور کرد که کارها و امورات امام زمان علیه السلام به صورت معجزه‌آسا و بدون اسباب و عوامل مادی عادی انجام گیرد. بلکه اینها نتیجه پیشرفت‌هایی است که محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است. زندگی بشر در این عالم، قطعاً باید مطابق سنن طبیعی باشد، نه به طور اعجاز که امری استثنایی و برای موارد ضروری است.^۸ در این زمینه روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که شخصی به ایشان عرض کرد: می‌گویند زمانی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، همه امور بر وفق مراد او خواهد بود. حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست، قسم به آن کس که جانم در دست اوست، اگر بنا بود برای کسی کارها خود به خود و بدون عوامل مادی انجام شود، همانا برای رسول خدا چنین می‌شد».^۹

* فارغ التحصیل مرکز تخصصی مهدویت.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷-۲۱۸، ج ۱۶.
۲. منتهی الآمال، حالات امام کاظم علیه السلام اواخر فصل دوم.
۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۳۶؛ الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۸۴۱.
۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
۵. غیبت نعمانی، ص ۱۵۸.
۶. الاختصاص، ص ۱۹۹.
۷. ر.ک: سیهای آفتاب، ص ۲۹۳.
۸. فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۴۴۹؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۱.
۹. کافی، ج ۸، ص ۲۴۱؛ ج ۳۲۹.
۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.
۱۱. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۲۲۸.
۱۲. ر.ک: سیهای آفتاب، ج ۳، ص ۲۹۴.
۱۳. الغیبة، باب ۱۵، ج ۲.
۱۴. بقره/۵۵.
۱۵. نساء/۱۱۳.

پیامک‌های مهدوی

همیشه امام زمان علیه السلام را با یک فهرست بلند بالا، پر از حاجات رنگ و وارنگ و کوچک و بزرگ صدا می‌زنیم و بعد، سرگرم آرزوهای دور و درازمان می‌شویم. آن قدر اطراف ذهن و خاطر خودمان را شلوغ کرده‌ایم که صدای امام مهربانمان را هم نمی‌شنویم که می‌گوید: «**انا غیر مهملین لمراعاتکم**؛ ما شما را رها نکرده و فراموشتان نمی‌کنیم». پیامک‌های انتظار، تلنگری است تا در دنیایی که سرگرم آن هستیم، چند لحظه‌ای به یاد حجت خدا باشیم. شما هم می‌توانید برای ما درباره امام مهربانی‌ها، وظیفه ما در دوران انتظار و هر آنچه شایسته می‌دانید؛ پیامک بفرستید. با شماره **۰۹۳۵۳۱۳۰۴۹۶** منتظر شما هستیم. امان به بهترین‌ها به قید قرعه هدایایی تقدیم خواهد کرد.

پیامک‌های پیشنهادی:

◀ گر پرده ز رخ باز نماید مهدی از خلق جهان دل برباید مهدی
ای شیعه چنان منتظر مولا باش گویی که همین جمعه بیاید مهدی

◀ هم چاه سر راه تو باید بکنیم هم این که ز انتظار تو دم بزنیم
این نامه چندم است می‌خوانی تو؟! داریم رکورد کوفه را می‌شکنیم!
فرستنده: فاطمه کریمی

پیامک‌های ارسالی

◀ یا اباصالح! خورشید عصر جمعه، به امید آن که تو بیایی غروبش را به تأخیر می‌اندازد
۰۹۳۸...۶۱۰۲
◀ ما اهل کجاییم که مهدی فاطمه تنه‌است؟! ۰۹۱۱۱...۷۶۷۴
◀ اگر برای آمدنش جمعه را وعده نکرده بود، همین یک روز را هم به یادش نمی‌بودیم. ۰۹۳۸...۸۰۱۷
◀ اگر با آمدن «آفتاب» از «خواب» بیدار شویم، نمازمان قضاست. خدایا قبل از طلوع آفتاب بیدارمان کن. ۰۹۱۶...۲۷۵۴
◀ زهی خجسته زمانی که یار باز آید/ به کام غمزده گان غم‌گسار باز آید/ مقیم بر سر راهش نشسته‌ام چون گرد/ بدان هوس که بدین رهگذر باز آید ۰۹۳۶...۷۵۳۳
◀ به اندازه نگاهی به ما هم نگاه کن/ یک لحظه از نگاه خودت را تباه کن/ در کوچه‌های شهر دلم یک نفس بیا/ در این سرای

۶۶
منتظر
پیامک‌های
ارسالی
شما
هستیم





ظلمت دل کار ماه کن / مژگان شوخ تو سپاهی کمان کشند / یک تیر خرج قلب من از این سپاه کن / یک دم به اشتباه مرا هم صدا بزن / آری بساط عیش
مرا رو براه کن ۰۹۳۶...۷۲۰۰

◀ از عشق گفتیم و نمک گیر شدیم / تا ساحل چشمان تو تکثیر شدیم / گفتند غروب جمعه خواهی آمد / آن قدر نیامدی که ما پیر شدیم ۰۹۱۳...۸۴۵۳

◀ صاحب آدینه‌های عاشقان کی می‌رسد / آفتاب عالم آرای جهان کی می‌رسد / تا به کی در انتظار خسرو خوبان بگریم / مژده اذن الهی ز آسمان کی
می‌رسد / شعله‌های اشتیاق اندر دلم پر می‌کشد / رونق افزای بهارستان جان کی می‌رسد / دیده گلگون هستی تشنه دیدار اوست / آن نکو روی تبار عرشیان
کی می‌رسد ۰۹۳۷...۶۴۹۸

◀ چندی است که از عمر زمان می‌گذرد / از چرخش دور آسمان می‌گذرد / ملک و ملکوت چشم بر راه کسی است / آوازه عدلش ز جهان می‌گذرد / از بهر
ظهورش صلواتی بفرست / کانن هور کرم زما بدان می‌گذرد ۰۹۱۷...۳۱۹۷

◀ بیا که سوختیم ز هجر روی ماه تو / تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو / بهشت را فروختم به نیمی از نگاه تو / بدین امید زنده‌ام که گردم از سپاه تو
۰۹۱۷...۸۴۲۸

◀ مدیون ایزدم که مسیحای من شدی / با سوز و اشک وارد دنیای من شدی / اما خجل منم زنگاهت ای مسیحای من / حیف از شما بود که تو آقای من
شدی ۰۹۱۸...۵۹۳۰

◀ ای دل بشارت می‌دهم خوش روزگاری می‌رسد / یا درد و غم طی می‌شود یا شهریاری می‌رسد / ای منتظر غمگین مشو قدری تحمل بیشتر / گردی بیا
شد در افق گویا سواری می‌رسد ۰۹۳۷...۷۳۸۹

◀ دانم که تو از منتظرانت گله داری / سوگند به اشکی که تو در نافله داری / با یک نگه خود مس ما را تو طلا کن / آن دیده که روی تو ببیند تو عطا کن
۰۹۳۲...۳۷۸۳

◀ امشب نشسته بر دلم غم‌های عالم / بی‌تو گذشت این جمعه هم آقای عالم / این جمعه هم از تو خبر حتی نیامد / شب آمد و من ماندم و غم‌های عالم
۰۹۳۸...۶۱۰۲

◀ این روزها که حادثه بیداد می‌کند / دل از فراق روی تو فریاد می‌کند / برگرد ای مسافر تنهای فاطمه / بانگ تو قلب فاطمه را شاد می‌کند ۰۹۱۹...۴۷۳۵
آقا بیا که ساحل چشمم پر از غم است!! / این جمعه هم بدون شما غرق ماتم است!! / عیسا کجایی ای گل گلزار سرمد / که از هجران تو جان بر لب آمد / تمام
اصفیا در انتظارند / بیا ای وارث آل محمد ﷺ ۰۹۱۹...۴۴۳۹

برنده این شماره به قید قرعه شماره ۰۹۱۸...۵۹۳۰ است که با ایشان تماس گرفته شده و هدیه‌ای تقدیم ایشان می‌کنیم.

احمد حاج قلی *

بابت و بهائیت و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و رشد آنها

در جلسه قبل استاد حقیقت‌گو به بحث درباره مدعیان دروغین نیابت از امام زمان (عج) پرداخت و برخی از آنها را به صورت مختصر معرفی کرد و بعد از آن نیز فهرستی از تعدادی از مدعیان دروغین مهدویت، مانند: غلام احمد قادیانی، محمد احمد (مهدی سودانی)، سید علی محمد شیرازی و ... را ارائه نمود. اکنون ادامه ماجرا را با هم پی‌گیری می‌کنیم.

استاد نگاهی به تمام حضار کرد و سپس در حالی که چشمان خود را به گل‌های روی میزش انداخته بود، گفت: اگر ممکن است یکی از عزیزان خلاصه‌ای از بحث جلسه پیش را بفرماید، تا پس از آن، گفت‌وگو را ادامه دهیم. آقای جلیلی پس از تعارف به چند نفر و کسب اجازه از استاد، درخواست ایشان را اجابت کرد و در پایان هم با لبخند گفت: و اما موضوع این جلسه بحث درباره بابت و بهائیت است که وعده‌اش را داده بودید. صدای احسنت احسنت، از گوشه و کنار بلند شد.

استاد در حالی که هنوز آثار خنده از چهره‌اش محو نشده بود،

گفت: از شما به خاطر بیان خلاصه بحث جلسه قبل و خصوصاً تعیین تکلیفی که نمودید متشکرم! در این هنگام نگاه‌های تشکر آمیز به سمت آقای جلیلی نشانه رفت. اما استاد حقیقت‌گو با طرح یک سؤال همه نگاه‌ها را به خود جلب کرد؛ آن سؤال این بود: نظر شما درباره بابت و بهائیت چیست؟

بعضی از افراد نظرات خود را ابراز کردند؛ خانم ناصری گفت: در کتابی خوانده‌ام، این فرقه منحرف به کتابی غیر از قرآن، دینی غیر از اسلام و قبله‌ای غیر از کعبه اعتقاد دارند و حتی رهبران این فرقه خود را خدا معرفی کرده‌اند. آقای روح‌اللهی نیز اظهار داشت: یکی از اساتید ما در دانشگاه می‌گفت: بابت مولود فرقه‌ای موسوم به شیخیه و بهائیت هم انشعابی از بابت است و پیروان آنها معتقدند که امام زمان (عج) ظهور کرده و شهید شده است و نیز آنها به پیروی از رهبران خود اعتقادی به معاد و قیامت ندارند.

استاد حقیقت‌گو گفت: از همه شما متشکرم، هر کدام بخشی از واقعیت را درباره این دو فرقه یا حزب، بیان نمودید و اگر اجازه بدهید من فرمایشات شما را در چند جمله جمع بندی

“روسیه با فرستادن جاسوس خود «پرنس کینیناز» دلگورکی» به ایران به فرقه سازی در بین امت اسلام پرداخت و با مطرح شدن علی محمد شیرازی که بابت را به راه انداخته بود، از وی حمایت کرد و پس از او هم از بهائیت پشتیبانی نمود.



بیگانگان به جایی نخواهد رسید. بنابراین مهم‌ترین عامل به نظر من فقر فرهنگی بوده است. سپس خانم ناصری هم گفت: احتمالاً مشکلات اجتماعی و اقتصادی هم در این جا بی‌تأثیر نبوده‌اند.

سپس چند نفر دیگر هم نظرات خود را بیان کردند و بعد استاد حقیقت‌گو گفت: هر یک از برادران و خواهران قسمتی از عوامل را بیان نمودند و باید بگویم همه آنچه گفتید درست است و به عبارتی دیگر مجموعه‌ای از علل و عوامل در این مسأله نقش داشته‌اند که به چند دسته سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی قابل تقسیم هستند که بعد از اشاره‌ای مختصر به عوامل دیگر، به عامل فرهنگی که اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد، مفصلاً خواهیم پرداخت.

عوامل سیاسی

همه می‌دانیم که باییت و به دنبال آن بهائیت در عصر قاجار شکل گرفته‌اند و این عصر عصری بسیار پر تلاطم برای ایران بوده است. از طرفی شمال ایران محل تاخت و تاز روسیه بوده و پس از دو جنگ فرسایشی با آن کشور که اولی از سال ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸ هـ ق و دومی هم از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ هـ ق طول کشید، امتیازات و سرزمین‌های وسیعی از ایران گرفته شد که برخی از آنها مانند گرجستان و آذربایجان الآن به صورت یک کشور در آمده‌اند.^۱ طبعاً این جنگ‌ها آثار مخرب دیگر، مثل از دست دادن جوانان این مرز و بوم، ایجاد قحطی و گرانی‌های شدید و ... در پی داشته است. از طرف جنوب هم کشورهای اروپایی چشم طمع به ایران داشتند و کشور عزیز ما را در معرض تهدید قرار می‌دادند. از سوی دیگر شرق و غرب ایران هم آرام نبود و هر از چند گاهی در شرق توسط افغان‌ها و در غرب هم توسط دولت عثمانی مشکلاتی برای ایران رخ می‌نمود. در این بین حکام محلی نیز از ظلم و ستم به ملت ایران کوتاهی نمی‌کردند. خوب در چنین موقعیتی، طبیعی بود که روحیه منجی طلبی ملت ایران بسیار شکوفا تر و پر رنگ‌تر شود که دولت روسیه با درک این مسئله و با سوء استفاده از عوامل فرهنگی - که بعداً به صورت مفصل بحثش را خواهیم کرد - در عمل به سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" توسل جست.

روسیه با فرستادن جاسوس خود «پرنس کینیاژ دلگورکی» به ایران به فرقه سازی در بین امت اسلام پرداخت و با مطرح شدن علی محمد شیرازی که باییت را به راه انداخته بود، از وی حمایت کرد و پس از او هم از بهائیت پشتیبانی نمود که تفصیل این بحث را هم بعداً با عنوان ارتباط با بیگانگان باید مطرح کنیم. اما فعلاً بایستی به عوامل فرهنگی بپردازیم.

ادامه دارد...

کنم تا یک شناخت اجمالی از این حزب‌ها پیدا کنیم و بعد وارد مباحث تفصیلی شویم.

باییت با بهره‌گیری از بعضی آموزه‌های فرقه شیخیه، توسط سید علی محمد شیرازی، ایجاد شد و با حمایت دولت روسیه رشد کرد و چند سال بعد از اعدام علی محمد شیرازی، توسط امیرکبیر، دچار انشعاب شد که یکی از انشعابات آن بهائیت بود که توسط میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله ایجاد شد.

یکی از مهم‌ترین اهداف آنها مقابله و مبارزه با اسلام، به ویژه تشیع بود و به همین علت عقاید آنان کاملاً مغایر و متضاد با عقاید اسلامی و شیعی است، مثلاً آنها معتقدند که امام زمان علیه السلام ظهور کرده و شهید شده است. رهبران این فرقه‌ها، خود را صاحب دین جدید می‌دانند، اعتقادی به قیامت ندارند و خود را خدا معرفی کرده‌اند و احکام خدا را تغییر داده‌اند؛ خلاصه این که معتقدند دین اسلام نسخ شده و همه مردم جهان باید به عقاید آنان معتقد شوند و به احکام آنها عمل کنند تا سعادتمند گردند.

سپس استاد افزود از نظر منطقی لازم است در ابتدا بدانیم چه عواملی در شکل‌گیری و رشد باییت و بهائیت موثر بوده‌اند؛ در این مورد هم دوست دارم اول نظر شما عزیزان را جویا شوم.

آقای اندیشه‌ور گفت: به نظر من بیگانگان در این زمینه خیلی مؤثر بوده‌اند. در این هنگام خانم اصغری با صدایی گرفته - که نشان از نگرانی‌اش درباره حرفی که می‌خواست بزند داشت - گفت: استاد ببخشید، چرا ما عادت کرده‌ایم که همه مشکلاتمان را به گردن بیگانگان بیندازیم و کوتاهی‌ها و تقصیرات و ندانم کاری‌های خودمان را نادیده بگیریم؟! آقای رضایی که مقداری عصبانی به نظر می‌رسید، تحملش را از دست داد و قبل از این که استاد چیزی بگوید، گفت: ما تقصیرات خودمان را نادیده نمی‌گیریم، اما وقتی دخالت بیگانگان را آشکارا در بعضی مشکلات مهم می‌بینیم نمی‌توانیم فهم و درک خودمان را متهم کنیم. البته از استاد معذرت می‌خواهم.

جمله پایانی ایشان باعث خنده همه حضار شد. استاد گفت: خوب شد شما جمله آخری را هم گفتید و گرنه خدا می‌داند که چه اتفاقی می‌افتاد. البته برای جمع کردن بین فرمایشات خواهر و برادرمان بایستی عرض کنیم که یکی از عوامل، بیگانگان بوده‌اند که با توجه به شواهد و مستندات تاریخی غیر قابل انکار که مواردی از آن ذکر خواهد شد، دخالت آنها در این قضیه به اثبات خواهد رسید و اما عوامل دیگری هم در اینجا دخیل بوده‌اند که اجازه بدهید دوستان دیگر هم اظهار نظر کنند.

آقای قاسمی گفت: به نظر من اگر فرهنگ مردم درست و اسلامی باشد و به قول بعضی مردم مبتلا به فقر فرهنگی نباشند، تلاش‌های

* . کارشناس فرقه‌های انحرافی

۱. رک: تاریخ ایران، قسمت «تاریخ ایران پس از اسلام از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه»، تألیف عباس اقبال آشتیانی، تهران، نگارستان کتاب، ص ۷۰۳-۷۶۲.

دلخوشتر



دلگیرترین روزها در تقویم جمعه‌هاست. حتی غریب‌ترین روزها هم جمعه‌هاست. جمعه‌ها همیشه قرمز رنگ است. وقتی اسم جمعه می‌آید، یاد رنگ قرمزش در تقویم‌ها می‌افتم. اما جمعه‌ها در دل تو چه رنگی است؟ گاهی باورم نمی‌شود که تو هستی، مرا می‌بینی می‌شناسی، درک می‌کنی، تک تک لحظه‌ها و نفس‌ها و افکار مرا در می‌یابی. گاهی آن قدر دلم تنگ می‌شود که اشک‌ها امانم را می‌برند. اولین بار که نامت را شنیدیم گمانم این بود، که باید بین مخلوقات بگردم شاید تو را دریابیم، چه فکر بدی بود، تو در من بودی و من بی‌خبر از تو...! بارها خواسته‌ام که دستان پر از هیچ خود را به درسم دوستی دراز نمایم، شاید مهربانی دستان پر احساس تو را حس کنم. چه پندار بچه‌گانه‌ای! چرا که پیش از این، تو گرمای دستانت را به من بخشیده بودی! مرا توانایی به درک تو نیست. مرا راهی به سوی تو نیست. اگر با آن چشمان زیبایی مرا ننگری، وای بر من تو هستی، می‌دانم، همه جا، همه وقت، این منم که غافلم، این منم که جامانده‌ام، روزی خواهد آمد که تو بیایی و فقط با یک سلام این چنین پاسخت گویم: سلام علی آل یاسین.

■ آرزو بامداد

“
رونق و
فروع این
صفحه
را مدیون
همدلی و
همراهی
نوشته‌های
زیبایان
هستیم





تو می‌رسی که بخندد بهار، گل بدهد
درخت آتیه با برگ و بار گل بدهد
به شور مقدم تو شوره‌زارهای جهان
به یمن آمدنت هر دیار گل بدهد
به نام «امن یحیی» و دعای فرج
حروف نام عزیزت چهار گل بدهد
شبیبه پنجره‌ای بسته پلک‌های زمین
که چشم را بکند بی غبار گل بدهد
زمان به وقت جنون آسمان به شرح کنون
زمین غرق به خون، بی‌قرار گل بدهد
حتی جمعه‌ها در انتظار دیدنت خلاصه
شده‌اند. ستاره‌ها دست بر روی شانه
ماه می‌گذارند و اشک‌های لطیفشان
قطره قطره در دامن شب فرو می‌ریزد.
چشم‌های متمسک دردمندان بر دست‌های
بزرگوار تو دوخته شده‌اند. به امید روزی
که تکیه بر کعبه زنی و نام مقدست
سراسر جهان را پر نور کند.

■ صغری اکبرزاده

می‌بینید آسمان و کوچه‌های شهر چقدر
تاریک و سیاه است، بی‌بند و باری،
بی‌اعتنائی، بی‌حجابی و بداخلاقی در کوچه‌ها
موج می‌زند و کسی کاری نمی‌کند؟ یا اباصالح
علیه السلام کاسه صبرمان لبریز شده است. آخر تا
کی صبح جمعه دعای ندبه بخوانیم؟ تا کی
در قنوت نمازمان دعای فرج را زمزمه کنیم؟
این زندگی بدون مهدی علیه السلام تا کجا ادامه
داشته باشد؟ مهدی جان! حرف ما که سر تا
پا گناهیم نزد خداوند خریدار ندارد. خودتان
از خدا بخواهید که این انتظار به سر آید و
دیدگانمان به جمال نورانی شما روشن گردد.
آن هنگام است که بغض‌ها می‌ترکد، اشک‌ها
چون سیلاب از دیدگان روانه می‌شوند،
زبان‌ها بند می‌آیند و ... دیگر همه چیز رنگ
و بوی تازه می‌گیرد. یا بقیه الله! برای ما دعا
کنید تا از منتظران واقعی ظهور باشیم.

■ سکینه کشاورز

سلام! امروز رد پای مهربانی‌ات را دوباره روی
خط‌های سیاه ذهنم دیدم؛ دوباره تو را در
اوجی از لبخند دیدم، دوباره توانستم چشمانم
را تا آخر باز کنم و گرمای وجودت را در کنار
خودم ببینم. امروز دوباره یادم آمد که تنها
نیستم؛ دوباره دستان نوازشگرت را که قلب
خسته‌ام را با لالایی عشق تکان می‌داد با
تمام وجود لمس کردم. دوباره تو را دیدم
در وحشت ظلمت و فهمیدم که باز دوباره
خورشید قلبم را فراموش کرده بودم. دوباره
نام مهربان تو را که با عشق نوشته بودم
خواندم. دوباره اندوهم را در زیر شعله عشق
بی‌انتهایت یکی یکی سوزاندم و خاکسترش
را هنگامی که برایم سرودی از مهربانی
می‌خواندی بر باد دادم.

دیگر نترسیدم از شب؛ از زوره گرگ‌ها
نترسیدم؛ می‌دانستم عشقی که از چشمان
تو در کنارم شعله می‌کشید، چشم‌هایشان را
به سوی من نخواهد آورد. فهمیدم که نباید
دستانم را از دستت بیرون بیاورم؛ فهمیدم که
همیشه باید با زنجیری از عشق خود را به
چشمانت وصل کنم.

■ مرجان رزمی



ای از تبار حقیقت! افق یادت در بیابان وجودم درخشید، پس به
خود آمد. آری ای مولایم! نام زلال تو بود که با سکوت لحظه‌هایم
همنشین شد. پس سلام ساده‌ام را بپذیر و بر دستان خالی و وجود
درهم شکسته‌ام، نیم نگاهی کن.
خسته از حرف‌های ناگفته و نگاه‌های نخوانده‌ام. ای امید زندگانیم!
سرگردانم منتظرم مگذار. افسوسه عدل! از زندگی تا کوچه‌های
سرنوشت، از تولد لحظه‌ها، تا گذر روزگار، چشم به راهت هستم تا از
دیوار صبر بازایی و کوله بار عدالت را در فصل تقدیر بگسترانی. عرفه
پر از بوی توس، ندبه پر از یادت و جمعه پر از غم نبودت، جهان پر
از التماس ظهور توس، بیا.

■ زینب کشاورزی



سلام بر تو که امید آسمان‌های غریبی و پناه قلب‌های
بی‌پناه! از پشت پنجره‌های سوخته و آفتاب خورده به
آن سوی کرانه‌های نیلگون خیره شده‌ام و به تو فکر
می‌کنم. تویی که از هزاران عشق و امید والاتری.
تویی که آموزگار دشت عشقی. تویی که رمز رسیدن
به اوج خدایی. تویی که شهادی به شیرینی یک دعایی.
بی‌صبرانه در انتظارت نشستیم تا بیایی و با دستان
ابراهیم گونه‌ات، بت‌های زر و زور و تزویر را در بت‌کده
نوین بشری درهم کوبی و ننگ‌ها و نیرنگ‌ها را از
جامعه بزدايي.

■ سعیده فرجی



با اجازه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

■ حسین باقری *

جاری می‌کرد مشغول دعا کردن شدیم، یه چند خطی هم قرآن خوندم، سید مهدی می‌گفت: لحظه‌ای که دوتا جوون به عقد هم دیگه در میان هر دعایی بکنین مستجاب می‌شه، خیلی دعا کردیم، اولین دعامون هم این بود که خدایا فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رو برسون، توی همین تفکرات و خیالات معلق بودم که یه دفعه دیدم یکی داد زد و گفت: "عروس رفته گل بچینه" حاج آقا گفت: عروس خانم ... آیا بنده وکیلیم؟ - "عروس رفته گلاب بیاره" - حاج آقا گفت: برای بار سوم می‌خوانم؛ آیا بنده وکیلیم؟! این‌جا بود که طوفانی کشتی دلم به راه انداخت. طبق سنت‌ها و عادت همه عروس‌ها باید می‌گفتم: "با اجازه پدرم و بزرگترا و ...". اما کدوم پدر؟ من فقط دو تا عکس از پدر دیدم، اون لبخند و نگاه نازنینش، خدایا الان چی بگم... صدای ضربان قلبم رو به وضوح می‌شنیدم... فقط یه بار توی عمر این جمله رو می‌گی، واقعا امتحان سختیه، خیلی دلم می‌خواد یه زندگی مشترک مورد رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که پدر حقیقی من بوده داشته باشم و حضرت از این وصلت خوشحال بشه و همیشه توی مشکلات زندگی و پیچ و خم‌هاش پشت و پناهمون باشه. این‌جا بود که با تمام وجود و از ته دل، با صدایی مطمئن و امیدوار جواب دادم: با اجازه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مادرم و بزرگترا ... بـَـلـَـه.

* . مدیر اجرایی نشریه امان.

L خیلی‌ها با این وصلت مخالف بودند می‌دونید چیه؟ می‌گفتن آخه هنوز فقط هفده سالشه، هنوز زوده، ممکنه بعداً پشیمون بشه؛ اما با درایت و مدیریت مادر، بالأخره برادرها یه جوری راضی شدند که قبول کنند. از طرف دیگه، آقا داماد هم فقط بیست و یک سالشه و فقط خودش و یه دست لباسی که تنش و یه کاری که مختصر حقوقی ازش به دست میاد. حتماً می‌پرسین شغلش چیه؟ خودش می‌گفت: سربازم، نه سرباز نظامی، سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی می‌خواد سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بشه.

بگذریم، بالأخره بساط عروسی، یعنی همون جشن عقد برپاشد؛ همه جمع بود، برادرها و خواهرها و فامیل. البته یه عده‌ای از فامیل هم چون می‌دونستن تو عروسی ما بزن و برقص نیست اصلاً نیومدن! یه عده مشغول خوردن میوه و شیرینی بودن، یه عده هم مشغول حرف زدن و خندیدن. لبخند همراه با نگرانی برادرها و خواهرها خودش یه دنیای از عشق و محبت را می‌رسونه.

ولی جای پدر خالی بود، فقط سه ساله بودم که به قول مامان رفته بود پیش خدا و ما رو تنها گذاشته بود. طبق معمول همه عروسی‌ها صدای دلنشین یه بچه دختر که داد می‌زد، عاقد اومد، حاج آقا اومد، شش‌دانگ هواس همه رو به سمت سفره عقد جلب کرد. به سفارش سید مهدی (یکی از دوستان داماد) سر سفره عقد و اون لحظه‌ای که حاج آقا داشت خطبه عقد رو

“
خیلی دلم
می‌خواد
یه زندگی
مشترک
مورد
رضایت
امام زمان
که پدر
حقیقی
من بوده
داشته
باشم و
حضرت از
این وصلت
خوشحال
بشبه



واژگان مهدوی

اوتاد از یاران برجسته حضرت مهدی

مهدی از آن‌جا که واژه اوتاد جمع «وَتَد» به معنای میخ است، به نظر می‌رسد این گروه، از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت به آن حضرت بسر می‌برند.^۱

از روایات استفاده می‌شود که «اوتاد» سی تن از یاران خاص حضرت مهدی هستند که همواره در خدمت آن حضرت بسر می‌برند. هر یک از آنان که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می‌شود. امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَ لَا بُدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ وَ نَعْمَ الْمَنْزِلَ طَيِّبَةً وَ مَا يَتَلَاثِنَ مِنْ وَحْشَةٍ؛ به ناگزیر، برای صاحب این امر، غیبتی است و به ناگزیر در غیبت او کناره‌گیری است، و نیکو جایگاهی است مدینه. و با وجود سی نفر ملازم هیچ گونه وحشتی نخواهد بود».^۲

۱. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰، روایت ۱۶؛ شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۸، ح ۴۱.



عرضیه

ل برای همه ما پیش آمده که گاه با دیدن یک دوست، سر درد دلمان باز شده و شروع به گفتن از غم و غصه‌هایمان برای او می‌کنیم. حال فکرش را بکنید، قرار است پیش کسی درد دل کنیم که نبض زمین و زمان به دست او می‌زند و ولی خداست در زمین. این ستون متبرک شده به نام نامی مولایمان را، به شما منتظران تقدیم می‌کنیم.

اگر توفیق زیارت حضرت ولی عصر را بیابید و بخواهید یک بیت شعر تقدیم آن حضرت بنمایید، آن بیت چیست؟



سید محمد موسوی (سجاسی)؛ مداح اهل بیت

اگر مقصود تو جان است رخ بنما و جان بستان
اگر قصد دگر داری من این و آن نمی‌دانم
به امید وصال تو، دلم را شاد می‌دارم
چرا درد دل خود را دگر درمان نمی‌دانم
شهید عراقی



حجت الاسلام ناصر نقویان

کار از تو می‌رود، مددی ای دلیل راه
کانصاف می‌دهیم که زره اوفتاده‌ایم
حافظ



حجت الاسلام ابوترابی؛

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی

شاید حضرت به من چنین بفرمایند:
آب کم جوی، تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست
مولوی



محمد بدیعی؛

ویراستار

جان چه باشد که فدای قدم دوست کنم
این متاعی است که هر بی‌سرو پایی دارد

هاشم زاده؛ مجری شبکه قرآن

می‌آید آن مردی که با خود آسمان دارد
در دست‌هایش دانه‌های کهکشان دارد
او را هزاران نام شفاف و درخشان است
هر بیکران روشنی از او نشان دارد
خورشید، این آئینه نورانی فردا
نام بهار آئین او را بر زبان دارد
یدالله گودرزی

با یاران امان

مهرانه‌ها

■ معصومه بهرامی - کبودرآهنگ:

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت همه تلاشگران نشریه امان. چهار مورد بیشتر مجله امان تا به حال به دستم نرسیده بود که این مجله (شماره بیست و یکم) خیلی در روح و روانم تأثیر گذاشت، هیچ وقت این گونه امان را با دقت نخوانده بودم. شماره‌های قبلی نشریه امان که به دستم رسیده بود با نگاهی خلاصه‌وار و گاهی با مکت خوانده بودم و بعد لایه‌لای کتاب‌هایم قرار می‌دادم. ولی این بار در اتاقم نشسته بودم، کسی در خانه نبود. از آن جا که علاقه زیادی به گویندگی خصوصاً در رادیو دارم، به طور خاص شروع به خواندن کردم، مثل یک مجری با صدای رسا و بدون غلط. صدایم در اتاق طنین انداز شده بود. اولین صفحه اتفاقی من مقاله «غروب سجاده» بود. هر چه پیش رفتم دیگر فقط رساندن صدا به فضای تخیلم نبود. حالا دیگر دلم هم هماهنگ شده بود و صدایم لرزید، اشکم سرازیر و صدایم قطع شد. تا جایی که مجال بود خواندم، تشنه و تشنه‌تر شدم. از هر فرصتی که پیش می‌آمد سراغ امان می‌رفتم و با دقت مطالعه می‌کردم و اگر جایی را متوجه نمی‌شدم دوباره می‌خواندم. با خود گفتم: چرا من تا به حال به امان، امان نداده بودم تا برایم سخن بگوید: از این بابت برای خودم متأسف بودم اما حالا خوشحالم و تشنه مجله‌های آینده شما عزیزان. خیلی عالی بود و دارای بخش‌های خیلی مفید. حالا قصد دارم شماره‌های گذشته امان را تهیه و مطالعه نمایم. اگر می‌شود می‌خواهم در برگه‌های مقدس و نورانی‌تان دستی بر قلم ببرم و اگر مورد تأیید شما بزرگواران باشد بنویسم.

■ محمود محمدی - محلات:

درود خداوند یکتا بر شما باد که همت خویش را در مسیر خشنودی پروردگار جهانیان به کار می‌برید و نشریه‌ای این چنین زیبا و ارزشمند از برای ایرانیان و پارسی زبانان دنیا تدارک دیده‌اید.

■ اعظم کهنسال - مشهد:

با عرض سلام و تقدیر و تشکر از دست اندرکاران مجله امان، امیدوارم با نشریه خوبتان همه آحاد مردم امام زماشتان را بشناسند و یاریش کنند و برای ظهورش دعا کنند. از شما که باعث رشد و تعالی افکار مردم می‌شوید بسیار متشکرم.

■ ناهید تبریزی مطلق - شاهرود:

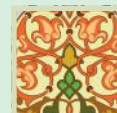
حدوداً چند ماهی است که توفیق آشنایی و مطالعه این نشریه را پیدا نموده‌ام. نکته بسیار جالب این نشریه تنوع مطالب آن (اعتقادی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی و ادبی) می‌باشد که امیدوارم روز به روز موفق‌تر از پیش باشند.

■ نامه‌های شما رسید

آذر بایجان غربی: سعید، مهدی، حسن، حمید، مجید، احمد، ملاحت، مائده و رقیه رحیملو. زهرا سفیدگر. علی، اسماعیل و فاطمه اسدلو. داریوش پاشاپور. قربان، ابوالفضل، سوینج و زهرا رضائی. مریم قربانعلی‌زاده. محمد صفاجو. میرولی سید اشرف. میرناصر حسینی. جوواد مددی. **آذربایجان شرقی:** جعفر ابراهیمی. فهیمه افروزی. سمیه انصاریلرخی‌او. آرزو تیموری غرب. سکینه بابائی. علی

پوربخش. سمیه حبیب‌خلق. کاظم علیزاده. **اصفهان:** جعفر خوندنقش. پری سادات هاشمی. سعید حاج عنایتی. پرویز امیدی. زهره محمدیان. زهرا و حجت‌الله کریمیان. مینا جمی. پری‌ناز احمدی‌ریزی. ابراهیم احمدی. اعظم، معصومه و فاطمه آیتی. رقیه هاشمی جوزدانی. **تهران:** محمد شیخ غلامی. میثم سیاه منصوری. سیده نرگس کشفی. سمانه و فاطمه گل محمدی. سید عباس هاشمی. علی‌اصغر خیرمند پاریزی. مریم احمدی مجدآبادی. زهره قاسمی. زیور امیدی. **چهار محال و بختیاری:** مرضیه

مولوی. احمد رضا زمانی‌بروجنی. **خراسان شمالی:** نصرت السادات مرتضوی. محبوبه مهری. معصومه حسین‌زاده. طاهره ایمانی. فاطمه، زهرا و مریم حسین‌نیا. مصطفی صادقی. احمد حسین‌زاده. فاطمه مرگن. فاطمه حسن‌زاده. حسن ابراهیم‌نیا. زکیه شهسواری. حسین ناییبی. علی یوسفی‌نیا. حسن امامی. حمیدرضا قاضی‌زاده. سلمان وحدانی. انسیه شیخ‌الاسلامی. یوسف سیفی. حسین ناییبی. **خراسان جنوبی:** طیبه صفری. **خراسان رضوی:** اعظم کهنسال استاجی. **خوزستان:** طیبه خواجه‌گودری.



پیشنهادها و انتقادها

■ محمد هادی بهرامی - قم:

اگر امکان دارد صفحاتی راجع به نشانه‌های قیام و صفحه‌ای برای امر به معروف خواهران و برادران نسبت به دین و حجاب و ... قرار بدهید.

■ رقیه هاشمی جوزانی - فولادشهر:

در مورد زنان و تربیت فرزندان بر اساس آموزه‌های دینی امام زمان (عج) بیشتر مطلب بنویسید.

بدون شرح

■ پروین حق‌مرادی - کرمان:

در برابر هالیوود کارخانه فیلم‌سازی امریکا و اشاعه فرهنگ غرب که فیلم‌ها و پوسترها و لباس‌هایی با مارک قهرمانان فیلم‌های آنان (مرد عنکبوتی، بتمن و ...) که حتی روی جلد دفتر دانش‌آموزان می‌باشد ما چه کردیم؟ چه برنامه‌هایی تدارک دیده‌ایم؟ آیا عکس دانشمندان و شخصیت‌های ایرانی را بر روی جلد دفتر دانش‌آموزان آوردیم که حداقل با این شخصیت‌ها آشنا شوند و نام آنها به گوششان بخورد؟ به نظر بنده برای مقابله با فرهنگ غرب که میلیاردری برای گسترش و اشاعه آن هزینه می‌کند اگر فکری نکنیم فردا دیر و غیر قابل جبران است.

امان:

با تشکر از همه شما یاران صمیمی که با نظرات خود، در هرچه بهتر شدن نشریه سهیم هستید تمام تلاش خود را برای استفاده از پیشنهادات و رفع کاستی‌ها به کار خواهیم بست، ان شاء الله

کلامی با آقا

■ طیبه السادات افتخاری - قم:

زمان گذراست و سیاهی همچنان بر قلب‌های شکسته انسان‌ها می‌تازد، زمان می‌گذرد و ثانیه‌های پر از خمیازه مهربانی را میان خمیازه‌های تاریخی دردناک مدفون می‌کند و سیاهی دنیار، رفته رفته در خود می‌بلعد. و من هنوز چشم به کوچه‌های آرزده و خسته و خسته‌ام تا تک سوار منجی عالم بشریت در عالمی که نامش را جهان فنا شدنی گذارده‌اند پای نه‌د و ریسمان از هم گسیخته تاریخ ملت‌های با حضورش به یکدیگر پیوند زند.

■ سمیرا امینی‌هرندی - خوزستان:

مهدی جان! ارباب زیبایی‌ها، یارای دیدنت را ندارم؛ از ترس، از شرم، از بیچارگی، از حقارت، از ... اما برایت دعا می‌کنم؛ دعا می‌کنم بازگردی و دنیا را راحت کنی از غم فراق. امیدوارم روزی بازگردی که توانایی رویارویی با تو را داشته باشم؛ روزی که حداقل قلبی از یارانت را در جعمان پیدا کنی.



گیلان: قابل قیادی پرمهر. **مازندران:** محمدحسن صالحی. سکینه و محمد خوشنود. زینب ولی‌اللهی. معصومه ناصحی. سیده مریم طالبی. قاسم، محمود، آسیه، نساء و کلثوم ثانوی سورکی. لیلا امانی‌نژاد. مجتبی عباسی. محمود و امیر رضا نصرالله‌زاده سورکی. جلیل و محبوبه داداشپور. صدیقه علیپور. سمیه امامی‌ملکشاه. مریم بهرامی. **مرکزی:** محمود محمدی. **همدان:** رقیه حبیبی. رؤیا عاشوری. خدیجه اوچی. اکرم، معصومه، سمیه و رقیه بهرامی. سهیلا شعبانی. زینب طاهری. لیلا عظیمی برزنده. لیلا بدری. علی آشوری. **یزد:** محمدرضا رضائیان فیروزآبادی.

قمی. محمد مهدی صادقی. صغری خادمی. زهرا فرجی. علی جهانگیری. حکیمه کریمی دردشتی. اعظم بایسته. علی اوسط توحیدی. محمد هادی بهرامی. صدیقه موسویان محمدی. زینب سعادت. زهرا اورسی. سعید شفاعی. سمیه نبیری. علیمراد جباری. **کرمان:** فرشته برهمن. طاهره پورشیرعلی. فرشته حسنخانی‌فرد. فرزانه رضانی سربندی. کبری داوری‌پور مرغزی. **کرمانشاه:** پروین حق‌مرادی. بیژن و ناصر عنایت‌پور. **کهگیلویه و بویراحمد:** سیده فاطمه نوروزی. سید رضا منصوری مهربان. **گلستان:** علی طاهری. بهزاد سنگانی. کلثوم زور. معصومه، محمد و ملیحه ترابی. مهدی عابدینی.

سمیرا امینی‌هرندی. محمد رضا آل‌خمیس. **زنجان:** فهیمه خسروی. سعید قرچه‌لو. علی اکبر کلانتری. **سمنان:** سید مجید سیداسماعیلی. ناهید تبریزی مطلق. حلیمه عباسی. **سیستان و بلوچستان:** نوروزعلی پیکرستان. **فارس:** نرگس فولادی. حسن حیدری. محمدصادق بیاتی. فریده صادقی. زهرا شادروانی. نرجس انصاری. **قزوین:** منیره امینی. **قم:** سکینه شکاری. نعمت ... فتحی. مردعلی شکاری. زینب کهنساری. فاطمه طباطبائی امیری. جواد نعمتی. حسن اسدی. طیبه السادات افتخاری. زینب رضائاد کلاهی. علی رحیمی جعفری. محسن شریعتی. مریم خلجی. زینب صالحی. زهرا جلالی

جدول

محمد جواد کمار

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		۶											۱
								۲					۲
													۳
													۴
													۵
													۶
													۷
													۸
													۹
													۱۰
													۱۱
													۱۲
													۱۳
													۱۴

برندگان جدول شماره ۲۱: فرزانه رضانی از بردسیر - علی مراد جباری از قم
برندگان مسابقه تستی شماره ۲۱: سمیرا امامی ملکشاه از بابل - زکیه شهسواری از جاجریم

عمودی

- روز دوازدهم اردیبهشت مصادف با شهادت این شخصیت انقلاب اسلامی است.
- کسی که با دیگری کار می کند. ضمیر غایب.
- جمع حیوان. از نام های قیامت.
- مغایر و مخالف. سمت و جهت. تکرار یک حرف.
- برادری. آفت مزرعه. عددی دو رقمی.
- بدن. آفرین گفتن. انسان بی رحم.
- نام درسی است. از غلات. از فلزات.
- چاقوی جنگی. زهر. جدید.
- رطوبت. جمع شدن. از شعرای نامی.
- واحد شمارش خانه. از القاب حضرت زهرا (علیها السلام) به معنای پاکیزه. ضمیر اشاره به دور.
- نوک کوه. غذای بیمار.
- حدیث شریفی که در آخر مفاتیح آمده. صریح و بی پرده. شهری در استان مرکزی.
- نام عملیات غرور آفرین رزمندگان اسلام که فتح خرمشهر دستاورد آن بود. خوب نیست.
- آخرت. شهادت استاد مرتضی مطهری به این روز نامگذاری شده است.

- پنج جمادی الاول ولادت این بانوی بزرگ است. تکرار یک حرف.
- از رنگ ها. از صفات خداوند که در سوره حمد آمده.
- چهره و سیما. بلقیس ملکه این سرزمین بود.
- خرداد سالگشت فقدان این شخصیت بزرگ انقلاب اسلامی است. از القاب حضرت مهدی (عج).
- پر حرف. تکرار حرف ششم الفبای فارسی.
- سوم جمادی الثانی مصادف با این مناسبت است.
- اراده و انگیزه داشتن. پیشوندی است. بالابر ماشین. گازی است.
- عددی یک رقمی. آسمان به عربی. شنوا و از صفات الهی. عضوی در سر.
- دوا. از ایام هفته. شهری در کردستان.
- شهری در خراسان قدیم. جایگاه سوار کردن و پیاده کردن مسافران قطار. خدمتگذار.
- عضوی در پا. سوره پنجاه و سوم قرآن. توانایی.
- همراه واج می آید. آبرو ندارد. ناله.
- مناسبت نامگذاری بیستم جمادی الثانی. از حیوانات. شهر مرکبات.
- مادر حضرت عباس (علیه السلام). پدر بزرگ.

تذکر

- رمز جدول، دو کلمه جداگانه می باشد (کلمه اول شماره های ۱ تا ۴ - کلمه دوم شماره های ۵ تا ۸) به دو نفر از کسانی که زیباترین جمله را با استفاده از این دو کلمه ساخته و برای ما ارسال نمایند، به قید قرعه جوایزی اهدا خواهد شد.
- اسامی برندگان جدول و مسابقه تستی هر شماره با یک شماره تأخیر اعلام می شود.
- سؤالات مسابقه تستی از متن مجله (همین شماره) انتخاب شده است.
- برای جدول و مسابقه تستی، قرعه کشی جداگانه ای صورت می گیرد.
- جوایز برندگان، یک سکه زرین امان (پلاک طلایی مزین به آرم امان) + اشتراک دو سال نشریه امان یا کتب خواندنی در عرصه مهدویت.
- مهلت ارسال رمز جدول و پاسخ مسابقه این شماره تا تاریخ ۸۹/۳/۳۱ می باشد.

مسابقه تستی

- از دیدگاه امام خمینی، حکومت وسیله ای است برای
الف. تحقق عدالت اجتماعی ☐ ب. تهذیب و پرورش انسان ها ☐ ج. هر دو ☐
- ظهور حضرت مسیح در مکاشفه های یوحنا در چند مرحله ذکر شده است؟
الف. سه مرحله ☐ ب. هفت مرحله ☐ ج. دوازده مرحله ☐
- حضور زنان در حکومت امام زمان (عج) در چه عرصه ای است؟ (گزینه صحیح تر)
الف. عرصه های سیاسی و اجتماعی ☐ ب. عرصه های فرهنگی و تربیتی ☐ ج. تمام عرصه ها با حفظ کرامت آنها ☐
- این جمله از کیست؟ «آقای شاه آبادی، علاوه بر آن که یک فقیه مبارز و عارف کامل بودند، یک مبارز به تمام معنی هم بودند».
الف. امام خمینی ☐ ب. آخوند خراسانی ☐ ج. میرزای شیرازی ☐
- کدام گزینه مقصود از حیاتی که انبیا به آن دعوت نموده اند، نمی باشد؟
الف. حیات فکری ☐ ب. حیات حیوانی ☐ ج. حیات اجتماعی ☐
- رمز موفقیت مقام معظم رهبری چیست؟
الف. انجام وظیفه و تلاش ☐ ب. توکل و اخلاص ☐ ج. همه موارد ☐
- کدام یک جزء وظایف جناب محمد بن عثمان در دوران نیابت، محسوب نمی شود؟
الف. مسافرت به شهرهای شیعه نشین ☐ ب. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت ☐ ج. شک زدایی از وجود مبارک امام زمان (عج) ☐
- عوامل شکل گیری و رشد باییت و بهائیت چه بود؟
الف. فرقه سازی توسط عوامل بیگانه ☐ ب. جهالت و عدم اطاعت دینی مردم ☐ ج. هر دو مورد ☐
- کدام گزینه صحیح است؟ میزان در اعمال ... است.
الف. توجه به انگیزه در عمل ☐ ب. گوشه گیری از جامعه ☐ ج. قبول مناسب اجتماعی ☐
- واژه اوتاد از وند گرفته شده و به معنای است.
الف. یار ☐ ب. میخ ☐ ج. خیمه ☐

برگ اشتراک نشریه امان

هزینه با پست عادی		
تک شماره	۶ شماره	۱۲ شماره
۵۵۰۰	۳۳۰۰ ریال	۶۶۰۰ ریال

وجه اشتراک را به شماره حساب ۰۱۰۵۶۴۱۹۳۴۰۰۹ سیبا بانک ملی ایران به نام انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{علیه السلام} واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول صندوق پستی ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵ نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

• مشخصات

نام و نام خانوادگی	سال تولد	تحصیلات	شغل
نشانی	استان:	شهرستان:	
کد پستی	کد شهر	تلفن ثابت	تلفن همراه
		مبلغ پرداختی	

• این قسمت توسط امور مشترکین تکمیل می‌گردد

شماره اشتراک	وضعیت اشتراک	یکساله: ☐	دوساله ☐	تک شماره ☐
تاریخ ثبت	شماره فیش	تاریخ فیش		

• یادآوری:

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری کنید.
- در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به دفتر مجله اطلاع دهید.
- تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

خواننده گرامی! در این قسمت:

نشریه خودتان را ارزیابی کنید؛ مطالب زیبایتان را برای ما بنویسید:

[illegible][illegible]



نیاز به الصاق نمبر نمی باشد



هزینه پستی بر اساس قرارداد
شماره ۹۲-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است
و نیاز به الصاق نمبر نمی باشد.

۲	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
۰	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
الف	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

پاسخنامه مسأله تستی:

محل نوشتن جمله ساخته شده از هر جدول:

مشخصات در پشت برگه قید گردد

